

فداکاری کارکنان سپر آهنین در قلب خلیج فارس

این شماره ماهنامه مشعل
به تلاشگران مناطق عملیاتی
وسکوهای نفت و گاز تقدیم می شود

والله اعلم





هلماسادات احمدی زاده

ستاره ای که در

۱۰ سالگی جاودانه شد

- مدیر مسئول
سامان قدوسی
- رئیس امور انتشارات و مستندنگاری
جعفر پورفرجودی
- سر دبیر
مهناز محمد قلی
- دبیر تحریریه
سعید محمدبگی
- همکاران تحریریه
فاطمه دهقان تیری،
یونس صادقی، حمیدرضا زینلی،
علیرضا عبدی
- همکاران فنی
طراح گرافیک: بهاره افتخاری
محمود محرابی
ویراستاری: زهرا شهبازی
مرضیه بیکی فرانی
حروفچین: رقیه مصطفوی
- عکس
واحد عکس اداره کل روابط عمومی
وزارت نفت
- خدمات IT
مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات
روابط عمومی وزارت نفت

آبان ۱۴۰۵



راهکارهای طلایی برای حفظ استحکام استخوان‌ها
در سنین مختلف

سپر دفاعی در برابر پوکی استخوان

۶۰

داور بین‌المللی کاراته دربارہ
نقش صنعت نفت در پرورش
استعدادهای ورزشی می‌گوید

همراه

ورزشکاران

تا قله افتخار

۴۰

روایت کارکنانی که زیر سایه جنگ کنار هم ایستادند

مردان خط در مسیر سخت نفت

۱۶

جنگ جهانی اول معادلات ایران را تغییر داد

نفت در آزمون بی‌طرفی

۴۸

رئیس جمهوری:

بی‌نیاز از واردات بنزین شده‌ایم

۴

روایت تلاش بی‌وقفه کارکنانی که نبض انرژی
کشور را در دست دارند

شاتول جایی که تولید از دل سختی می‌گذرد

۱۴

نشریه مشعل را در
WWW.MASHAL.IR
دنبال کنید

نشانی
تهران، خیابان طالقانی،
رو به روی ساختمان مرکزی وزارت نفت
ساختمان شماره ۳۴ نفت- طبقه چهارم
تلفن: ۶۱۶۲۶۰۸۴
فکس: ۶۶۴۹۱۳۰۹
آدرس: کل روابط عمومی وزارت نفت
جمهوری اسلامی ایران

Email: mashal@mop.ir

از طریق
اسکن بارکد
«گپوار»
وارد سایت
مشعل
شوید.

پیشکسوت صنعت نفت از ۳۹ سال خدمت
در جایی میان دریا و خاطره می‌گوید

فلات قاره تکه‌ای از جان من است

۵۲



رئیس جمهوری:

بی‌نیاز از واردات بنزین شده‌ایم

رئیس جمهوری با بیان اینکه با همراهی مردم، امروز از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم، گفت: همه درآمد حاصل از افزایش قیمت سوخت، صرفه جویی و مدیریت مصرف به خود مردم پرداخت خواهد شد.

مسعود پزشکیان در نشست شورای اطلاع‌رسانی دولت بیان کرد: اگر اعتماد مردم را جلب کنیم و آنها را همراه خود داشته باشیم، هیچ قدرتی توانایی این را نخواهد داشت که آسیبی به کشور ما وارد کند. با وجود همه فشارها و سختی‌های ناشی از جنگ نظامی و اقتصادی دشمن، دولت از همه ظرفیت‌های خود استفاده کرده است تا معیشت مردم دچار مشکل نشود و تأمین کالاهای اساسی و موردنیاز جامعه با قدرت و تلاش شبانه‌روزی انجام شده است. وی با اشاره به موضوع مصرف بالای انرژی و تأمین سوخت موردنیاز کشور در شرایط محاصره اقتصادی، گفت: برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در حوزه انرژی و سوخت، موضوع صرفه‌جویی و مدیریت مصرف را در دستور کار قرار دادیم که با همراهی مردم به میزان قابل توجهی صرفه‌جویی انجام شد، درحالی‌که باید ۱۲ میلیارد دلار برای واردات بنزین موردنیاز هزینه می‌کردیم.

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه همه درآمد حاصل از افزایش قیمت سوخت، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف به خود مردم پرداخت خواهد شد، افزود: باید از ظرفیت رسانه‌ها برای همراهی مردم در موضوع‌های مهمی همچون مدیریت مصرف انرژی و صرفه‌جویی بنزین و تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی استفاده کنیم. پزشکیان تصریح کرد: در دستگاه‌های اداری و سازمان‌ها نیز مدیران کشور باید با همدلی برای

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تاکید کرد:

امکان حضور همه بانوان در پویش مهربانو، سفیران انرژی



سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در آیین

زنان، سرمایه‌ای اثرگذار در مدیریت مصرف انرژی



صدیقه خزایی، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت هم در آئین پویش «مهربانو، سفیران انرژی» با اشاره به نقش کارکنان زن صنعت نفت در شرایط دشوار دوران جنگ گفت: زنان متخصص این صنعت افزون‌بر انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، در تقویت تاب‌آوری اجتماعی و ملی نیز نقش داشته‌اند. حضور زنان توانمند



همراهی کارمندان و کارکنان دولت تلاش کنند تا با اجرای طرح‌هایی همچون سه‌شنبه‌های بدون خودرو و استفاده کمتر از خودروهای شخصی، افزایش بهره‌وری در کارها و همچنین استفاده از ظرفیت دورکاری، مصرف بی‌رویه انرژی و سوخت کنترل و مدیریت شود. وی بیان کرد: برای افزایش هم‌صدایی در جامعه و تاب‌آوری مردم در مقابل سختی‌ها، فشار و تهدید دشمنان همه باید دست به دست هم دهیم و رسانه‌ها و روابط عمومی هانیز باید با همه ظرفیت و توان در این راه همراهی کنند.

در عرصه‌های تخصصی و مدیریتی باید بر مبنای شایستگی و تخصص آنان تقویت شود تا بتوان از ظرفیت این بخش از سرمایه انسانی کشور به درستی بهره گرفت. خزایی افزود: زنان صنعت نفت در عرصه‌های علمی، اجتماعی و مدیریتی توانمندی‌های قابل توجهی دارند و می‌توانند در انتقال پیام‌های مرتبط با مصرف بهینه انرژی نیز نقش آفرین باشند. کارکنان این صنعت به دلیل آشنایی نزدیک با دشواری‌های تولید و تلاش شبانه‌روزی همکاران در مناطق عملیاتی و بخش‌های پشتیبانی، ظرفیت مناسبی برای تبیین اهمیت صیانت از منابع انرژی و انتقال واقعیت‌های این حوزه به جامعه دارند.

امضای تعهدنامه پویش «مهربانو، سفیران انرژی»

در پایان این مراسم، تعهدنامه پویش «مهربانو، سفیران انرژی» با هدف ترویج فرهنگ مصرف بهینه گاز طبیعی و صیانت از منابع ملی، با امضای سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، سارا فلاحی و زینب قیصری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، صدیقه خزایی، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیرنفت، غلامرضا شاه‌کرمی، مدیرکل امور مجلس وزارت نفت، زهره یوسفیان ملا، مشاور وزیرنفت در امور بانوان و زهرا حسین‌زاده، مشاور مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در امور بانوان ثبت شد. این تعهدنامه بر نقش راهبردی انرژی در توسعه پایدار کشور، ضرورت صیانت از منابع ملی و تضمین پایداری تأمین انرژی برای نسل‌های امروز و آینده و فرهنگ‌سازی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی در سطح ملی تأکید دارد.

پیام تبریک سرپرست وزارت نفت به وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح



سرپرست وزارت نفت، انتصاب مهرداد اخلاقی را به سمت وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تبریک گفت.

در متن پیام حمید بورد آمده است: برادر ارجمند؛ جناب آقای مهندس مهرداد اخلاقی، انتصاب شایسته جنابعالی به سمت وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کسب ۲۳۷ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی را صمیمانه تبریک عرض می‌نمایم. این رأی قاطع نمایندگان ملت، نشان دهنده اعتماد عمیق نظام مقدس جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی به توانمندی‌ها، تجربیات ارزشمند و تعهد راسخ جنابعالی در خدمت به میهن اسلامی است. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نقشی حیاتی و بنیادین در تأمین امنیت پایدار کشور و پشتیبانی همه‌جانبه از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. این وزارتخانه با مسئولیت خطیر خود در تقویت بنیه دفاعی، پشتیبانی لجستیکی و تضمین آمادگی نیروهای مسلح، ستون استواری برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور به شمار می‌رود. در شرایط حساس کنونی، ایفای این مسئولیت خطیر، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تدبیر، هماهنگی و تلاش مستمر است. وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، با درک عمیق از اهمیت امنیت ملی و نیازهای اساسی کشور، آمادگی کامل خود را برای گسترش همکاری‌های متقابل و سازنده با وزارت دفاع اعلام می‌دارد. این همکاری‌ها می‌تواند در راستای خدمت صادقانه به میهن اسلامی و تأمین نیازهای حیاتی کشور، ازجمله در حوزه‌های انرژی، پشتیبانی صنعتی و پروژه‌های مشترک ملی، نقش مؤثری ایفا نماید. امید است با همگرایی و تعامل سازنده دستگاه‌های اجرایی، بتوانیم گام‌های بلندی در مسیر پیشرفت، اقتدار و سربلندی ایران اسلامی برداریم.

بخشی از مطالبات پیمانکاران اجرای طرح‌های صنعت نفت پرداخت می‌شود

سخنگوی وزارت نفت اعلام کرد که مقرر شده است بخشی از مطالبات پیمانکاران طرح‌های صنعت نفت به‌ویژه تأمین مالی پروژه‌های بازسازی در پارس جنوبی از چهارشنبه، ۲۲ مهر از سوی بانک‌های عامل پرداخت شود. سامان قدوسی در حساب‌کاربری خود در شبکه اجتماعی «اکس» نوشت: در سفر سرپرست وزارت نفت به عسلویه ضمن بازدید میدانی از روند بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده، در نشست با کارفرمایان، پیمانکاران و سرمایه‌گذاران مشکلات مختلف طرح‌ها به‌ویژه تأمین مالی بازسازی‌ها، بررسی و مقرر شد بخشی از مطالبات پیمانکاران بلافاصله امروز از سوی بانک‌های عامل پرداخت شود.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران:

برون سپاری مراکز سوخت‌گیری هواپیمایی تصویب شد



مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران از تصویب برون سپاری مراکز سوخت‌گیری هواپیمایی در قالب سه خوشه خبر داد و با اشاره به اجرای ماده ۱۰۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت گفت: برون سپاری مراکز سوخت‌گیری هواپیمایی پس از انجام مطالعات مربوط، در قالب سه خوشه با هدف کاهش

تصدی‌گری شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری تصویب شده است. محمدصادق عظیمی افزود: این تصمیم با هدف کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری اتخاذ شده است و واگذاری مراکز یادشده به شرکت‌های صاحب صلاحیت، پس از تهیه پیوست‌های فنی و مالی و طی تشریفات قانونی انجام خواهد شد. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران همچنین از بررسی و جمع‌بندی برنامه برون سپاری دیگر فعالیت‌های باقی‌مانده شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران و بخش‌هایی از زنجیره تأمین سوخت، ازجمله انبارهای نفت، خبر داد. وی تأکید کرد: این اقدام‌ها با هدف تفکیک وظایف تصدی‌گری از وظایف حاکمیتی در حال بررسی و پیگیری است.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران خبر داد:

۲۲ میلیارد دلار ارزش محصولات تولیدی صنعت پتروشیمی در سال ۱۴۰۴



امید شاکری، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در نشست هم‌اندیشی سرپرست وزارت نفت با مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در محل این شرکت با تأکید بر اینکه اهداف برنامه هفتم پیشرفت بر توسعه زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی متمرکز شده است، بیان کرد: صنعت پتروشیمی در

سال ۱۴۰۴ با ظرفیت نصب شده سالانه بیش از ۱۰۱ میلیون تن، بیش از ۷۵ میلیون تن محصول تولید کرده است.

وی ارزش محصولات تولیدشده در صنعت پتروشیمی در سال ۱۴۰۴ را بیش از ۲۲ میلیارد دلار دانست و افزود: از این مقدار، ۱۲ میلیارد دلار صادر و بیش از ۱۰ میلیارد دلار در داخل فروخته شده است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران با اشاره به سهم قابل توجه صنعت پتروشیمی در جذب سرمایه گفت: ۹۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار تا پایان ۱۴۰۴ در این صنعت سرمایه‌گذاری شده است که نقش بسزایی در جلوگیری از خام‌فروشی و ارزآوری دارد. شاکری تصریح کرد: سهم صنعت پتروشیمی از مصرف گاز در کشور به ۱۰ درصد هم در سال ۱۴۰۴ نرسیده است، اما ۲۲ میلیارد دلار ارزش افزوده ایجاد کرده است. وی با اشاره به محدودیت‌های تأمین خوراک صنایع پتروشیمی در زمستان یادآور شد: صنعت پتروشیمی باید برای بقا و تأمین خوراک پایدار به توسعه بالادست ورود کند؛ همان‌طور که اکنون طرح‌های بسیاری برای جمع‌آوری گازهای همراه رادر دستور کار دارد.



حمید بورداز بدنه عملیات تا سکانداری وزارتخانه

مدیریت از جنس نفت در روزهای دشوار

چشم انداز، سیاست های کلی مصوب مقام معظم رهبری و برنامه هفتم پیشرفت، با رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت وفاق ملی و تعامل با هیئت محترم وزیران، در تحقق اهداف دولت و حل مشکلات کشور مجدانه بکوشید. توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند متعال خواستارم.

برنامه های تولید و توسعه در صنعت نفت با قوت ادامه می یابد

بوردا پس از انتصاب در سمت سرپرست وزارت نفت، ۱۳ مهرماه در نشست شورای معاونان وزیرنفت حضور یافت و با قدردانی از زحمات و تلاش های ارزشمند محسن پاک نژاد، وزیر پیشین نفت تأکید کرد: برنامه های اجرایی صنعت نفت در بخش تولید

صنعت نفت انجام شده است. اگر امروز در شرایطی هستیم که می توانیم بگوییم گروه کنونی برنده بوده، بخش مهمی از آن به عملکرد وزیرنفت پیشین بازمی گردد و مانیز همان مسیر را با شدت و جدیت دنبال می کنیم. وی با بیان اینکه ممکن است در شیوه اجرا یا نگاه مدیریتی اختلاف سلیقه یا روش وجود داشته باشد، تصریح کرد: اما این موضوع به ذات کار لطمه نمی زند و مسیر اصلی باید ادامه یابد.

تأمین پایدار سوخت زمستانی به طور ویژه دنبال شود

سرپرست وزارت نفت با اشاره به موضوع مهم تأمین سوخت زمستانی امسال با توجه به آسیب هایی که دشمن به زیرساخت های صنعت گاز وارد کرده است، گفت: موضوع پایداری تولید و تأمین سوخت زمستانی باید با هم فکری و همکاری همه ارکان صنعت نفت به صورت ویژه دنبال شود. بوردا با اشاره به اینکه بر اساس گزارش های شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران، وضع ذخیره سازی سوخت مایع مناسب است، تصریح کرد: باید تلاش کنیم مدیریت سوخت رسانی نیز به شکل مناسبی انجام شود. وی با تأکید بر اینکه شرکت ملی گاز ایران برای جلوگیری از مصرف گرایی و ترویج فرهنگ درست مصرف گاز باید اقدام های مناسب را اجرا کند، گفت: اگر بتوانیم کاهش ۱۰ درصدی مصرف را محقق کنیم، اتفاق بسیار مهمی خواهد بود.

سرپرست وزارت نفت نقش مردم را در زمینه تأمین پایدار سوخت زمستان مهم دانست و از مردم عزیزمان تقاضا کرد در استفاده از حامل های انرژی به ویژه گاز، همکاری لازم را با دولت داشته باشند. بوردا با اشاره به نقش صنعت پتروشیمی در تأمین ارز مورد نیاز کشور تصریح کرد: تداوم تولید و صادرات محصولات پتروشیمی نقش مؤثری در تقویت درآمدهای ارزی و پشتیبانی از اقتصاد کشور دارد. بر همین اساس، حمایت از تداوم تولید، رفع موانع پیش روی صادرات و استفاده حداکثری از ظرفیت های این صنعت، به طور جدی پیگیری می شود. وی بر ضرورت شناسایی مسائل و اولویت های اصلی صنعت نفت تأکید کرد و گفت: خواهشمندم مانند گذشته همه با هم فکری هم برای صنعت نفت و کشور تلاش کنیم؛ آنچه اهمیت دارد این است که کار متوقف نشود.

ایران باید به کارگاه بزرگ سازندگی تبدیل شود

سرپرست وزارت نفت همچنین در روز دوشنبه (۱۳ مهرماه)، در نشست هم اندیشی و هم افزایی با اعضای هیئت مدیره و

مدیران شرکت ملی نفت ایران بیان کرد: همه ما در برابر ایران و وطنمان مسئولیم و باید با همدلی، همکاری و کار مضاعف، از گردنه های سخت پیش رو عبور کنیم. وی افزود: صنعت نفت همواره در شرایط دشوار با اقتدار عمل کرده است و امیدواریم با تکیه بر همدلی و تلاش جمعی، این مرحله را نیز با موفقیت پشت سر بگذاریم.

قدردانی از همراهی کارکنان

بوردا همچنین در پیامی از پیام های تبریک و ابراز لطف همکاران، پیشکسوتان و فعالان صنعت نفت در پی انتصاب وی به عنوان سرپرست وزارت نفت قدردانی کرد. وی در این پیام با قدردانی از حسن اعتماد، پیام های محبت آمیز و ابراز لطف همکاران، پیشکسوتان و فعالان صنعت نفت، همراهی، همدلی و دعای خیر آنان را در شرایط خطیر کنونی و مسیر پیشبرنده اهداف راهبردی کشور، بزرگ ترین سرمایه و پشتوانه معنوی خادمان این حوزه دانست. بوردا ضمن تجدید احترام، با توجه به ضرورت پرهیز از هزینه های غیر ضروری و تشریفات مرسوم اداری، از همکاران و همراهان صنعت نفت خواست از ارسال هرگونه تاج گل، پیام تبریک چاپی و اقدام های مشابه خودداری کنند.

سرپرست وزارت نفت تصریح کرد: تعهد مشترک کارکنان و فعالان صنعت نفت به اعتلای این صنعت، ارزنده ترین تحفه و نشانه همگامی آنان است.

مدیریت از خاستگاه نفت

حمید بوردا متولد هفتم فروردین ۱۳۴۳ در شوشتر خوزستان و دانش آموخته کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشکده مهندسی نفت اهواز، کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی MBA از دانشگاه صنعتی شریف و دکترای مدیریت از دانشگاه شهید چمران اهواز است که پس از استعفای محسن پاک نژاد از سمت وزیری نفت و به استناد اصل ۱۳۵ قانون اساسی از سوی رئیس جمهوری، پذیرا شده تا در دهه ششم زندگی خود به عنوان ششمین سرپرست وزارت نفت، کشتی این وزارتخانه را در دریای پرتلاطم و حساس کنونی، سکانداری کند.

وی سال هادر حوزه های مختلف اکتشاف، استخراج، بهره برداری و مدیریت کلان شرکت های تابعه وزارت نفت از جمله شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و فلات قاره سابقه خدمت و مدیریت اثربخش داشته است. شناخت عمیق وی از چالش های فنی، عملیاتی و ساختاری صنعت نفت، امیدواری های زیادی را در میان کارشناسان، مدیران و کارکنان این صنعت ایجاد کرده است.

روایت بیش از ۳۵ سال فعالیت «حمید بوردا» در صنعت نفت

حمید بوردا روز یکشنبه، ۱۲ مهر ۱۴۰۵، پس از پذیرش استعفای محسن پاک نژاد با حکم مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری به عنوان سرپرست وزارت نفت منصوب شد. حمید بوردا از مدیران با سابقه صنعت نفت ایران، بیش از ۳۵ سال سابقه فعالیت عملیاتی و مدیریتی در صنعت نفت را در کارنامه خود دارد و بیش از ۲۰ سال از این مسیر را در سمت های مدیریت ارشد، در مجموعه های داخل و خارج از وزارت نفت سپری کرده است. بخش عمده مسیر حرفه ای او در مجموعه های عملیاتی و مدیریتی زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران از شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون تا شرکت نفت فلات قاره ایران و شرکت ملی نفت ایران سپری شده است.

سرپرست وزارت نفت کیست؟

بوردا متولد هفتم فروردین ۱۳۴۳ در شوشتر خوزستان است و تحصیلات خود را در حوزه های فنی و مدیریتی دنبال کرده است. وی دانش آموخته کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشکده مهندسی نفت اهواز، کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی MBA از دانشگاه صنعتی شریف و دکترای مدیریت از دانشگاه شهید چمران اهواز است.

سوابق عملیاتی و مدیریتی

فعالیت مدیریتی و عملیاتی او از سال ۱۳۷۷ و با مسئولیت مجری طرح توسعه پروژه های مهندسی و ساختمان آغاز شد که تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشت. در فاصله سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴، مدیر پروژه های ویژه حفاری بود و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ نیز ریاست اداره کل حفاری شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب را به عهده داشت. بوردا از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ مدیرعامل شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون بود و پس از آن، در سال ۱۳۹۰، به عنوان مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، بزرگ ترین شرکت تولیدکننده نفت ایران، منصوب شد. او سه سال در این سمت فعالیت کرد و پس از آن، از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ مدیرعامل شرکت عملیات اکتشاف، وابسته به صندوق بازنشتی صنعت نفت، بود.

در سال ۱۳۹۵، مسئولیت مدیرعاملی شرکت نفت فلات قاره ایران را به عهده گرفت و تا سال ۱۳۹۸ در این مجموعه فعالیت کرد. فعالیت های او در ادامه، با شرکت ملی نفت ایران نیز پیوند خورد.

مدیرعاملی شرکت ملی نفت ایران

بوردا در سال های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ مشاور مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بود و از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳، مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه آرمان، از مجموعه های ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و زیرمجموعه هلدینگ تدبیر، شد. هشتم شهریور ۱۴۰۳، با حکم محسن پاک نژاد، دوره دیگری از فعالیت حرفه ای بوردا در شرکت ملی نفت ایران به عنوان معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران آغاز شد. کارنامه بیش از سه دهه فعالیت حمید بوردا، از حفاری و پروژه های توسعه ای تا مدیریت تولید نفت در خشکی و فراساحل و مدیریت شرکت ملی نفت ایران را شامل می شود.

بوردا اکنون پس از بیش از ۳۵ سال فعالیت در بخش های مختلف صنعت نفت، در جایگاه سرپرست وزارت نفت، مسئولیت هدایت این وزارتخانه را بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی ایران عهده دار شده است.

محورهای کاری سرپرست وزارت نفت در بازدیدهای

میدانی و نشست با مدیران اعلام شد

همدلی

برای عبور از روزهای سخت



مشعل | حمید پورد، سرپرست وزارت نفت با تأکید بر اینکه مهم‌ترین اولویت این وزارتخانه، تأمین پایدار گاز برای مردم در زمستان است، افزود: اجرای عملیات بازسازی تأسیسات با سرعت بالا دشوار است، اما باید همه تلاش خود را با وفاق و همدلی برای کشور به کارگیریم.



توصیه‌های کلیدی

سرپرست وزارت نفت از صبح فردای انتصاب یعنی ۱۳ مهرماه، بااین شعار که برنامه‌های تولید و توسعه در صنعت نفت با همدلی، وفاق و قوت ادامه می‌یابد و این ایده که در حوزه بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی سوم و در حوزه فروش، برنامه‌های مفصلی دنبال می‌شود تا از گرده‌های سخت پیش‌رو با موفقیت عبور کنیم، در نشست شورای معاونان و وزیر نفت حضور یافت و عصر همان روز، در نشست هم‌اندیشی و هم‌افزایی با اعضای هیئت‌مدیره و مدیران شرکت ملی نفت ایران تأکید کرد: صنعت نفت همواره در شرایط دشوار با اقتدار عمل کرده است و امیدواریم با تکیه بر همدلی و تلاش جمعی، این مرحله را نیز با موفقیت پشت سر بگذاریم؛ همه ما در برابر ایران و هم‌وطنانمان مسئولیم. وی در آیین معارفه خود به‌عنوان سرپرست وزارت نفت که روز سه شنبه (۱۴ مهرماه)، با حضور محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهوری برگزار شد، با بیان اینکه صنعت نفت لوکوموتیو اقتصاد کشور است، افزود: حرکت در صنعت نفت سبب توسعه و حرکت در دیگر بخش‌های کشور می‌شود؛ از این‌رو امیدوارم با هم‌افزایی دولت با صنعت نفت و رفع تنگناها، این صنعت در این شرایط سخت نیز همچون گذشته بدرخشد.

تدبیر برای زمستان

حمید پورد پس از معارفه و بیان توصیه‌های لازم از همان عصر روز ۱۴ مهرماه، راهی بازدید از بخش‌های مختلف وزارت نفت در کسوت سرپرستی شد و از آنجا که زمستان در راه است، بازدید از دیسپچینگ گاز به عنوان نخستین مقصد تعیین شد. پورد در بازدید از

مرکز دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران با تأکید بر اهمیت نقش این مرکز در مدیریت شبکه گاز کشور گفت: پایداری تأمین انرژی، به‌ویژه در ماه‌های سرد سال نیازمند هماهنگی کامل میان بخش‌های تولید، انتقال و توزیع گاز است و دیسپچینگ در این زمینه نقشی کلیدی دارد. وی در این بازدید ضمن شنیدن مسائل و دغدغه‌های مدیران شرکت ملی گاز ایران، بر ضرورت پیگیری و رفع چالش‌های موجود و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های صنعت گاز برای حفظ پایداری شبکه تأکید کرد. سرپرست وزارت نفت با قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی کارکنان صنعت گاز تصریح کرد: بهره‌گیری از فناوری‌های روز، ارتقای سامانه‌های پایش و افزایش آمادگی عملیاتی برای مواجهه با شرایط مختلف ضرورت دارد. مدیران و مسئولان مرکز دیسپچینگ گاز هم در این بازدید گزارشی از روند تأمین، انتقال و توزیع گاز، آمادگی شبکه برای مدیریت مصرف و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای حفظ پایداری جریان گاز ارائه کردند. همچنین مهم‌ترین مسائل و چالش‌های حوزه‌های مختلف و پیشنهادهای خود را با سرپرست وزارت نفت در میان گذاشتند.

تدابیر سوختی

بازدید شبانه سرپرست وزارت نفت از شرکت ملی پالایش و

پخش فراورده‌های نفتی ایران و نشست با مدیران این شرکت، از دیگر برنامه‌های سرپرست وزارت نفت بود که در ۱۴ مهرماه صورت گرفت. پورد در نشست با مدیران شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران در محل ساختمان مرکزی این شرکت، افزون بر قدردانی از تلاش‌های کارکنان و مدیران این مجموعه، بر ضرورت بهره‌گیری از نگاه راهبردی، علمی و جامع در مدیریت مسائل صنعت نفت و به‌ویژه صنعت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی تأکید کرد.

وی با تأکید بر موضوع‌های مرتبط با حوزه‌های گاز و فراورده‌های نفتی، بر ضرورت تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی کشور تأکید کرد و گفت: با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از منابع مورد نیاز کشور در داخل تأمین می‌شود، باید به‌جای آنکه دیگران برای ما تصمیم‌سازی کنند، با شناخت دقیق اوضاع، طرح و برنامه داشته باشیم. سرپرست وزارت نفت موضوع مدیریت مصرف سوخت، به‌ویژه بنزین و گازوئیل را از مسائل مهم کشور بیان و تأکید کرد: اقدام‌ها در زمینه کارت هوشمند سوخت مهم است، اما باید به تهدیدها و حمله‌های سایبری توجه ویژه داشت و امنیت و پایداری سامانه‌های مرتبط با سوخت را تضمین کرد. سرپرست وزارت نفت یادآور شد: مدیریت مصرف و اجرای طرح‌های کارشناسی

در حوزه سوخت می‌تواند به بهبود تدریجی اوضاع کشور کمک کند؛ با این حال، هدف اصلی نباید تنها مدیریت امور جاری باشد، بلکه باید به سمت اصلاح الگوی حکمرانی و ارتقای شیوه اداره مجموعه‌ها حرکت کنیم. وی در ادامه با اشاره به اهمیت کپدورهای اصلی انتقال، جابه‌جایی نفت و فراورده‌های نفتی، بر ضرورت هدایت بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمانی در این مسیرها تأکید و تصریح کرد: توجه به این ظرفیت‌ها می‌تواند در تقویت زیرساخت‌های صنعت نفت مؤثر باشد. سرپرست وزارت نفت همچنین با اشاره به اوضاع کشور و ضرورت ایجاد امید در جامعه گفت: در شرایط کنونی و وضع موجود، باید با اقدام‌های مؤثر و ملموس، زمینه افزایش امید برای مردم فراهم شود؛ مدیریت صحیح مصرف و استفاده بهینه از منابع از این اقدام‌ها به شمار می‌آیند. پورد با تشبیه این وضع به «ماهی در آب» بیان کرد: گاهی افراد در داخل یک مجموعه بزرگ، به دلیل حضور مستمر در آن، اهمیت و ابعاد واقعی فعالیت‌های انجام‌شده را کمتر درک می‌کنند. در مقاطع دشوار، اگر گروه‌های اجرایی و متخصص صنعت نفت پای کار نبودند، مشکلات کشور می‌توانست بسیار گسترده‌تر شود. وی با قدردانی از عملکرد نیروهای متخصص و مجموعه مدیریتی، وجود تخصص، همدلی و انسجام میان مدیران را از نقاط قوت مجموعه برشمرد و ابراز امیدواری کرد با تقویت نگاه علمی، راهبردی و منسجم، این ظرفیت در شرکت‌های مختلف صنعت نفت توسعه یابد.

مدیریت محصولات پتروشیمی زیر ذره‌بین

سرپرست وزارت نفت در ادامه بازدید از بخش‌های مختلف وزارت نفت، شنبه ۱۸ مهرماه را با حضور در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران آغاز کرد و در نشست با مدیرعامل و مدیران ارشد این شرکت با تأکید بر اهمیت و جایگاه قابل توجه صنعت پتروشیمی در اقتصاد کشور بیان کرد: این صنعت از ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد ارزش افزوده و درآمدزایی برخوردار است. وی با اشاره به ضرورت تقویت نقش تنظیم‌گری و حاکمیتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در صنعت پتروشیمی تصریح کرد: این موضوع باید در ابعاد مختلف با جدیت دنبال و مشخص شود و در این مسیر از هر لحاظ از شما حمایت می‌کنم. سرپرست وزارت نفت با بیان اینکه باید با همکاری با بخش‌های مختلف، وضع بازار، قیمت محصولات و سازوکار عرضه به‌دقت بررسی و مدیریت شود، تأکید کرد: این رویکرد زمینه بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های صنعت را فراهم می‌کند. پورد با یادآوری اینکه محصولات صنعت پتروشیمی در تولید کالاهای مختلف برای زندگی مردم نقش دارند، گفت: فعالیت صنعت پتروشیمی تنها به تولید و صادرات محصولات پایه محدود نمی‌شود، بلکه بخش مهمی از نیاز صنایع پایین دستی کشور را نیز تأمین می‌کند. وی با تأکید بر ضرورت توجه بیشتر به ظرفیت‌های صنعت پتروشیمی افزود: باید از ظرفیت‌های موجود برای ایجاد اشتغال، افزایش تولید، درآمدزایی و تقویت اقتصاد کشور استفاده کرد. توسعه صنعت پتروشیمی می‌تواند آثار اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی به همراه داشته باشد و از این منظر، توجه به توسعه آن اهمیت فراوان دارد.

سرپرست وزارت نفت با اشاره به راهکارهای تأمین خوراک پایدار صنایع پتروشیمی تصریح کرد: ورود صنعت پتروشیمی به توسعه میدان‌های نفتی و گازی کشور با

هدف تأمین خوراک پایدار باید در دستور کار باشد و با جدیت دنبال شود. پورد با تأکید بر انجام اقدام‌های اساسی برای حفظ تداوم صادرات محصولات پتروشیمی و ارزآوری برای کشور گفت: باید تلاش شود با تقویت صادرات، ارز حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی به چرخه اقتصادی کشور بازگردد. وی بر اهمیت پیگیری برنامه‌های بازسازی واحدهای آسیب‌دیده صنعت پتروشیمی در جنگ تحمیلی سوم تأکید کرد و افزود: موضوع بازسازی‌ها باید با جدیت پیگیری و همه ظرفیت‌های موجود برای تسریع در این زمینه به کار گرفته شود. سرپرست وزارت نفت با قدردانی از زحمات مدیران و همکاران صنعت پتروشیمی بیان کرد: در این صنعت، مجموعه‌ای از تجربه‌ها و تخصص‌ها گرد هم آمده‌اند و انتظار می‌رود همه فعالان با انگیزه مضاعف برای پیشبرد اهداف کشور تلاش کنند. پورد با اشاره به عملکرد مطلوب صنعت نفت در نیمه نخست امسال و جنگ تحمیلی سوم با وجود شرایط و محدودیت‌های موجود یادآور شد: لازم است این روند با قدرت ادامه یابد و همه باید با خودباوری و انگیزه مضاعف برای پیشبرد امور کشور تلاش و با افزایش سرعت کار، زمینه تحقق اهداف را فراهم کنیم. وی با اعلام آمادگی برای کمک به پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای صنعت پتروشیمی گفت: در جایگاهی که قرار دارم، هر کمک و حمایتی از دستم برآید، در حد توان و بضاعت خود برای حل مسائل و پیشبرد امور انجام می‌دهم.

سفر به عسلویه

سرپرست وزارت نفت سه شنبه (۲۱ مهرماه) هم در نخستین سفر عملیاتی خود راهی عسلویه و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس شد تا به ارزیابی میدانی پیشرفت عملیات بازسازی، بررسی موانع و چالش‌های پیش‌رو و پیگیری اقدام‌های لازم برای تسریع در تکمیل تعمیرات و بازگرداندن ظرفیت‌های از دست‌رفته به چرخه تولید بپردازد؛ موضوعی که با نزدیک شدن به روزهای سرد سال و افزایش اهمیت آمادگی تأسیسات گازی برای تأمین نیاز بخش‌های مختلف کشور، اهمیتی دوچندان دارد. بازدید از پالایشگاه‌های گازی پارس جنوبی و مجتمع‌های پتروشیمی منطقه ویژه پارس، ارزیابی و جمع‌بندی روند بازسازی پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های آسیب‌دیده ناشی از جنگ تحمیلی اخیر از برنامه‌های سفر سرپرست وزارت نفت به استان بوشهر بود. پورد در این سفر، با اشاره به وضع تعمیرات اساسی و بازسازی پالایشگاه‌های پارس جنوبی بیان کرد: با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، تعمیرات اساسی در ماه‌های شهریور و مهر به‌موقع پیگیری شد و هم‌اکنون بخش اصلی



این عملیات تکمیل شده است و آمادگی کامل برای ورود به فصل سرد سال وجود دارد. وی با اشاره به روند بازسازی واحدهای آسیب‌دیده پارس جنوبی تصریح کرد: تعمیرات اساسی پالایشگاه‌های پارس جنوبی بر اساس برنامه انجام شده است و پروژه‌های بازسازی و توسعه‌ای نیز با شتاب مطلوبی دنبال می‌شوند تا بتوانیم در زمستان پیش‌رو، خدمات شایسته و پایداری به ملت شریف ایران ارائه دهیم.

سرپرست وزارت نفت همچنین با اشاره به شرایط ناشی از جنایات جنگی دشمن آمریکایی-صهیونیستی و ضرورت مدیریت مصرف حامل‌های انرژی تأکید کرد: از مردم شریف کشور تقاضا داریم صرفه‌جویی لازم را سرلوحه قرار دهند و مصرف غیرمنصفانه را کنار بگذارند تا بتوانیم از این نعمت خدادادی به‌شکل درست استفاده کنیم و با همبستگی و همدلی از این گرده‌های سخت تاریخی نیز عبور کنیم. پورد گفت: مردم شریف خطه جنوب و به‌ویژه استان بوشهر همواره میزبانان شایسته‌ای برای صنعت نفت بوده‌اند و پیوندی نزدیک و تنگاتنگ با این صنعت دارند؛ هدف از این سفر افزون بر خداحوت و ابلاغ پیام رئیس‌جمهوری، بررسی میدانی است تا سرعت بیشتری به فرایند بازسازی‌ها بخشیده شود. تأکید بر تأمین مالی بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده صنعت نفت از جنگ تحمیلی سوم با همکاری بانک‌ها هم از جمله مطالبی بود که سرپرست وزارت نفت در نشست ارزیابی روند پروژه‌های بازسازی پالایشگاه‌های آسیب‌دیده پارس جنوبی و شرکت‌های پتروشیمی جم، دماوند انرژی عسلویه و مبین انرژی خلیج فارس در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به آن اشاره کرد و خواستار تعامل با بانک‌ها و استفاده از راهکارهای مالی و قراردادی متنوع برای تسریع در اجرای این پروژه‌ها شد.

پورد با بیان اینکه نباید زمان را برای بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده صنعت نفت از دست بدهیم، تصریح کرد: راهکارها باید به نفع همه عناصر دخیل در پروژه باشد و منابع مالی مختلفی برای اجرای پروژه‌ها در نظر گرفته شده است. برای تأمین مالی پروژه‌ها باید به زبان مشترکی با بانک‌ها برسیم. از پیشنهاد‌های پیمانکاران برای اجرای پروژه‌های بازسازی و نوسازی تأسیسات هم استقبال می‌کنیم و این پیشنهادها از سوی کارشناسان وزارت نفت بررسی فنی و در صورت تأیید، اجرا می‌شوند. سرپرست وزارت با تأکید بر اینکه مهم‌ترین اولویت وزارت نفت، تأمین پایدار گاز برای مردم عزیز کشور در زمستان است، افزود: می‌دانم اجرای عملیات بازسازی تأسیسات با سرعت بالا دشوار است، اما باید همه تلاش خود را برای کشور به کار بگیریم.

مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره ایران در گفت و گو با مشعل از روزهای پر خطر جنگ ۴۰ روزه در مناطق عملیاتی می‌گوید

فداکاری کارکنان سپر آهنین در قلب خلیج فارس



مشعل | در ۴۰ روزی که آتش جنگ زیانه می‌کشید و رویارویی با حمله نظامی دشمن آمریکایی-صهیونیستی، امنیت و آرامش کشور را در معرض آزمونی دشوار قرار داده بود، در پهنه نیلگون خلیج فارس، جایی میان دریا و تأسیسات نفتی، جبهه‌ای دیگر از ایستادگی شکل گرفت؛ جبهه‌ای که سنگرهایش سکوهای دریایی، میدان‌ش تأسیسات نفتی و سلاحش دانش، تجربه و تعهد مردانی بود که می‌دانستند توقف تولید، تنها خاموشی چند دستگاه و تأسیسات نیست، بلکه می‌تواند بر امنیت انرژی و زندگی مردم اثر بگذارد. کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در روزهایی که تهدید از آسمان و دریا بر آنها سایه انداخته بود، با تکیه بر سال‌ها تجربه و روحیه‌ای ریشه‌دار در فرهنگ ایثار، پای کار ماندند تا رشته خدمت‌رسانی و تولید از هم نگسلد. آنان فرزندان نسلی‌اند که هشت سال در برابر دشمنی ایستاد که از پشتیبانی قدرت‌های بزرگ برخوردار بود؛ نسلی که میراث مقاومت را نه در خاطره‌ها، بلکه در لحظه‌های دشوار مسئولیت معنا کرد. گویی تاریخ، این بار در جغرافیای آب‌های خلیج همیشگی فارس روایتی تازه از همان ایستادگی را رقم می‌زد؛ با مردانی که در لباس جهادگران صنعت نفت، پاسداران پایداری کشوری بودند که حتی در میانه جنگ نیز نمی‌توانست از حرکت بازمانند. احمدرضا راستی، مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل»، از روزهای جنگ رمضان، کارکنان مناطق عملیاتی و جلوه‌های کمتر روایت‌شده ایثار و مسئولیت‌پذیری کارکنان این شرکت می‌گوید؛ روایتی از روزهایی که حفظ تولید، صیانت از تأسیسات و ایستادن در کنار همکاران، معنایی فراتر از انجام وظیفه روزمره پیدا کرد.



جنگ رمضان بر شما چگونه گذشت؟

پیش از هر چیز، شهادت رهبر آزادگان جهان، امام شهید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، شهادی مدرسه طيبة شجره میناب، سرداران دلیرکشور و همه شهدایی را که در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه اخیر جان خود را فدای میهن کردند، تسلیت می‌گویم. همان طور که می‌دانید، حوزه‌های عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران در خلیج همیشه فارس قرار دارد و در طول حدود یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر، از شمالی‌ترین نقطه خلیج فارس، یعنی منطقه بهرگان با محوریت بندر امام حسن (ع)، تا مناطق عملیاتی خارگ، لاوان، سیری، قشم و کیش گسترده شده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی این مناطق، فعالیت‌های شرکت به نوعی در خط مقدم جبهه جنگ رمضان قرار داشت و حضور همکاران ما روی سکوهای نفتی و در مناطق عملیاتی خلیج فارس، شرایط ویژه‌ای را برای کارکنان شرکت رقم زد. شرکت نفت فلات قاره ایران شامل شش منطقه عملیاتی با مجموع حدود ۹ هزار نفر نیروی انسانی است. از این تعداد، نزدیک به ۸ هزار نفر از نیروهای رسمی، قراردادی، ارکان ثالث و پیمانکاران در مناطق عملیاتی مشغول فعالیت هستند که در خط مقدم جنگ رمضان در خلیج فارس قرار داشتند. حدود یک هزار نفر نیز در محل ساختمان ستادی شرکت در تهران حضور دارند.

پیش از آغاز جنگ رمضان، با توجه به اخبار دریافتی و احتمال وقوع درگیری، تمهیدات لازم را در نظر گرفته بودیم و به طور مستمر جلسات کمیته بحران را برگزار می‌کردیم. همچنین آمادگی همکاران را برای مواجهه با شرایط احتمالی اعلام کرده بودیم؛ به ویژه همکارانی که در مناطق عملیاتی خلیج فارس حضور داشتند. در طول جنگ نیز به صورت مداوم و روزانه، جلسات کمیته بحران را تشکیل می‌دادیم. جلسات هیئت‌مدیره نیز با حضور وزیر نفت و مدیران ارشد برگزار می‌شد. به این ترتیب، مدیریت شرایط و پیگیری امور را از طریق کمیته بحران دنبال می‌کردیم و از ابتدای جنگ، همه همکاران ما نیروهای عملیاتی شبانه‌روز برای خدمت به کشور پای کار بودند.

در جریان جنگ تحمیلی رمضان، حوادث و حملاتی نیز به طور مستقیم برخی مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران را تحت تأثیر قرار داد. نخستین حادثه، حمله به یک شناور در منطقه سیری بود. این شناور برای انجام مأموریتی کاملاً صنعتی و عملیاتی، بین منطقه سیری و سکوی مبارک تردد کرده بود، اما هنگام بازگشت، در لنگرگاه سیری مورد اصابت قرار گرفت. پس از آن نیز دوشناور دیگر ماهدف حمله قرار گرفتند. در مجموع، سه شناور شرکت در منطقه سیری مورد اصابت قرار گرفتند و تعدادی از همکاران و نیروهای ما به شهادت رسیدند و تعدادی مفقودالثر شدند که برای ما حادثه‌ای بسیار تلخ و غم‌انگیز بود.

یکی دیگر از سخت‌ترین روزهای ما که در طول جنگ

تجربه کرده بودیم، ۱۹ فروردین بود؛ روزی که آتش بس حاصل شده بود و همه ما به نوعی خوشحال بودیم که شرایط به سمت آرامش پیش می‌رود. ساعت ۵ صبح از انجام توافق مطلع شده بودیم. من نیز حدود ساعت ۹ صبح برای شرکت در جلسه کمیسیون کالا از ساختمان شرکت به سمت محل جلسه حرکت کردم. ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه بود که مدیر منطقه عملیاتی لاوان با من تماس گرفت. او بسیار مضطرب بود و اطلاع داد که تأسیسات لاوان مورد حمله قرار گرفته است. در این حمله، علاوه بر پالایشگاه نفت لاوان، تأسیسات نفتی شرکت نفت فلات قاره ایران در لاوان نیز مورد اصابت قرار گرفته بودند. نخستین سؤالی که مطرح کردم، درباره تلفات جانی بود. خوشبختانه به ما اطلاع دادند که این حادثه تلفات جانی نداشته است.

اما ساعت ۱۰ و ۴۰ دقیقه، یعنی ۲۰ دقیقه پس از تماس مدیر منطقه عملیاتی لاوان، مدیر منطقه عملیاتی سیری نیز با من تماس گرفت و خبر داد که سیری هم مورد حمله قرار گرفته است. میزان خسارت وارد شده به تأسیسات شرکت نفت فلات قاره ایران در سیری، به مراتب شدیدتر از لاوان بود و تعدادی از مخازن ما دچار آتش سوزی شده بودند.

وقتی خبر اصابت به تأسیسات سیری و لاوان را شنیدید، نخستین نگرانی شما چه بود؟

در لحظه نخست، مهم‌ترین نگرانی من جان و امنیت همکاران بود. ما همواره در فعالیت‌های دریایی و کار روی سکوها با مخاطرات مختلفی مواجه بوده‌ایم، اما حمله به تأسیسات نفتی به این شکل، تجربه‌ای متفاوت بود. وقتی خبر اصابت را شنیدم، نخستین چیزی که به ذهنم رسید، احتمال تلفات جانی بود. خدا را شکر، در حملات به تأسیسات سیری و لاوان تلفات جانی نداشتیم. در کنار نگرانی برای جان همکاران، آسیب دیدن تأسیسات نیز برای ما بسیار سنگین بود. دیدن تأسیساتی که حاصل سال‌ها تلاش، سرمایه‌گذاری و زحمات همکاران است، در حالی که مورد اصابت قرار گرفته‌اند و آتش در آنها زبانه می‌کشد، بسیار ناراحت‌کننده است.

پس از حمله دشمن آمریکایی-صهیونی به تأسیسات نفتی برای مهار آتش سوزی و مدیریت شرایط چه اقدام‌هایی انجام دادید؟

با توجه به گستردگی حمله به تأسیسات سیری، علاوه بر مخازن نفتی، مخزن آب آتش‌نشانی منطقه نیز که

ظرفیتی حدود ۲۰۰ مترمکعب داشت، آسیب دید. از آنجا که سیری یکی از دورترین مناطق عملیاتی ماست، برای مقابله با آتش سوزی از امکانات موجود در منطقه، از جمله خودروهای آتش‌نشانی، استفاده کردیم. همچنین همکاران ما به سرعت یک خط اتصال آب آتش‌نشانی از مسیر فایرلوپ دیگری که در منطقه وجود داشت،

برقرار کردند تا بتوانند آب مورد نیاز برای مهار آتش را تأمین کنند. با تلاش همکاران مادر این مناطق حجم گسترده آتش سوزی در منطقه عملیاتی سیری کمتر از یک هفته مهار شد.

عملکرد نیروهای عملیاتی خود را در حمله دشمن به تأسیسات نفتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در جریان این آتش سوزی‌ها، شاهد جان‌فشانی‌های وصف‌ناپذیر همکارانم در بخش اچ‌اس‌ای، آتش‌نشانی و دیگر واحدهای عملیاتی بودم. آنها با شجاعت و از خودگذشتگی به دل آتش زدند و اجازه ندادند آتش سوزی به تأسیسات مجاور سرایت کند. اگر رشادت و فداکاری کم‌نظیر این همکاران نبود، ممکن بود تأسیساتی که با تأمین انرژی و رفاه مردم ارتباط مستقیم دارند، آسیب‌های بیشتری ببینند.

پس از حادثه، زمانی که فیلم صحنه‌های آتش سوزی را مشاهده می‌کردم، با صحنه‌های بسیار هولناکی مواجه شدم. تعدادی از همکاران در جریان عملیات مهار آتش دچار سوختگی و آسیب‌دیدگی شده بودند. این همکاران غیور حتی به بالای مخازن رفته و در دل آتش حضور پیدا کرده بودند تا از سرایت آتش به مخازن دیگر جلوگیری کنند. آنها با تمام توان برای مهار آتش و حفاظت از تأسیسات تلاش کردند و اجازه ندادند دامنه خسارت‌ها گسترده‌تر شود.

از سوی دیگر، در آن شرایط دشوار، رفت‌وآمد به مناطق عملیاتی نیز با مشکلات زیادی همراه بود. جابه‌جایی کارکنان از طریق شناورها انجام می‌شد، اما شناورها نیز به دلیل شرایط خاص آن دوران، امکان ارائه خدمات عادی را نداشتند.

پس از حمله به تأسیسات سیری و وقوع آتش سوزی گسترده، با توجه به موقعیت جغرافیایی جزیره و دشواری‌های رفت‌وآمد، هیچ‌یک از همکاران حاضر در منطقه تمایلی به ترک محل خدمت خود نداشتند. آنها تأکید می‌کردند که نیازی به اعزام نیروهای جایگزین نیست و همکاران شیفت بعدی نیز به منطقه نیایند، زیرا خودشان در محل حضور دارند و کار را ادامه می‌دهند.

این روحیه مسئولیت‌پذیری، شجاعت و از خودگذشتگی در جریان آن آتش سوزی گسترده، واقعا کم‌نظیر بود و نشان داد که همکاران ما تا چه



در کنار نگرانی برای جان همکاران، آسیب دیدن تأسیسات نیز برای ما بسیار سنگین بود. دیدن تأسیساتی که سال‌ها تلاش، سرمایه‌گذاری و زحمات همکاران است، در حالی که مورد اصابت قرار گرفته‌اند و آتش در آنها زبانه می‌کشد، بسیار ناراحت‌کننده است

اندازه به مسئولیت خود در قبال صنعت نفت و کشور ایران پایبند هستند.

این همدلی و همبستگی میان کارکنان صنعت نفت در شرایط جنگی چگونه شکل گرفت؟

این همدلی رامی توان در سراسر کشور مشاهده کرد. امروز نیز شاهد حضور شبانه مردم عزیزمان در خیابان ها هستیم؛ حضوری که در طول این مدت استمرار داشته است. همین روحیه را در صنعت نفت و به ویژه در میان همکاران شرکت نفت فلات قاره ایران نیز به وضوح مشاهده کردیم.

مادر خط مقدم این جبهه حضور داشتیم و بسیاری از همکاران تأکید داشتند که برای ادامه فعالیت ها و کمک به مجموعه، هیچ ابایی از ماندن بیشتر در مناطق و سکو عملیاتی ندارند. معمولاً دوره حضور کارکنان مادر مناطق عملیاتی بیش از ۱۴ روز نیست، اما در شرایط جنگی، بسیاری از آنها با وجود تهدید دشمن، با روحیه ای مثال زدنی به حضور داوطلبانه فعالیت خود ادامه دادند.

برای مثال، همکارانی داشتیم که از مشهد با اتوبوس به تهران می آمدند، سپس با اتوبوس به سمت بوشهر حرکت می کردند و از آنجا با شناور خود را به منطقه های عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران می رساندند. این مسیر بسیار طولانی و خسته کننده بود، اما آنها با روحیه و انگیزه بالا به رفت و آمد و انجام فعالیت های عملیاتی ادامه می دادند.

به اعتقاد من، این جنگ نه تنها موجب دلسردی یا ازهم گسیختگی نیروها نشد، بلکه همبستگی بیشتری میان همکاران ایجاد کرد. دوستی، رفاقت و همکاری میان آن ها تقویت شد و این روحیه واقعا مثال زدنی و مایه افتخار ما بود.

چه زمانی توانستید پس از حوادث رخ داده در مناطق سیری و لاوان، تولید را به شرایط عادی بازگردانید؟

تولید در منطقه لاوان به طور کامل به شرایط عادی بازگشته است. در اینجا لازم می دانم از همکارانمان در منطقه لاوان و سکوها ی عملیاتی این منطقه، به طور ویژه قدر دانی کنم. در منطقه سیری نیز پس از خاموش کردن آتش مخازن، حدود یک ماه زمان برد تا بتوانیم تولید را دوباره برقرار کنیم و به حدود ۶ درصد ظرفیت تولید برسیم. در حال حاضر، عملیات اولیه آواربرداری از مخازن آسیب دیده در حال انجام است. همچنین کارشناسان دادگاه برای ارزیابی و اعلام میزان خسارت در منطقه حضور یافتند و بررسی های اولیه را انجام دادند. اکنون در حال تخلیه مواد سوخته شده داخل مخازن هستیم تا پس از آن، عملیات آواربرداری به طور کامل انجام شود و برای احداث مخازن جدید به جای مخازنی که مورد اصابت قرار گرفتند، اقدام کنیم.

سایر مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران در طول جنگ چگونه بود و چه اقدام هایی برای حفظ ایمنی کارکنان و استمرار تولید انجام می شد؟

در سایر مناطق عملیاتی نیز شرایط خاصی حاکم بود. برای مثال، منطقه خارگ به طور مکرر مورد اصابت قرار می گرفت؛ البته حملات در نقاطی انجام می شد که تأسیسات پدافندی نیروهای نظامی و انتظامی مادر آنجا مستقر بودند. نیروهای نظامی و انتظامی در این مناطق برای برقراری امنیت تلاش



به اعتقاد من، این جنگ نه تنها موجب دلسردی یا ازهم گسیختگی نیروها نشد، بلکه همبستگی بیشتری میان همکاران ایجاد کرد. دوستی، رفاقت و همکاری میان آن ها تقویت شد و این روحیه واقعا مثال زدنی و مایه افتخار ما بود

گسترده ای داشتند.

ما نیز تمهیدات لازم را برای حفظ ایمنی کارکنان و استمرار تولید در نظر گرفته بودیم. در برخی مناطق، تعداد نیروهای انسانی را به حداقل کاهش دادیم و در نقاط خاصی نیز میزان تولید را کم کردیم؛ به ویژه در مناطقی که در صورت وقوع حادثه، آزاد شدن گازهای سمی یا مواد با فشار بالایی توانست خطر آفرین باشد. این اقدام ها با هدف رعایت الزامات پدافند غیرعامل و حفظ ایمنی همکاران انجام شد.

در منطقه قشم نیز شرایطی ویژه داشتیم. سکوی هنگام در محدوده دهانه خلیج فارس و تنگه هرمز قرار دارد که از نظر راهبردی یکی از نقاط بسیار مهم منطقه است. دشمن این سکورا مورد اصابت قرار داد، اما خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشت و اجازه ندادیم تولید از این سکو متوقف شود. همکاران ما با تمهیداتی که از پیش اندیشیده بودند، اجازه ندادند تولید نفت و گاز در هیچ مقطعی در برابر تهدیدها و تجاوز دشمن آمریکایی-صهیونی متوقف شود. تلاش و تعهد آنها در این شرایط، درخور تقدیر و ستودنی است.

در خط مقدم جنگ رمضان هماهنگی های میان ستاد و مناطق عملیاتی چگونه انجام می شد؟

از طریق تلفن همراه و خطوط ارتباطی موجود، به طور مستمر با مسئولان و مدیران مناطق در تماس بودیم. در کنار این ارتباطات، تلاش می کردم در مناطق عملیاتی حضور پیدا کنم تا از نزدیک شرایط را ببینم، با همکاران دیدار کنم و به آنها روحیه بدهم.

از همان لحظات پر التهاب تجاوز دشمن به سرمایه های ملی کشور کنار تمامی کارکنان صنعت نفت بودم. در ابتدا بعد از تجاوز دشمن به انبارهای نفت تهران و البزر در کنار همکارانم حضور داشتم و بعد از آن اول فروردین، با خودرواژ تهران به سمت جنوب حرکت کردم. فاصله تهران تا مناطق عملیاتی ما حدود یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر است و طی کردن این مسیر حدود ۱۸ تا ۱۸ ساعت طول می کشد. حدود ساعت ۹ شب به منطقه بهران رسیدیم و همان شب جلسه کمیته بحران را با همکاران برگزار کردیم.

در آن زمان، آقای قانع، مدیر منطقه که اکنون بازنشسته شده است، همراه همکارانشان از شب تا صبح بیدار بودند و برای مدیریت شرایط بحران برنامه ریزی می کردند. نیروها را به گونه ای تقسیم کرده بودند که همواره تعدادی از همکاران بیدار باشند و وضعیت را پیگیری کنند.

پس از دیدار با همکاران بهران، از تلاش های آنان قدر دانی و تلاش کردیم روحیه شان را تقویت کنیم. سپس با شناور به سمت جزیره خارگ رفتیم. شرایط در آن مقطع مناسب نبود و برخی همکاران نگران بودند که حضور مادر منطقه، در اوج شرایط جنگی، خطر آفرین باشد. باین حال، معتقد بودم که باید در کنار همکارانمان باشیم. خون ما که از خون آنها رنگین تر نیست؛ وقتی همکاران در آن شرایط در مناطق عملیاتی حضور داشتند، لازم بود ما هم در

کنارشان باشیم. در جزیره خارگ نیز از تأسیسات بازدید کردیم و با همکاران دیدار داشتیم. در همان مدت، از طریق تماس تلفنی با آقای حمید بورد (مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران) و آقای محسن پاک نژاد (وزیرنفت وقت) نیز در ارتباط بودیم و آنها هم به همکاران خداقوت می گفتند.

از آنجا که پروازها برقرار نبود، برای بازدید از برخی مناطق عملیاتی، مسیرهای زمینی و دریایی را طی می کردیم. برای مثال، با خودرو به بندر نخیلو رفتیم و از آنجا با شناور به لاوان منتقل شدیم تا در منطقه حضور پیدا کنیم، به همکاران خداقوت بگوییم و در آن روزها که نیروهای ما با تمام توان در محل کار خود حاضر بودند، مایه دلگرمی آنها باشیم.

همچنین خرداد ماه به همراه رئیس کمیسیون انرژی، بازدید مفصلی از مناطق لاوان و سیری داشتیم. تأسیسات آسیب دیده را از نزدیک بررسی کردیم و درباره اقدام های مورد نیاز به گفت وگو پرداختیم. در تمامی بازدید و حضورهایمان می دیدم که همکاران صنعت نفت به خصوص شرکت نفت فلات قاره با صلابتی مثال زدنی جانانه مشغول خدمت به کشور بودند.

در طول جنگ رمضان، خاص ترین تصمیمی که در مدیریت شرکت گرفتید، چه بود؟

شاید بتوانم بگویم یکی از چالش برانگیزترین تصمیم های ما، مدیریت تعداد نیروهای حاضر در مناطق عملیاتی در کنار حفظ تولید بود. تا آخرین لحظه تلاش کردیم تولید را حفظ کنیم و اجازه ندهیم فعالیت های تولیدی شرکت متوقف شود که خدا را شکر توانستیم سر بلند باشیم. هدف اصلی ما همواره استمرار حداکثری تولید بوده است، اما در آن مقطع، چالش اصلی این بود که چگونه تعداد نیروهای انسانی را به گونه ای مدیریت کنیم که هم ایمنی همکاران حفظ شود و هم تولید استمرار داشته باشد. در نهایت، تلاش کردیم با کاهش حدود ۲۰ تا ۳۰ درصدی تعداد نیروها در بخش هایی که ضرورت داشت، شرایط را مدیریت کنیم. به لطف خدا و با همت کارکنان صنعت نفت، توانستیم سر بلند از این آزمون بیرون بیاییم و لحظه ای تولید نفت و گاز ما متوقف نشد.

برای حفظ امنیت روانی و تقویت روحیه کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در روزهای جنگ رمضان چه اقدام هایی انجام دادید؟

با توجه به اینکه خودم ۳۶ سال سابقه فعالیت در صنعت نفت دارم و حدود ۲۰ سال نیز در سکوها حضور داشته ام، شناخت خوبی از همکاران و شرایط کاری آنها دارم. در طول این سال ها، حوادث مختلفی را تجربه کرده ایم و با دشواری های کار در سکوها آشنا هستم. حتی در شرایط عادی، زمانی که با هواپیما یا بالگرد به مناطق عملیاتی می رویم، می توانیم از نزدیک میزان از خودگذشتگی همکارانمان را مشاهده کنیم، اما در جنگ ۴۰ روزه، بیش از گذشته به شجاعت و فداکاری آنها، به ویژه کارکنان سکوها، پی بردم.

واقعیت این است که در آن روزها، خود همکاران بیش از هر چیز به ما دلگرمی می دادند. از طریق تماس تلفنی با آنها در جزایر و سکوها ارتباط برقرار می کردیم و می گفتند هیچ مشکلی ندارند و با روحیه کامل مشغول کار هستند. رفتار و روحیه آنها شگفت انگیز

بود و این شرایط همچنان ادامه دارد.

ما نیز از طریق تماس های تلفنی و گاهی با حضور فیزیکی در مناطق عملیاتی، تلاش می کردیم در کنار همکارانمان باشیم و به آنها روحیه بدهیم. باین حال آنان بیشتر به ما دلگرمی می دادند.

همکاران ما با انگیزه و باشاط هستند و به وجودشان افتخار می کنیم. لازم می دانم از همین جا بار دیگر به همه این عزیزان خداقوت بگویم و از تلاش ها و فداکاری هایشان قدر دانی کنم.

آیا پیش از جنگ رمضان، تمام جوانب و آسیب های احتمالی ناشی از آن را پیش بینی کرده بودید؟

از قبل، احتمالات مختلفی را برای شرایط احتمالی پیش بینی کرده بودیم. همچنین، با توجه به تجربه جنگ هشت ساله دفاع مقدس در این مناطق، در قالب دستور عمل های پدافند غیرعامل، سناریوهای مختلفی برای مواجهه با شرایط اضطراری در نظر گرفته شده بود. از جمله این سناریوها، نحوه اقدام در صورت اصابت به سکوها، چگونگی مدیریت فعالیت ها در صورت آسیب دیدن تأسیسات مستقر در خشکی، تعیین محل تجمع نیروها در خشکی و مشخص کردن موقعیت پناهگاه ها بود. این دستورعمل ها پیش از آغاز جنگ به نیروها ابلاغ شده بود.

البته پس از جنگ ۱۲ روزه هم، بسیاری از این اقدام ها را در عمل تجربه و تلاش کردیم با برگزاری مانورهای میدانی، آمادگی خود را افزایش دهیم؛ بنابراین، پیش از آغاز جنگ رمضان نیز سناریوهای مختلفی تعریف شده بود و مجموعه این اقدام ها به ما کمک کرد تا با آمادگی بیشتری شرایط جنگی را مدیریت کنیم.

آیا در دوران جنگ رمضان، کارکنان بازنشسته نیز برای کمک به مجموعه اعلام آمادگی کردند؟

بله، تعدادی از همکاران بازنشسته با من تماس گرفتند و اعلام کردند که حاضرند در هر منطقه ای که لازم باشد، برای کمک به مجموعه حضور پیدا کنند. دست کم چهار یا پنج نفر به صورت مستقیم با من تماس گرفتند و تعدادی دیگر نیز با ارسال پیام،

آمادگی خود را برای همکاری اعلام کردند.

این موضوع برای من بسیار جالب توجه و در عین حال دلگرم کننده بود. از همه این عزیزان تشکر می کنم. این رفتار نشان می دهد که کارکنان صنعت نفت، حتی پس از بازنشستگی، همچنان خود را در قبال مجموعه مسئول می دانند و در شرایط دشوار نیز برای کمک به همکاران خود آماده اند.

مهم ترین اولویت و الزام های شرکت نفت فلات قاره ایران پس از جنگ رمضان چیست؟

دستیابی به حداکثر ظرفیت تولید، یکی از اولویت های اصلی شرکت نفت فلات قاره ایران پس از جنگ رمضان است و با قدرت مشغول تولید نفت هستیم. در کنار آن، تسریع عملیات بازسازی و تکمیل تأسیسات آسیب دیده، به ویژه در منطقه سیری، در برنامه کاری قرار دارد. در همین دوران و در اوایل تیرماه، با وجود شرایط جنگی، موفق شدیم سکوی تاپ ساید ۶۲۰ میدان رشادت، موسوم به سکوی RP۴، را نصب کنیم. من نیز این افتخار را داشتم که اول تیرماه در محل عملیات حضور پیدا کنم. یکی از درس های مهم این دوره برای ما این بود که نباید در شرایط جنگی دست از کار بکشیم و فعالیت ها را متوقف کنیم؛ بلکه باید با جدیت بیشتری به فعالیت های خود ادامه دهیم.

حتی در حال حاضر که با شما صحبت می کنیم، سکوی جدیدی در میدان رشادت در شرکت صدرا در بوشهر با گری و عملیات مهاربندی آن نیز انجام شده و برای انتقال و نصب سکودر میدان رشادت اعلام آمادگی کرده ایم. در حال حاضر، هماهنگی هایی با دستگاه های نظارتی و امنیتی در حال انجام است تا پس از تکمیل هماهنگی ها، بتوانیم جزئیات این عملیات را به طور کامل اعلام کنیم.

تجربه جنگ به ما نشان داد که نه تنها نباید فعالیت های توسعه ای متوقف شوند، بلکه باید تلاش کنیم در هر شرایطی این فعالیت ها، به ویژه عملیات پایداری تولید، عملیات بازسازی تأسیسات



دستیابی به حداکثر ظرفیت تولید، یکی از اولویت های اصلی شرکت نفت فلات قاره ایران پس از جنگ رمضان است و با قدرت مشغول تولید نفت هستیم. در کنار آن، تسریع عملیات بازسازی و تکمیل تأسیسات آسیب دیده، به ویژه در منطقه سیری، در برنامه کاری قرار دارد



آسیب دیده و نصب و راه اندازی سکوها، با حداکثر توان مستمر ادامه پیدا کنند.

چه پیامی برای همکاران خود، به ویژه کارکنان سکوها و مناطق عملیاتی، دارید؟

سال های زیادی است که همکارانم را می شناسم و با شرایط کاری آنها آشنایی دارم. با افتخار می گویم که به عنوان مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره ایران، دست تک تک همکارانمان در سکوها ی نفتی، مناطق عملیاتی و حتی ستاد مرکزی را به گرمی می فشارم و به همه آنان افتخار می کنم.

این عزیزان مایه افتخار شرکت نفت فلات قاره ایران و کشورمان هستند. آنها همواره پای کار ایستاده و به فعالیت خود ادامه داده اند. نفت نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور، نقش مهمی در چرخاندن چرخ اقتصاد دارد و همکاران ما در شرکت نفت فلات قاره ایران، در بخش دریایی این صنعت، سهم به ویژه در منطقه سیری، در برنامه کاری قرار دارد

و دیگر همکارانی که در حوزه رسانه فعالیت می کنید، قدر دانی می کنم. امیدوارم بتوانید اخبار و گزارش های جنگ رمضان و همچنین جنگ ۱۲ روزه پیشین را به خوبی منعکس کنید و از خودگذشتگی های ملت ایران را به تصویر بکشید. در حوزه نفت نیز همکاران ما در صنعت نفت، به ویژه در شرکت نفت فلات قاره ایران، تلاش و فداکاری زیادی از خود نشان دادند. ضروری است این تلاش ها و از خودگذشتگی ها به درستی روایت و برای مردم بازگو شود.

سفر به میدان گازی شانول تجربه‌ای منحصر به فرد است، زیرا با توجه به دوری مسافت در جنوب استان فارس و جغرافیای سخت اقلیمی، به‌خصوص در تابستان، کمتر کسی رغبت رفتن به آنجا را پیدا می‌کند؛ با وجود این، رفتن به این میدان گازی در مسیر پرپیچ و خم کوهستان و بیرون از شهرستان‌های همجوار، گوشه‌ای از شرایط سخت کاری مهندسان و کارگران میدان گازی شانول را به نمایش می‌گذاشت و سفر را برایم ارزشمندتر می‌کرد.

کمب ایثار در نزدیکی میدان گازی و دور از هیاهوی محیط شهری، محل استراحت و زندگی کارکنان اقماری بود؛ جایی که خستگی‌های روزمره، جای خود را به مخمل صمیمی همنشینی و رفاقت می‌داد. از دل همین دوستی‌ها و رفاقت‌هاست که چرخه تولید در میدان گازی شانول همچنان ادامه دارد؛ تلاشی که ثمره آن، در روزهای سرد زمستان، گرمای خانه‌های مردم ایران است.

سختی کار در گرمای ۶۰ درجه

شروع مصاحبه با محمود نوذری، کارشناس ارشد روابط عمومی منطقه عملیاتی پارسیان بود. او در پاسخ به پرسشی درباره شرایط خاص اقلیمی در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی می‌گوید: منطقه عملیاتی پارسیان گستره جغرافیایی وسیعی دارد و در بخش جنوبی استان فارس، در محدوده مجاورت استان‌های فارس، هرمزگان و بوشهر قرار گرفته است. از جایی که حضور داریم، یعنی میدان گازی شانول تا میدان تایناک حدود سه ساعت راه است. مسیرهای کوهستانی و پیچ و خم‌های جاده، به‌ویژه در فصل گرما، رفت و آمد را دشوار می‌کند؛ به‌طوری‌که برای کمتر فشار آمدن به ماشین مجبوریم کوپلر خودرو را خاموش کنیم. همکاران ما در این منطقه با



امکاناتی بسیار عادی کار می‌کنند و با وجود دشواری‌های محیط کار، برای حفظ تولید تلاش می‌کنند.

به گفته نوذری، در دوره جنگ رمضان، زمانی که بسیاری از مجموعه‌ها به سمت دورکاری رفته بودند، کارکنان شانول در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین موقعیت‌ها در محل کار حضور داشتند و فعالیت‌های منطقه و خط تولید را مانند گذشته ادامه می‌دادند. وی در توضیح شرایط سخت کار در فصل تابستان و زمان تعمیرات اساسی در این میدان گازی هم تصریح می‌کند: تعمیرات اساسی، سخت‌ترین کار در شانول است که به طور معمول در فصل تابستان، انجام می‌شود تا برای تولید گاز در زمستان آماده شویم. گرمای اینجا به حدود ۶۰ درجه سانتیگراد هم می‌رسد. به دلیل بالا بودن دمای منطقه، عمده کار تعمیرات اساسی راشب‌ها انجام می‌دهیم، اما حتی دمای هوا در شب هم به ۵۰ درجه می‌رسد. همکاران ما با این سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند تا خط تولید را حفظ کنند و هم‌وطنان در فصل زمستان با مشکل کمبود گاز مواجه نشوند. یکی از مشکلات و سختی‌های کار در چنین شرایطی، زندگی اقماری و دوری از محیط خانواده است که

تحمل آن برای هر کسی آسان نیست.

نوذری ادامه می‌دهد: اقماری بودن مشکلات خاص خود را دارد. گاهی همکاران حتی در طول ۱۲ ساعت هم نمی‌توانند با خانواده‌شان ارتباط تلفنی ساده داشته باشند و حتی در مناسبت‌های مهم مانند تولد فرزندان‌شان، در کنار خانواده نیستند. یکی از همکاران که ۲۰ سال سابقه کار در منطقه پارسیان دارد، ۱۰ سال را دور از همسر و خانواده‌اش زندگی کرده است. ۱۰ سال، برای فرزندی که در حال بزرگ شدن است، عمر کمی نیست. اگر برای یکی از اعضای خانواده بیماری یا مشکلی پیش بیاید، ممکن است نتواند در کنار خانواده‌اش باشد و کاری از دستش برنیاید و این اتفاقات بر روحیه او تأثیر می‌گذارد.

همیشه در بیابان هستیم

پس از صحبت با محمود نوذری به سراغ علی منوچهری، اپراتور ارشد واحد عملیات بهره‌برداری در میدان گازی شانول رفتم. از او می‌خواهم سختی کار در شانول را در یک جمله توصیف کند؛ با لبخند می‌گوید: گرما، بیابان، آهن، تجهیزات سنگین، فشار بالا و سروصدا، بخشی از شرایط کاری ماست.



منوچهری درباره سختی و شرایط کار در شانول ادامه می‌دهد: ما همیشه در بیابان و صحرایستیم و زمان زیادی مشغول کاریم. وقتی شیفت روز هستیم، باید از ۵ صبح بیدار شویم و تا زمانی که به اتاق استراحت برمی‌گردیم، حدود ساعت ۸ شب شده است. تا ۵ صبحی دیگر بیدار شویم و کار را از نو شروع کنیم. او درباره شرایط زندگی اقماری می‌گوید: وقتی بعد از ۱۴ روز نزد خانواده برمی‌گردیم، واکنش بچه‌ها برایمان خیلی مهم است. چه بخواهیم به خانه برویم و چه بخواهیم به محل کار برگردیم، حدود ۲۲ ساعت زمان می‌برد تا روحیات و بدنمان با محیط خانواده یا محیط کار تطبیق پیدا کند. در این مدت هنوز در حال هوای خودمان نیستیم. وقتی فرزندانم به استقبال می‌آیند، نمی‌توانم آن‌طور که شایسته است، محبت و مهر خودم را به آنها نشان بدهم.

عکاسی، مرهمی بر دل‌تنگی

مهدی حسن‌زاده، سرپرست مرکز جمع‌آوری میدان گازی شانول، آخرین نفری است که با او هم‌کلام می‌شوم.

او با روحیه‌ای خاص و طبعی هنرمندانه، شرایط سخت کاری را برای خود آسان کرده است. حسن‌زاده درباره میدان گازی شانول می‌گوید: کار کردن در مناطق عملیاتی، روحیه خاص خود می‌طلبد؛ چون این مناطق در شرایط بد آب‌وهوایی و جغرافیایی نامناسب قرار گرفته‌اند؛ یا مناطق گرم و خشک هستند یا مناطق کوهستانی. محیط کار بسیار سخت است و به مرور زمان می‌توان آثار روحی و روانی آن را در میان مدت و بلندمدت مشاهده کرد؛ به‌خصوص در همکارانی که به‌صورت شیفتی کار می‌کنند. شیفت‌ها ۱۲ ساعته است و بسته به موقعیت میدان، بین نیم ساعت تا یک ساعت بامرکز یا واحد تولیدی فاصله داریم؛ بنابراین افزون بر



۱۲ ساعت کار، باید به‌طور میانگین ۴۵ دقیقه مسیر رفت و ۴۵ دقیقه مسیر برگشت را هم در نظر بگیریم. این شرایط، کار کردن در مناطق عملیاتی را دشوارتر می‌کند.

وی درباره کار اقماری می‌گوید: بیش از ۲۰ سال است که به‌صورت اقماری و نوبت کاری کار می‌کنم، اقماری بودن به نوعی در روح و روان افراد اثرگذار است؛ آثارش بی‌صداست و در بلندمدت نمایان می‌شود. وقتی استخدام شدیم، همه جوان بودیم و شور و نشاط جوانی داشتیم. در سال‌های اول کار، مشکلات کار اقماری خیلی ملموس نبود، اما با بالا رفتن سن و ادامه کار در مناطق عملیاتی و شیفتی، آثار آن را به‌راحتی می‌توان دید.

کار ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه عصر تمام می‌شود و تا تعویض شیفت و رسیدن به محل استراحت، حدود ساعت ۸ شب می‌شود. بعد از ۱۲ ساعت کار، خستگی به اندازه‌ای است که راحت‌ترین کار این است که در اتاق بمانیم، تلویزیون تماشا کنیم یا با گوشی سرگرم شویم و فعالیت خاص دیگری نداشته باشیم. من در طول سال‌ها دیده‌ام که برخی همکاران، دیگران افراد پرانرژی و سرزنده ۱۵ یا ۲۰ سال قبل نیستند. این همان فرسودگی تدریجی است که در کار اقماری، به‌ویژه در شیفت‌های طولانی،

خودش را نشان می‌دهد.

حسن‌زاده سعی کرده بود شرایط سخت کاری و زندگی اقماری را با سبک زندگی خاص خود به فرصتی برای یادگیری و کسب مهارت در ورزش و هنر تبدیل کند، می‌گوید: با وجود خستگی ناشی از کار، سعی می‌کنم بعد از کمی استراحت به سالن ورزشی بروم و حدود یک ساعت و نیم با همکاران ورزش کنم، بعضی روزها هم با هم به زمین چمن می‌رویم و اگر فرصت پیش بیاید، در طول دو هفته یک یا دو بار دور هم جمع می‌شویم و فیلم تماشا می‌کنیم.

او ادامه می‌دهد: احساس می‌کنم فعالیت‌های ورزشی، هنری و دورهمی‌ها تا حدودی آثار زیانبار کار اقماری را کاهش می‌دهند؛ البته این آثار از بین نمی‌روند، اما می‌توان آنها را کمتر کرد و برای مدت بیشتری از نظر روحی سرپا ماند.

یکی از ویژگی‌های حسن‌زاده این بود که محیط سخت کاری را به عرصه هنر تبدیل کرده و این کار باعث شده بود محیط پیرامون را به شکل دیگری ببیند.

وی می‌گوید: آشنایی من با عکاسی هم از همین محیط کار آغاز شد. عکاسی باعث شد به اطرافم، آسمان و طبیعت با دقت بیشتری نگاه و آنها را ثبت کنم. در ادامه، به سینما هم علاقه‌مند شدم و این فعالیت‌ها کمک کردند تا سختی و یکنواختی کار اقماری را بهتر تحمل کنم. با اتمام گفت‌وگو با برخی از کارکنان میدان گازی شانول، دریافتیم که پشت هر مترمکعب گازی که در این کشور تولید می‌شود، چه تلاش و همتی نهفته است و در پس هر قدمی که در راه توسعه برداشته می‌شود، چه دل‌تنگی‌ها و مشکلات دوری از فرزند و خانواده وجود دارد. کارکنانی که شاید در کنج خلوت خود، اشک‌هایی از سر دل‌تنگی و دوری از خانواده ریخته‌اند، اما با تعهد کاری، خانه‌های مردم را در سرمای سوزان زمستان گرم نگاه داشته‌اند.

روایت کارکنانی که زیر سایه جنگ

کنار هم ایستادند

مردان خط در مسیر سخت نفت



حمیدرضا زینلی | در شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، انتقال نفت از مسیرهایی دشوار و متنوع می‌گذرد؛ از دشت‌های گسترده تا ارتفاعات رشته کوه زاگرس. این جغرافیای سخت، بخشی از زندگی کارکنانی است که هر روز در بخش‌های مختلف، از عملیات و مکانیک تا ترابری، آزمایشگاه و کنترل کیفیت، برای پایداری این جریان تلاش می‌کنند. اینجا، مسیر نه فقط از روی نقشه که از دل طبیعتی متنوع و سخت عبور می‌کند تا با انسان‌هایی پیوند بخورد که هرکدام حلقه‌ای از این زنجیره‌اند.

اما روایت این منطقه، در روزهایی شکل گرفت که کشور در شرایط جنگی بود. در میان گفت‌وگوها و ثبت لحظه‌های کاری، آژیر خطر چندین بار به صدا درآمد؛ به گونه‌ای که خبرنگار و عکاس «مشعل» نیز همچون کارکنان به پناهگاه و نقاط امن می‌رفتند و با اعلام شرایط سفید، دوباره دوربین و قلم در دست، روایت از همان‌جا ادامه پیدا می‌کرد؛ درست همانند کارکنان که بی‌هیاهو و اضطراب برای ادامه فعالیت به محل کار خود بازگشته بودند. نه تکرار آژیرها توانست خللی در کارشان ایجاد کند و نه شرایط سخت، آرامش و تمرکزشان را برهم زد. آنچه در سفر به حوزه عملیاتی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان دیدیم، فراتر از خطوط و تأسیسات بود؛ روایت انسان‌هایی که در سخت‌ترین جغرافیا میان کوه و دشت و دشوارترین روزها زیر سایه جنگ، کنار هم ایستادند تا مسیر انتقال نفت همچنان باز بماند؛ انسان‌هایی از جنس عملیات، مکانیک، ترابری، آزمایشگاه و کنترل کیفیت که هریک، بخشی از این داستان بی‌وقفه را رقم زدند.



مسئولیت پذیری کارکنان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان پایداری انرژی را معنای کند

سرمایه‌ای فراتر از دارایی



مشعل | گفت‌وگو با مدیر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان در حالی آغاز شد که قرار بود درباره مدیریت یکی از راهبردی‌ترین مناطق انتقال انرژی کشور و تجربه‌های بیش از سه دهه خدمت در صنعت نفت سخن بگوییم. هنوز دقایقی از صحبت‌ها نگذشته بود که صدای آژیر خطر در فضای منطقه پیچید و گفت‌وگو ناتمام ماند. خبرنگاران و کارکنان به سمت مکان‌های امن هدایت شدند و همزمان جلسه مدیریت بحران تشکیل شد. در شرایطی که اضطراب و نگرانی بخشی از فضای پیرامون را فرا گرفته بود، عملیات انتقال انرژی همچنان ادامه داشت و تصمیم‌گیری‌ها لحظه‌ای متوقف نمی‌شد. ساعتی بعد با اعلام وضعیت سفید، گفت‌وگو از سر گرفته شد، اما آنچه بیش از پاسخ‌ها در ذهن ماند، تصویری از مسئولیت‌پذیری و آمادگی بود؛ تصویری از مجموعه‌ای که سهمی راهبردی در تأمین انرژی کشور دارد و کارکنانی که در سخت‌ترین شرایط نیز پایداری انتقال نفت و فرآورده را به عهده گرفته‌اند. در گفت‌وگوی خبرنگار "مشعل" با محمدحسن بگی، مدیر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، تجربه‌ها و دیدگاه‌ها، همچنین تلاش کارکنان این مجموعه که در یکی از مهم‌ترین مناطق عملیاتی کشور، بی‌وقفه در حال خدمت‌رسانی هستند، بازتاب یافته است.

رمز موفقیت

در بخش‌های مختلف این گفت‌وگو، یک کلیدواژه بیش از هر موضوع دیگری تکرار می‌شود؛ «کار تیمی». از نگاه بگی، موفقیت در چنین مجموعه گسترده و حساسی، نتیجه همفکری، مشورت و مشارکت همه کارکنان است.

بگی با تأکید بر پیچیدگی عملیات خطوط لوله و مخابرات نفت، بهره‌گیری از تجربه نیروهای عملیاتی، کارشناسان و پیشکسوتان را لازمه تصمیم‌گیری‌های مؤثر و پایدار می‌داند. به گفته وی، مشورت، احترام به دیدگاه‌های تخصصی، همدلی میان واحدها و استفاده از ظرفیت فکری و تجربی کارکنان، از ارکان مدیریت موفق و عامل پایداری و تحقق اهداف سازمان است.

در بخش‌های مختلف این گفت‌وگو، یک کلیدواژه بیش از هر موضوع دیگری تکرار می‌شود؛ «کار تیمی». از نگاه بگی، موفقیت در چنین مجموعه گسترده و حساسی، نتیجه همفکری، مشورت و مشارکت همه کارکنان است.

ایستادگی در میدان مسئولیت

شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌های این گفت‌وگو به موضوع مدیریت بحران و تجربه روزهای حساس اخیر اختصاص داشته باشد؛ روزهایی که شرایط ویژه و تهدیدهای ناشی از جنگ‌های اخیر (۱۲ روزه و رمضان)، ضرورت آمادگی و هوشیاری بیشتری را برای مجموعه‌های عملیاتی کشور ایجاد کرده بود. بگی حفظ آرامش و تقویت روحیه کارکنان را نخستین وظیفه مدیران در شرایط بحران می‌داند و معتقد است احساس امنیت کارکنان، تمرکز و تداوم عملیات را تضمین می‌کند. وی برگزاری مستمر جلسات مدیریت بحران، بهره‌گیری از تجربه مناطق آسیب‌دیده، پراکندگی ماشین‌آلات و تجهیزات، افزایش آمادگی عملیاتی و اجرای تمهیدات پدافندی را از مهم‌ترین اقدام‌های منطقه برمی‌شمرد. به گفته بگی، حضور میدانی مدیران و مسئولان در کنار کارکنان، سرکشی مستمر به مراکز عملیاتی، تقویت روحیه نیروها، حفظ انسجام سازمانی و موفقیت در مدیریت بحران را به همراه دارد.

بگی با اشاره به تجربه سال‌های اخیر، آمادگی دائمی مجموعه را حاصل برگزاری مستمر جلسات مدیریت بحران، هماهنگی با دستگاه‌های

مسئول، بهره‌گیری از تجربه مناطق دیگر و حضور شبانه‌روزی نیروهای عملیاتی می‌داند؛ اقداماتی که استمرار انتقال انرژی را بدون وقفه تضمین کرده است.

وی حضور میدانی مدیران و همراهی با کارکنان را یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت بحران برمی‌شمارد و معتقد است این حضور، علاوه بر تسریع تصمیم‌گیری، اعتماد، آرامش و انسجام نیروهای عملیاتی را تقویت می‌کند. به گفته بگی، موفقیت منطقه در حوادث و رخداد‌های سال‌های اخیر، مرهون حضور مسئولان کارکنان بخش‌های فنی و عملیاتی است؛ نیروهایی که در روزهای حساس با فاصله گرفتن از خانواده و حضور در آماده‌باش، امکان واکنش سریع به حوادث را فراهم کردند و با روحیه مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق سازمانی، مجموعه را از بسیاری چالش‌ها عبور دادند.

از تجربه تا آینده

محمدحسن بگی با بیش از سه دهه فعالیت در صنعت نفت، تجربه‌های ارزشمندی در حوزه‌های مدیریت، فنی و منابع انسانی کسب کرده و معتقد است موفقیت در صنعت نفت بدون یادگیری مستمر امکان‌پذیر نیست. به گفته وی، مدیران باید همواره دانش خود را به‌روز نگه دارند و از مطالعه کتاب‌های مدیریتی، بهره‌گیری از دانش تخصصی و استفاده از تجربه پیشکسوتان برای ارتقای مهارت‌های مدیریتی بهره‌برند. وی تأکید

می‌کند هیچ مدیری نباید خود را بی‌نیاز از یادگیری بدانند، زیرا بخش مهمی از موفقیت در مدیریت، حاصل انتقال تجربه و یادگیری از دیگران است.

وی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیر موفق را الگو بودن می‌داند و باور دارد؛ رفتار، اخلاق، صداقت و عملکرد مدیر باید با یکدیگر همخوانی داشته باشد تا اعتماد کارکنان جلب شود. به اعتقاد وی، مدیری که به وعده‌ها و گفته‌های خود پایبند باشد، بهتر می‌تواند کارکنان را برای تحقق اهداف سازمانی همراه کند. مدیر شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان با مرور خاطرات دوران خدمت خود، از اجرای پروژه‌های عمرانی، توسعه زیرساخت‌های منطقه و رفع مشکلات پیچیده فنی با اتکا به دانش، تخصص و تجربه نیروهای داخلی یاد می‌کند و این دستاوردها را نتیجه تلاش جمعی کارکنان می‌داند. با این حال، از نگاه وی ارزشمندترین سرمایه این صنعت، روحیه ایثار، تعهد، مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی کارکنانی است که در گرمای شدید، شرایط سخت عملیاتی و مأموریت‌های دشوار، حفظ پایداری انتقال انرژی را فراتر از یک وظیفه اداری دانسته و برای تداوم خدمت‌رسانی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند.

خانواده یک رکن مهم

بگی با قدردانی از تلاش کارکنان، عشق به کار را مهم‌ترین عامل موفقیت مجموعه می‌داند و

تأکید می‌کند موفقیت شغلی بدون همراهی خانواده امکان‌پذیر نیست. به گفته وی، خانواده با صبوری، درک شرایط خاص صنعت نفت و تحمل فشارها و سختی‌های مأموریت‌های عملیاتی، نقشی اساسی در حفظ روحیه، انگیزه و عملکرد کارکنان ایفا می‌کند و شایسته قدردانی است. وی همچنین بر تلاش، صداقت، به‌روز نگه داشتن دانش تخصصی، تعهد، مسئولیت‌پذیری، انسانیت و وجدان کاری به عنوان ارکان اصلی پیشرفت تأکید دارد و معتقد است توسعه واقعی زمانی محقق می‌شود که تخصص، تعهد و اخلاق حرفه‌ای در کنار یکدیگر قرار گیرند.

خانواده با صبوری، درک شرایط خاص صنعت نفت و تحمل فشارها و سختی‌های مأموریت‌های عملیاتی، نقشی اساسی در حفظ روحیه، انگیزه و عملکرد کارکنان ایفا می‌کند و شایسته قدردانی است.

شاید بتوان چکیده سخنان بگی را در چند مفهوم کلی خلاصه کرد؛ کار تیمی، اعتماد به نیروی انسانی، حضور میدانی در انجام مسئولیت، یادگیری مستمر و پایبندی به ارزش‌های حرفه‌ای. وی این ارزش‌ها را پشتوانه تلاش کارکنان گمنام صنعت نفت می‌داند؛ کارکنانی که با ایثار، مسئولیت‌پذیری و حضور شبانه‌روزی، پایداری انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی را تضمین و نقشی مؤثر در تداوم خدمت‌رسانی، تأمین انرژی و حرکت چرخ‌های اقتصاد کشور ایفا می‌کنند.



مسیر نفت از دل زاگرس تا دوردست ها
هر روز جان تازه می گیرد

شکوه پنهان



مشعل | پیش از آنکه شعله ای روشن شود، با قطره ای سوخت به مقصد برسد. نفت سفری طولانی را در دل هزاران کیلومتر خط لوله آغاز می کند؛ سفری که استمرار آن به هوشیاری، دانش و تلاش شبانه روزی کارکنانی وابسته است که دور از نگاه مردم، نبض شریان های انرژی کشور را زنده نگاه می دارند. در شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، مراکز انتقال نفت شهید بهشتی (مارون ۷) و شهیدان رهنما (مارون ۸)، انتقال نفت، تنها جابه جایی یک سیال نیست بلکه حاصل زنجیره ای از فعالیت های هماهنگ در اتاق های کنترل، مراکز بهره برداری، تعمیرات، برق، مکانیک، خوردگی، ترابری و آزمایشگاه های کنترل کیفیت است؛ حلقه هایی که هر یک، ضامن استمرار دیگری هستند، اما آنچه این چرخه را استوار نگاه می دارد، فقط تجهیزات و فناوری نیست، بلکه تعهد، همدلی و مسئولیت پذیری کارکنانی است که در گرمای سوزان، سرمای استخوان سوز کوهستان، مأموریت های طولانی، دوری از خانواده و حتی روزهای بحران و جنگ، بی وقفه برای پایداری انتقال انرژی تلاش می کنند. گزارش پیش رو، روایت زندگی و تجربه همین انسان ها در امنیت انرژی کشور نقش تاثیر دارند.



شریان های ماندگار

حسین ترابی، مهندس ارشد نگهداری و تعمیرات خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، سال هاست در حوزه نگهداری و تعمیر خطوط انتقال نفت فعالیت می کند. او می گوید: صیانت از این شریان های حیاتی،

تنها به انجام تعمیرات محدود نمی شود، بلکه نیازمند تلفیق دانش فنی، تجربه میدانی، برنامه ریزی دقیق، پایش مستمر و رعایت کامل الزام های ایمنی است تا انتقال انرژی بدون وقفه ادامه یابد. ترابی ادامه می دهد: تعمیرات خطوط انتقال نفت، شغلی نیست که زمان یا مکان مشخصی داشته باشد. هر زمان حادثه ای رخ دهد، نیروهای عملیاتی باید بدون توجه به ساعت، تعطیلات یا شرایط آب و هوایی، خود را به محل برسانند؛ گاه در گرمای شدید، گاهی در سرمای استخوان سوز ارتفاعات زاگرس و گاه در مسیرهای سخت که دسترسی به محل حادثه، بخشی از دشواری مأموریت است. وی تأکید می کند: تحمل این شرایط بدون همراهی خانواده ها ممکن نیست. مأموریت های اضطراری بارها کارکنان را از حضور در کنار خانواده در مناسبت ها و تعطیلات باز داشته، اما صبر، درک و حمایت آنها همواره پشتوانه اصلی برای تحمل شرایط و ادامه کار بوده است.

ترابی با یادآوری روزهای جنگ ۱۲ روزه، نگرانی درباره امنیت زیرساخت های کشور و اضطراب خانواده ها را تلخ ترین خاطره آن روزها می داند و می گوید: در مقابل، همدلی، مسئولیت پذیری و حضوری بی وقفه برای حفظ پایداری جریان انتقال سوخت، شیرین ترین خاطره ای است که در ذهن من و دیگر همکارانم باقی مانده است. وی اظهار می کند: آن روزها نشان داد خدمت در صنعت نفت، فراتر از یک شغل و مسئولیتی در قبال امنیت انرژی و آرامش مردم است.

مهندس ارشد نگهداری و تعمیرات خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، برتوجه بیشتر به ایمنی، نوسازی تجهیزات، بهره گیری از فناوری های نوین، توسعه آموزش های تخصصی، بهبود امکانات رفاهی مأموریت ها و توجه به انگیزه و معیشت کارکنان تأکید می کند و می گوید: قدردانی از کارکنان عملیاتی و خانواده های آنان، به نوعی سرمایه گذاری برای حفظ پایداری صنعت نفت در بلندمدت خواهد بود.



چهارراه راهبردی انتقال انرژی

در اتاق کنترل مرکز انتقال نفت شهید بهشتی (مارون ۷)، جایی که مانیتورها لحظه ای از نگاه بهره برداران دور نمی مانند و ارتباط های بی وقفه از طریق بی سیم و تلفن جریان دارد، مسئولیت هدایت بخشی از مهم ترین شریان های انتقال نفت کشور به عهده کارکنانی است که شبانه روز برای پایداری این شبکه تلاش می کنند. گودرز نظری بابرصاد، رئیس نوبت کاری این مرکز، با اشاره به نقش راهبردی این تأسیسات در شبکه انتقال نفت کشور می گوید: نفت پس از طی مسیری طولانی به این مرکز می رسد و از اینجا به بخش های مختلف و مراکز مصرف ارسال می شود.

او توضیح می دهد: همه تصمیم ها و عملیات از اتاق کنترل با دقت، هماهنگی و حساسیت بالا انجام می شود؛ جایی که هوشیاری، تجربه و مسئولیت پذیری کارکنان، ضامن استمرار جریان انرژی و پایداری شبکه انتقال نفت کشور است.



قلب تپنده انتقال

سپهر گلچین، تکنسین ارشد نگهداری و تعمیرات برق شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، بیش از سه دهه از عمر خود را در صنعت انتقال نفت سپری کرده است. او برق را قلب تپنده مراکز انتقال

می داند و می گوید: پایداری این بخش، با نگهداری تجهیزات، تعمیرات پیشگیرانه، نوسازی سامانه ها و رعایت دقیق الزامات ایمنی، استمرار انتقال نفت را تضمین می کند. گلچین ادامه می دهد: در این شغل هر روز تجربه ای تازه رقم می خورد؛ روزی در سرمای گندمکار زمانی دیگر در گرمای طاقت فرسا برای رفع اشکال تجهیزات برقی. به گفته او، کار در ارتفاع، صدای گوشخراش توربین ها و انجام تعمیرات در محیط های بسیار گرم، بخشی از واقعیت این حرفه است؛ شرایطی که به باور او، همواره با مزایای متناسب با سختی کار همراه نبوده است. وی با بیان این که یکی از دشوارترین تجربه ها، تعمیر تابلو برق جرتقیل سقفی در مجاورت آگروز داغ توربین هاست، عنوان می کند: این عملیات روی نردبان فلزی، تنها با یک دست و در گرمای سوزان انجام و بارها به

سوختگی و تاول دست و صورت منجر شد. گلچین مأموریت های طولانی مدت را نیز از دیگر موارد شغلی خود بر می شمرد و ادامه می دهد: ماهیت شغلی و کار در چنین مناطقی گاه با مأموریت های طولانی همراه است که این مهم به ویژه در زمان هایی که امکان ارتباط نیست، دوری از خانواده را دشوارتر می سازد.

وی تصریح می کند: کار در مناطق عملیاتی به لحاظ اقلیم و جغرافیا شرایط خاص خود را دارد و افرادی هم که متحمل چنین شرایطی فعالیت می کنند، نیازمند انگیزه هایی از جمله توجه به مزایا هستند که گذر از این سختی ها را تسهیل کند.



سپرشریان‌ها

علی‌در شمال، تکنسین ارشد آزمایشگاه‌های حفاظت از خوردگی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، سال‌هاست در حوزه صیانت از خطوط انتقال نفت فعالیت می‌کند. او می‌گوید: مأموریت این واحد، پیشگیری از آسیب دیدگی خطوط و حفظ پایداری شبکه انتقال انرژی است؛ مأموریتی که با پایش مستمر، حفاظت کاتدی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تحلیل اطلاعات فنی و همکاری نزدیک با واحدهای عملیاتی دنبال می‌شود تا از نشتنی، آسیب به محیط زیست و اختلال در انتقال نفت جلوگیری شود. در شمال تأکید می‌کند: در پس انجام هر مأموریت، افرادی حضور دارند که دور از خانواده و در سخت‌ترین شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی، برای حفظ امنیت انرژی کشور تلاش می‌کنند. مأموریت‌های طولانی در مسیر خطوط انتقال، گاه روزها، آنان را از خانواده دور و بی‌خبر نگه می‌دارد. اما صبر، همراهی و فهم خانواده‌ها، مهم‌ترین پشتوانه برای انجام این مسئولیت و موفقیت‌های مجموعه نیز حاصل همین همراهی و تلاش مشترک است.

وی با اشاره به برخی سختی‌های کار در مناطق عملیاتی می‌گوید: کوهستان و مناطق سخت‌گذر، بخش جدایی‌ناپذیر کار در مناطق عملیاتی است؛ طوری که برخی موارد حتی امکان تردد خودرو هم نیست و افراد ناچارند مسیرهای طولانی را بپیمایند. افزون بر این، با توجه به گستردگی جغرافیای کاری تحمل سرما و گرمای طاقت فرسا گاه تا بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد نیز بخشی از کار است. به گفته او، کارکنان واحد خوردگی در کنار نیروهای تعمیرات خط و ترابری، همواره برای حفظ ایمنی و پایداری انتقال نفت در میدان حضور دارند.

در شمال می‌گوید: یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های این مجموعه، روحیه همدلی، اعتماد و انتقال بی‌دریغ تجربه میان همکاران است؛ روحیه‌ای که در مأموریت‌های طولانی و دوری از خانواده شکل گرفته و عبور از دشوارترین شرایط را ممکن ساخته است.

وی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان نیز اظهار می‌کند: در دو جنگ اخیر آمادگی، برنامه‌ریزی دقیق و حضور فوری کارکنان در شرایط بحرانی از عوامل اصلی حفظ پایداری شبکه انتقال بود و همه افراد با احساس مسئولیت، ایثار و آمادگی کامل، همواره برای صیانت از امنیت انرژی کشور در کنار یکدیگر ایستادند تا خللی در کار ایجاد نشود.



رد چرخ‌ها در مسیر خدمت

منصور زمانیان، راننده ماشین آلات سنگین واحد ترابری شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، سال‌هاست در پشتیبانی عملیات انتقال نفت فعالیت می‌کند. او می‌گوید: ترابری، حلقه اتصال میان نیروهای عملیاتی، تجهیزات و خطوط انتقال است و از نخستین لحظات هر مأموریت، با جابه‌جایی نیروها و ماشین‌آلات، زمینه انجام عملیات را در هر شرایط آب‌وهوایی و جغرافیایی فراهم می‌کند. زمانیان که سال‌های خدمت خود را

مجموعه‌ای از خاطرات تلخ و شیرین می‌داند، ادامه می‌دهد: یکی از ماندگارترین این خاطرات به روزهای بعد از جنگ رمضان و شیفت نوروز در مراکز انتقال نفت مارون بازمی‌گردد؛ روزهایی که همه در آماده‌باش کامل بودند و هر لحظه احتمال حمله به تأسیسات وجود داشت. وی تصریح می‌کند: در یکی از شب‌ها، همزمان با اعلام احتمال حمله، آسمان از صدای مهیب رعد و برق پر شد و هیچ‌کس تا امروز نمی‌داند آن صداها مربوط به جنگنده‌های دشمن بود یا رعد آسمان؛ خاطره‌ای که با وجود تلخی آن روزها، هنوز میان همکاران بالیند روایت می‌شود. زمانیان می‌گوید: مأموریت‌های مداوم در مسیرهای سخت‌گذر مارون، از مناطق برفی و کوهستانی تا گرمای طاقت‌فرسای خوزستان، باعث شده کارکنان ترابری بخش بزرگی از زندگی خود را دور از خانه سپری کنند؛ موضوعی که مسئولیت سنگینی بر دوش همسران و خانواده‌ها می‌گذارد. وی تأکید می‌کند: صبوری و همراهی خانواده‌ها، مهم‌ترین پشتوانه کارکنان عملیاتی در انجام این مأموریت‌هاست. زمانیان از روزهای سخت کار در گرمای تیرماه خوزستان نیز خاطره‌ای شیرین دارد و ادامه می‌دهد: کار در مناطق عملیاتی سرشار از خاطره است، اما برخی خاطرات مانند آب پاشی همکاران آن هم پس از ساعت‌ها کار طولانی، می‌تواند خود یک خاطره باشد؛ به گفته وی، همین همدلی در روزهای برفی، گل‌آلود و هنگام امداد رسانی به خودروها و تجهیزات گرفتار، عبور از دشوارترین شرایط را ممکن می‌کند.



آزمایش دقیق برای انتقال مطمئن

یاسر صفری، مسئول کنترل کیفیت مرکز انتقال نفت شهید بهشتی (مارون ۷)، سال‌هاست در حوزه کنترل کیفیت فرآورده‌های نفتی و روغن‌های صنعتی فعالیت می‌کند. وی می‌گوید: وظیفه آزمایشگاه، پایش مستمر کیفیت نمونه‌ها و اطمینان از سلامت فرآورده‌ها و تجهیزات است؛ مسئولیتی که با انجام آزمون‌های تخصصی و دقت در نتایج، نقش مهمی در حفظ

ایمنی، جلوگیری از خسارت‌های فنی و استمرار انتقال انرژی ایفا می‌کند. صفری ادامه می‌دهد: اگرچه بخش زیادی از فعالیت‌های آزمایشگاه دور از نگاه دیگران انجام می‌شود، اما این مسئولیت در عمل با شرایطی دشوار و طاقت‌فرسا همراه است.

وی توضیح می‌دهد: بخش مهمی از وظایف کارکنان آزمایشگاه، از جمله نمونه‌گیری از خطوط انتقال، مخازن و محل تلاقی فرآورده‌ها، در محیط باز انجام و همین موضوع سبب می‌شود همکاران، ساعت‌های طولانی در معرض گرما، سرما و شرایط نامساعد جوی قرار گیرند. این فرایندها افزون بر دقت بالا، زمان‌بر نیز هستند و نیازمند حضور مستمر کارکنان در محیط عملیاتی است. صفری تأکید می‌کند: کارکنان آزمایشگاه با احساس مسئولیت، دقت و تعهد، بی‌وقفه تلاش می‌کنند تا کیفیت فرآورده‌ها و سلامت تجهیزات تضمین شود؛ تلاشی که اگرچه کمتر دیده می‌شود، اما یکی از ارکان اصلی پایداری شبکه انتقال انرژی کشور به شمار می‌آید.

به گفته صفری، مرکز انتقال نفت شهید بهشتی به دلیل قرار گرفتن در دامنه کوه و مجاورت با مناطق بیابانی، اختلاف دمای قابل توجهی را در طول سال تجربه می‌کند؛ زمستان‌هایی سرد همراه با بادهای خشک و سوزناک و تابستان‌هایی بسیار گرم که کار در فضای باز را دشوار می‌سازد.



تعمیرات در خانه دوم

حمید لطفی، مهندس نگهداری و تعمیرات مکانیک شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان، بیش از دو دهه است که زندگی حرفه‌ای خود را با تعمیر تجهیزات، صدای توربین‌ها و مأموریت‌های عملیاتی گره زده و از سال ۱۳۸۰ وارد صنعت نفت شده و پس از سال‌ها فعالیت در پتروشیمی به شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه اصفهان پیوسته است. لطفی با تأکید بر نقش اساسی واحد مکانیک در پایداری انتقال نفت و فرآورده‌ها می‌گوید: کار تعمیرات بیش از هر چیز به صبر، پشتکار و ناامید نشدن نیاز دارد، زیرا هر خرابی، آغاز یک چالش تازه است. اگر تعمیرات پمپ‌ها، توربین‌ها و تجهیزات جانبی به موقع انجام نشود، مراکز انتقال با توقف عملیات و اختلال در پمپاژ روبه‌رو خواهند شد. تعمیرات توربین‌ها حساس‌ترین بخش فعالیت این واحد است و نگهداری این تجهیزات، دانش تخصصی، دقت و تجربه بالایی می‌طلبد.

لطفی با اشاره به روزهای سخت در جنگ‌های اخیر می‌گوید: در آن روزها، کارکنان این واحد مانند دیگر بخش‌ها با تلاش مداوم خود اجازه ندادند خللی در جریان انتقال نفت ایجاد شود، حتی با شنیدن صدای‌های ناشی از انفجار حملات دشمن آمریکایی- صهیونی، هیچ‌یک از همکاران دست از کار نکشیدند.

وی روحیه برادری، همدلی و همکاری کارکنان را بزرگ‌ترین سرمایه این مجموعه می‌داند و تأکید می‌کند: این فرهنگ، در کنار همراهی خانواده‌ها، استمرار مأموریت‌های دشوار را ممکن کرده است. محیطی که من و همکارانم در آن کار می‌کنیم، تنها محل کار نیست، بلکه خانه دوم ما به شمار می‌رود.



نبض انتقال در تصمیم‌های دقیق

مهدی رحیمی، کارمند ارشد عملیات مرکز انتقال نفت شهیدان رهنما (مارون ۸)، بیش از ۱۵ سال است که در حوزه بهره‌برداری فعالیت می‌کند. او وظیفه کارکنان عملیات را فراتر از پایش تجهیزات می‌داند و معتقد است انتقال ایمن و پایدار نفت، حاصل تصمیم‌گیری دقیق، هماهنگی مستمر میان واحدهای مختلف و آمادگی برای مدیریت

شرایط پیش‌بینی نشده است. رحیمی می‌گوید: اهمیت این مسئولیت در روزهای بحران بیش از هر زمانی دیگر آشکار می‌شود. به گفته او، در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، فعالیت مرکز انتقال نفت حتی برای لحظه‌ای متوقف نشد و کارکنان، با وجود تهدیدهای مداوم، برای حفظ پایداری حضور در مجاورت تأسیسات نفتی، شنیدن مکرر آژیر خطر در شیفت‌های ۱۲ ساعته و نگرانی از احتمال حملات دشمن، فشار روانی سنگینی را بر کارکنان و خانواده‌های آنان تحمیل می‌کرد. رحیمی نقش خانواده را در تحمل این شرایط بسیار مهم می‌داند و ادامه می‌دهد: همراهی خانواده، بزرگ‌ترین دلگرمی برای ادامه فعالیت است. وی به خاطره‌ای درباره نگرانی‌های خانواده اشاره و تصریح می‌کند: در یکی از شب‌های جنگ رمضان، به دلیل مشغله کاری، امکان پاسخگویی به تماس‌های همسر را نداشتم و این موضوع با تکرار تماس‌های بی‌پاسخ او را به شدت نگران کرده بود. بی‌تردید، کار در این مناطق برای خانواده کارکنان سخت و نگران‌کننده است. خانواده نقشی بسیار دلگرم‌کننده دارد؛ همه ما مروهون صبوری و همراهی خانواده‌هایمان هستیم.

تعهدی که هر روز با دقت و حساسیت انجام می شود

امضای کیفیت



مشعل | در سکوت آزمایشگاه، جایی که هر قطره از فراورده‌های نفتی زیر ذره‌بین دقت و استاندارد قرار می‌گیرد، تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که شاید هیچ‌گاه دیده نشوند؛ اما امنیت انتقال انرژی کشور به آنها گره خورده است. اینجا کیفیت تنها یک عدد یا نتیجه آزمایش نیست؛ مرزی است میان اطمینان و خطا، میان پایداری و توقف. در میان تجهیزات تخصصی، شیشه‌های آزمایش و دستگاه‌های اندازه‌گیری، بانویی ایستاده که حضورش فراتر از شکستن یک مرز است. مهرآیین جعفرزاده، نخستین بانوی شاغل در مراکز انتقال نفت شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، سال‌هاست در واحد کنترل کیفیت مرکز انتقال نفت شهید بهشتی منطقه اصفهان، با دانش، دقت و مسئولیت‌پذیری از سلامت فراورده‌ها و استمرار جریان انتقال صیانت می‌کند. او در این گفت‌وگو از مسیری می‌گوید که در آن علم، تعهد، خانواده و عشق به کار، در کنار هم معنای تازه‌ای از حضور در صنعت نفت ساخته‌اند.



توانایی‌های تخصصی، مسیر فعالیت را هموارتر کرد.

دقتی به وسعت یک خط انتقال

جعفرزاده با اشاره به گستره مسئولیت‌های واحد کنترل کیفیت توضیح می‌دهد: فعالیت این بخش تنها به انجام آزمایش‌های معمول و روزمره محدود نیست و مجموعه‌ای از فرایندهای تخصصی را دربرمی‌گیرد؛ از نمونه‌گیری دوره‌ای فراورده‌هایی مانند بنزین، نفت‌گاز و نفت سفید گرفته تا بررسی روغن تجهیزات دوار، پایش کالیبراسیون دستگاه‌های آزمایشگاهی، تلاقی‌گیری فراورده‌ها در زمان تغییر محصول در خطوط انتقال و بررسی مخازن حاوی فراورده‌های مخلوط و خروجی تمام این اقدام‌ها در نهایت مبنای تصمیم‌گیری واحد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا عملیات انتقال با اطمینان و بدون وقفه ادامه یابد.

او با تأکید بر اینکه کنترل کیفیت، نقشی فراتر از یک فعالیت آزمایشگاهی دارد و هر آزمایش می‌تواند بر امنیت انتقال و حتی زندگی مصرف‌کنندگان اثرگذار باشد، برای روشن‌تر شدن اهمیت این موضوع، به کیفیت نفت سفید اشاره و تصریح می‌کند: اگر فراورده‌ای آلوده یا خارج از استاندارد وارد چرخه مصرف شود، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور نیز می‌تواند حادثه‌آفرین باشد و همین مسئولیت سنگین باعث شده دقت، سخت‌گیری و پایبندی کامل به استانداردها، به اصلی جدایی‌ناپذیر از فعالیت

روزانه کارشناسان کنترل کیفیت تبدیل شود. جعفرزاده درباره روند یک روز کاری در آزمایشگاه نیز توضیح می‌دهد: فعالیت‌ها با بررسی گزارش‌های روز گذشته و هماهنگی با واحد بهره‌برداری آغاز می‌شود. پس از مشخص شدن وضعیت خطوط انتقال، نمونه‌گیری‌های دوره‌ای انجام و آزمایش‌ها بر اساس استانداردهای تعریف‌شده به اجرا در می‌آید. نتایج نیز در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای بهره‌برداری و ستاد ارسال شده تا تصمیم‌های لازم بر پایه اطلاعات دقیق اتخاذ شود. افزون بر این، بخشی از نمونه‌های مراکزی که آزمایشگاه کنترل کیفیت ندارند و همچنین آزمون روغن تجهیزات مناطق مختلف نیز در این مرکز انجام می‌شود؛ موضوعی که حجم فعالیت این واحد را دوچندان کرده است.

مسئولیتی فراتر از مرزهای آزمایشگاه

جعفرزاده، رعایت استانداردهای بین‌المللی را مهم‌ترین اصل فعالیت در کنترل کیفیت می‌داند و معتقد است: کوچک‌ترین بی‌دقتی در نمونه‌گیری، انجام آزمایش یا ثبت نتایج، می‌تواند مسیر تصمیم‌های فنی را تغییر دهد. سخت‌گیری در اجرای استانداردها شاید از بیرون وسواس‌گونه به نظر برسد؛ اما در واقع ضامن سلامت تجهیزات، کیفیت فراورده‌ها و استمرار انتقال است.

او در ادامه با تأکید بر این‌که نوسازی تجهیزات آزمایشگاهی، یکی از نیازهای جدی این بخش

است، اظهار می‌کند: برخی دستگاه‌ها همچنان به صورت مکانیکی کار می‌کنند و جایگزینی آنها با تجهیزات خودکار، افزون بر افزایش دقت نتایج، می‌تواند میزان مواجهه کارکنان با بخارات و مواد شیمیایی خطرناک را نیز کاهش دهد. کارشناسان آزمایشگاه در طول ساعات کاری، ناگزیر با موادی سروکار دارند که برخی از آنها در صورت تماس مداوم، آثار زیان‌باری برای سلامت انسان دارند.

جعفرزاده در بخش دیگری از سخنان خود، حضور بانوان در صنعت نفت را فرصتی برای ایجاد تعادل بیشتر در محیط‌های عملیاتی می‌داند و معتقد است که نظم، دقت و نگاه متفاوت زنان، در کنار تخصص فنی، می‌تواند به ارتقای فضای کاری کمک کند.

او با اشاره به تجربه شخصی خود پس از مادر شدن، ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و زندگی خانوادگی را مهم‌ترین چالش بانوان شاغل عنوان و اظهار می‌کند: همراهی همسر و خانواده، برنامه‌ریزی، ورزش و مطالعه، کمک کرده است تا این تعادل حفظ شود؛ تعادلی که نه یک امتیاز، بلکه ضرورتی برای ادامه مسیر حرفه‌ای بانوان است.

کنترل کیفیت متوقف نمی‌شود

جعفرزاده با اشاره به روزهای پراشتاب جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، از مسئولیتی می‌گوید که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز لحظه‌ای متوقف نشد: کارکنان واحد کنترل کیفیت، همانند دیگر

نیروهای عملیاتی، با احساس مسئولیتی مضاعف در کنار مجموعه ماندند تا روند پایش کیفیت فراورده‌ها و پشتیبانی از عملیات انتقال بدون وقفه ادامه یابد.

به گفته او، هرچند به عنوان یک مادر امکان حضور مستمر در محل کار را نداشتیم؛ اما وظایف تخصصی خود را به صورت دورکاری دنبال می‌کردم تا کوچک‌ترین خللی در روند فعالیت‌ها ایجاد نشود. این همکار نفتی در ادامه، یکی از ماندگارترین خاطرات روزهای جنگ را اجرای پروژه انتقال یکی از توربین‌های مراکز انتقال نفت عنوان و اظهار می‌کند: این عملیات که با تلاش شبانه‌روزی همکاران بهره‌برداری، تعمیرات مکانیک، خوردگی، ابزار دقیق و دیگر واحدهای فنی انجام شد، نمادی بارز از هماهنگی، تخصص و همدلی کارکنان بود؛ پروژه‌ای که با انجام آن بیش از هر زمان دیگری به عضویت در خانواده بزرگ خطوط لوله و مخابرات نفت ایران افتخار کردم و نشان داد که این مجموعه، در شرایط بحرانی نیز با تکیه بر توان داخلی، آماده حفظ پایداری انتقال انرژی کشور است.

هویتی فراتر از یک شغل

جعفرزاده با بیان این‌که انگیزه اصلی ادامه مسیر حرفه‌ای‌اش الگو بودن برای دخترش است، ادامه می‌دهد: یک زن می‌تواند در کنار ایفای نقش مادری و توجه به خانواده، هویت حرفه‌ای و اجتماعی خود را نیز حفظ کند. دوست دارم دخترم باور کند که پشتکار، دانش و مسئولیت‌پذیری، راه حضور در هر عرصه‌ای را هموار می‌سازد و هیچ محدودیتی نباید مانع شکوفایی توانایی‌های بانوان شود.

او اشتغال بانوان را تنها یک انتخاب اقتصادی نمی‌داند و تأکید می‌کند: حضور زنان در محیط‌های تخصصی، فرصتی برای حفظ هویت فردی، نقش‌آفرینی اجتماعی و انتقال امید به نسل جوان است. بانوان شاغل در صنعت نفت، افزون بر انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای، می‌توانند با عملکرد خود، تصویری واقعی از توانمندی زنان در محیط‌های فنی و عملیاتی ارائه دهند. جعفرزاده همچنین ادامه می‌دهد: برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و ورزشی نقش مهمی در افزایش انگیزه، تقویت همدلی و ارتقای روحیه کارکنان دارد و در نهایت، آثار مثبت آن به عملکرد سازمان

هر آزمایش می‌تواند بر امنیت انتقال و حتی مصرف‌کنندگان اثرگذار باشد کوچک‌ترین بی‌دقتی در نمونه‌گیری انجام آزمایش یا ثبت نتایج می‌تواند مسیر تصمیم‌های فنی را تغییر دهد

بازمی‌گردد.

او در پایان، خانواده را مهم‌ترین پشتوانه موفقیت خود معرفی می‌کند و با قدردانی از همسر و مادرش می‌گوید: اگر همراهی و حمایت خانواده نبود، ادامه این مسیر امکان‌پذیر نمی‌شد.

مهارتی که نسل به نسل

در خدمت صنعت نفت بالیده است

هفشجان

نامی بر بلندای

صنعت جوش ایران

فرشید خدادادیان

پژوهشگر تاریخ نفت و میراث صنعتی



مشعل | برخی مهارت‌ها، صنایع، شغل‌ها و تخصص‌ها، با برخی مناطق شهری و روستایی، پیوندی تنگاتنگ دارند. بررسی تاریخی شکل‌گیری این موضوع‌ها معمولاً به این نتیجه ختم می‌شود که نخستین فرد یا افراد از یک شهر یا روستا بنا به علاقه یا فراهم بودن شرایط زمانی و مکانی، وارد یک حرفه یا صنعت شده و دیگر افراد فامیل، فرزندان، هم محلی یا همشهری‌ها و به مرور نسل‌های بعدی از آن شهر یا منطقه در همان حرفه یا صنعت مشغول به کار شده‌اند. حضور قابل توجه "هفشجانی‌ها" در صنعت جوشکاری خطوط لوله و تأسیسات نفت و گاز، با همین رویکرد قابل بررسی است. موضوعی که باعث شده امروزه هفشجان واقع در استان چهارمحال و بختیاری، پایتخت صنعت جوش در ایران نام بگیرد؛ پدیده‌ای که از نظر مردم‌شناسی در چارچوب میراث صنعتی و همچنین تاریخ نفت در ایران، قابل تأمل است.

صنعت نفت ایران، از بدو ورود بسیاری از صنایع پایین دستی، خدماتی و تأمین و تجهیز را با خود به ارمغان آورد. مهم‌ترین صنعت ایران و خاورمیانه، چندسالی پیش‌تر از عمومی شدن صنعت جوش و جوشکاری الکتریکی وارد ایران شده بود، اما پس از شکل‌گیری تجاری صنعت جوشکاری، از نخستین مجموعه‌هایی بود که جوشکاری را جانشین پُرچ کاری و دیگر روش‌های اتصالات در ساخت تأسیسات و خطوط لوله کرد.

پیشگامان جوشکاری

احداث خطوط لوله که در آغاز به صورت "کالر پیچ" (Screw Cooler) در سایزهای مختلف در میادین نفتی ایران انجام می‌شد، با ورود صنعت جوش ضمن تغییر روش و شکل اجرا، شتاب بیشتری یافت. کار سختی که "چارلز ریچی" و گروه کارکنان انگلیسی و هندی و بختیاری و عرب، حدفاصل سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱ میلادی به فرجام رساندند، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های احداث خط لوله از "میدان نفتون" به ساحل "عبادان" بود که تمام مسیر حدود ۱۳۰ کیلومتری آن در کوهپایه و دشت به

با اکتشاف نفت از چاه شماره یک میدان نفتون در سرزمین قشلاقی بختیاری‌ها (خرداد ۱۲۸۷) خبر ورود فرنگی‌ها و نیاز ایشان به نیروی کار، زودتر از جاهای دیگر کشور به چهارمحال و بختیاری رسید. دلیل آن روشن بود، بختیاری‌ها، قومی کهن و دیرپا و دامدارانی کوچ رو بودند که زمستان را در شمال خوزستان و تابستان را در سرزمینشان یعنی چهارمحال و بختیاری سپری می‌کردند و نخستین کارکنان ایرانی صنعت نفت نیز به طور طبیعی از ایشان و در کنار اعراب جنوب خوزستان انتخاب شده بودند. بختیاری‌ها به آغاز کوچ خود بین بیلاق و قشلاق و بالعکس "مال‌کینون" به معنای جمع کردن مال و اموال و کنده شدن میخ سیاه چادرها و وسایل می‌گویند؛ به همین دلیل در کوچ بهاره خود (سال ۱۲۸۷) خبر حضور فرنگی‌ها در قشلاق و برای اکتشاف نفت، سوغات ایشان از جنوب در اولین "مال‌کینون" و کوچشان به بیلاق بود. در سرزمین بیلاقی بختیاری‌ها، علاوه بر ایشان؛ ترک‌ها، فارس‌ها، ارامنه، گرجی‌ها و دیگرانی نیز زندگی می‌کردند و به همین دلیل وقتی صحبت کار در کمپانی نفت و گرفتن دستمزد به "لیره" و ریال به میان آمد، از میان تمام ساکنان این سرزمین، مردان و جوانانی خود را به خوزستان رساندند تا در کمپانی کار کنند و آینده خود و خانواده را با صنعت نفت

بسازند. این موضوع محدود به این منطقه نماند و به مرور از اصفهان و یزد و شیراز گرفته تا کرمانشاه و کردستان نیز افراد خود را به میادین نفتی ایران در خوزستان رساندند تا کارگر کمپانی شوند. هفشجانی‌ها نیز از نخستین سال‌های فعالیت کمپانی، در این صنعت حضور داشتند. آنها صنعتگران محلی هنرمندی بودند که پیشینه باستانی و تاریخی سکونت گاهشان، گواه قدمت فرهنگی و زیستی آنان بود. عرصه وسیع پیش از تاریخی هفشجان که در چندین هکتار از شهر کنونی هفشجان گسترش یافته، مملو از صدها قطعه آثار و ابزارهای سنگی ابتدایی از عصر نوسنگی به بعد و بقایای شاهراه‌های باستانی است. سکونتگاهی که از دوره پیش از تاریخ به دوران تاریخی باستان رسیده و از آن مقطع تا امروز همچنان زیستگاه بشری است، بی تردید قدمتی در فناوری‌ها و صنایع بومی نیز دارد. از جمله هنر و خلاقیت ایشان در فلزکاری، آهنگری، صنعت سنگ و سنگ تراشی و نجاری.

سنگ تراشان جوشکار

در آغاز، سنگ تراشی یکی از هنرهای این منطقه بود. کوه "بُزلر" در شمال هفشجان، مهم‌ترین معدن سنگی است که از آن برای تراشیدن شیرهای سنگی یا به گویش بختیاری‌ها؛ بُرد شیرها استفاده می‌شد. شیرهای سنگی که در دوران صفویه، نمونه‌هایی از آن به اصفهان پایتخت صفویان نیز رسید و زینت بخش معماری پل‌ها و ابنیه پایتخت شد. به این ترتیب بخشی از هفشجانی‌ها و دهکردی‌هایی که برای کار در کمپانی نفت به جنوب مهاجرت کردند، در ساخت ابنیه و تراشیدن سنگ و معماری به کار گرفته شدند، اما تنوع کار بسیار بیشتر بود و به طور طبیعی آنها محدود به آنچه به آن مشهور بودند، نماندند و بسیاری از آنها پس از سپری کردن دوره‌های کوتاه و به تعبیر امروز "ضمن خدمت" آموزشی در کمپانی نفت، ابزار صنعتی به دست گرفتند و نقاش، پرچ کار، ابزارکار و بعد از ورود صنعت جوش، "جوشکار" شدند. چنانچه پیشتر آمد؛ جوشکاری با قوس الکتریکی در دهه دوم فعالیت صنعت نفت در ایران جایگزین "پُرچ" در تأسیسات و "کالر پیچ" (Screw Cooler) در احداث خطوط لوله شد.

میراث داران جوشکاری

پرچ کاری، قبل از ورود صنعت نفت نیز در مناطق مختلف ایران و به طور مشخص در آهنگری‌ها به شکل بومی و سنتی انجام می‌شد؛ به همین دلیل وقتی در صنعت نفت نیز مهندسان انگلیسی از Riveting سخن گفتند، برای کارکنان ایرانی کمپانی این کار آشنا بود. پرچ کاری، در دهه نخست فعالیت صنعت نفت در ایران، به صورت دستی و با ابزارهای ساده انجام می‌شد. در پرچ کاری سنتی، ابزارها ساده ولی حیاتی بودند. چکش، پاشنه سندان، مشعل حرارتی، میله‌های پرچ و قالب‌های تغییر شکل، از جمله ابزارهای اصلی بودند. معمولاً پرچ‌ها ابتدا در حالت گرم وارد سوراخ مورد نظر می‌شدند تا پس از انقباض، موجب استحکام اتصال شود. در این فرایند، حرارت بالا و کار فیزیکی زیاد باعث خستگی نیروی انسانی می‌شد و در محیط‌های صنعتی بزرگ، نیاز به چندین کارگر برای هماهنگی داشت.



از سوی دیگر، خطاهای انسانی می‌توانست منجر به ضعف مصدومیت و حوادث شوند. سوابق پرسنلی کارکنان نخستین کمپانی نفت، تأیید کننده این نکته است که تعدادی از هفشجانی‌ها قبل از ورود صنعت جوش به حوزه عملیات کمپانی ابزارکار، پرچ کار و آهنگر بوده‌اند. در همین اسناد پرسنلی به کارکنان هفشجانی دیگری می‌رسمیم که شغلشان به طور مشخص "جوشکار" قید شده است.

راه یابی جوشکاری به صنعت نفت ایران

در بررسی میراث صنعتی جوشکاری باید به این خط زمان Timeline توجه داشته باشیم که ابتدا و در سال ۱۸۸۱ بود که مهندس فرانسوی "آگوست دومریتس" با استفاده از قوس الکتریکی با الکترودهای کربنی برای جوشکاری صفحات سربی باتری‌ها به پیشرفت قابل توجهی دست یافت. کار او نشان داد که قوس‌های الکتریکی می‌توانند در کارهای جوشکاری عملی به کار گرفته شوند. چند سال بعد از آن "نیکولای بناردوس"، مخترع روسی، با مخترع همکارش به نام "استانیسلاو اولشفسکی" از لهستان، با توسعه و ثبت روشی به نام "جوشکاری قوسی کربنی"، این حوزه را بیش از پیش پیشرفت دادند. سیستم آنها شامل برخی از اولین نگهدارنده‌های الکتروده بود که امکان کنترل ودقت بیشتر فراهم می‌کرد. این اختراع به طور گسترده به عنوان اولین دستگاه جوشکاری قوسی با تعریف مشخص شناخته می‌شود و لحظه‌ای محوری در گذار از تکنیک‌های تجربی به فرایندهای جوشکاری صنعتی کاربردی و تکرارپذیر را رقم می‌زند.

سال ۱۹۰۰ در آستانه اعطای امتیازنامه بهره‌برداری از منابع نفتی ایران به ویلیام ناکس دارسی، مخترع دیگری بنام؛ "استروهمنگر" در بریتانیا و به طور تقریباً هم‌زمان با مهندسی به نام "کیلبرگ" در آلمان، اولین الکترودهای روکش دار را معرفی کردند که پایداری قوس الکتریکی را در حین جوشکاری به طور قابل توجهی بهبود بخشید. این نوآوری زمینه را برای کیفیت جوش پایدارتر و کنترل بهتر قوس فراهم کرد. به این ترتیب، سال ۱۹۰۸ که نفت در ایران کشف شد، صنعت جوشکاری در بریتانیا و نقاط دیگر جهان، مراحل آغازین خود را سپری می‌کرد و یک دهه طول کشید تا در صنعت نفت ایران استفاده شود. یکی از قدیمی‌ترین مستندات که از جوشکاری در صنعت نفت وجود دارد، در فیلم مستند کمپانی نفت محصول سال ۱۹۲۵ یعنی دهه دوم فعالیت کمپانی است که در آن کارگران ایرانی در ورک شاپ مسجد سلیمان مشغول آهنگری، بازسازی مته‌های

حفاری، خم‌کاری صفحات فلزی و جوشکاری هستند. نکته جالب توجه در این فیلم مستند ارزشمند، لباس جوشکاران است که نشان می‌دهد کارکنان ایرانی از نخستین روزها "انبر جوشکاری" را به دست گرفته‌اند؛ موضوعی که مطابقت آن با پرونده‌های پرسنلی نسل نخست کارکنان صنعت نفت، بیانگر حضور هفشجانی‌ها در این بخش از فعالیت صنعت نفت است.

نسل به نسل در جوشکاری صنعت نفت

جوشکاری را انگلیسی‌ها Welding می‌گفتند و به مرور ایرانیان "ولدنگ کار" در بین همکاران خود شاخص شدند. از جمله هفشجانی‌های ولدنگ کار در نسل‌های متوالی این حرفه را در صنعت نفت ادامه دادند. در پرونده‌های باقی مانده از پرسنل صنعت نفت به اسنادی می‌رسیم که تأیید کننده قدمت حضور هفشجانی‌های "ولدنگ کار" و "فیتز" (لوله کش) در صنعت نفت است. (سندهای شماره ۱ و ۲) برخی دیگر از این اسناد، نشان دهنده این است که برخی کارکنان هفشجانی کمپانی نفت برخی نیز از سوی کمپانی به هند اعزام شده‌اند. وقتی در پیشاور با حقوق ۳۵ روپیة استخدام و از آنجا به حیدرآباد منتقل شده است (سند شماره ۳). هفشجانی‌ها در نفت جوشکاری را آغاز کردند و در طول تاریخ بلند نفت تا امروز، نسل به نسل و دست به دست میراث دار این صنعت در ایران و با شهرتی جهانی هستند، کمپانی ایتالیایی انی (ENI) برای عملیات نفتی به ایران و چهارمحال و بختیاری آمد، از جوشکاران هفشجانی در عملیات خود استفاده کرد. مستنداتی که به وسیله دوربین فیلم ساز شهیر ایتالیایی "برناردو برتولوچی" در مستند LA VIA DEL PETROLIO (ا در) زبان ایتالیایی؛ جاده نفت) ثبت شده، تأییدکننده دیگری از حضور هفشجانی‌ها در عملیات نفتی است. هفشجانی‌ها، حتی در برخی موارد با اهدای جان خود به دوام و



DATE COMPLETED	DATE	STATUS	REMARKS
1344-01-19	1344-01-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-20	1344-01-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-21	1344-01-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-22	1344-01-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-23	1344-01-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-24	1344-01-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-25	1344-01-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-26	1344-01-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-27	1344-01-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-28	1344-01-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-29	1344-01-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-30	1344-01-30	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-01-31	1344-01-31	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-01	1344-02-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-02	1344-02-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-03	1344-02-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-04	1344-02-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-05	1344-02-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-06	1344-02-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-07	1344-02-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-08	1344-02-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-09	1344-02-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-10	1344-02-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-11	1344-02-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-12	1344-02-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-13	1344-02-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-14	1344-02-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-15	1344-02-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-16	1344-02-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-17	1344-02-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-18	1344-02-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-19	1344-02-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-20	1344-02-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-21	1344-02-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-22	1344-02-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-23	1344-02-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-24	1344-02-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-25	1344-02-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-26	1344-02-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-27	1344-02-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-28	1344-02-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-02-29	1344-02-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-01	1344-03-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-02	1344-03-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-03	1344-03-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-04	1344-03-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-05	1344-03-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-06	1344-03-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-07	1344-03-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-08	1344-03-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-09	1344-03-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-10	1344-03-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-11	1344-03-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-12	1344-03-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-13	1344-03-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-14	1344-03-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-15	1344-03-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-16	1344-03-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-17	1344-03-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-18	1344-03-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-19	1344-03-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-20	1344-03-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-21	1344-03-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-22	1344-03-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-23	1344-03-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-24	1344-03-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-25	1344-03-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-26	1344-03-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-27	1344-03-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-28	1344-03-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-29	1344-03-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-30	1344-03-30	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-03-31	1344-03-31	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-01	1344-04-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-02	1344-04-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-03	1344-04-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-04	1344-04-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-05	1344-04-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-06	1344-04-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-07	1344-04-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-08	1344-04-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-09	1344-04-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-10	1344-04-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-11	1344-04-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-12	1344-04-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-13	1344-04-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-14	1344-04-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-15	1344-04-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-16	1344-04-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-17	1344-04-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-18	1344-04-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-19	1344-04-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-20	1344-04-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-21	1344-04-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-22	1344-04-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-23	1344-04-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-24	1344-04-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-25	1344-04-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-26	1344-04-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-27	1344-04-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-28	1344-04-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-29	1344-04-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-04-30	1344-04-30	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-01	1344-05-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-02	1344-05-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-03	1344-05-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-04	1344-05-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-05	1344-05-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-06	1344-05-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-07	1344-05-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-08	1344-05-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-09	1344-05-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-10	1344-05-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-11	1344-05-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-12	1344-05-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-13	1344-05-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-14	1344-05-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-15	1344-05-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-16	1344-05-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-17	1344-05-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-18	1344-05-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-19	1344-05-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-20	1344-05-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-21	1344-05-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-22	1344-05-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-23	1344-05-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-24	1344-05-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-25	1344-05-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-26	1344-05-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-27	1344-05-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-28	1344-05-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-29	1344-05-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-30	1344-05-30	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-05-31	1344-05-31	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-01	1344-06-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-02	1344-06-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-03	1344-06-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-04	1344-06-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-05	1344-06-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-06	1344-06-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-07	1344-06-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-08	1344-06-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-09	1344-06-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-10	1344-06-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-11	1344-06-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-12	1344-06-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-13	1344-06-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-14	1344-06-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-15	1344-06-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-16	1344-06-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-17	1344-06-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-18	1344-06-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-19	1344-06-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-20	1344-06-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-21	1344-06-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-22	1344-06-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-23	1344-06-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-24	1344-06-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-25	1344-06-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-26	1344-06-26	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-27	1344-06-27	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-28	1344-06-28	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-29	1344-06-29	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-06-30	1344-06-30	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-01	1344-07-01	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-02	1344-07-02	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-03	1344-07-03	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-04	1344-07-04	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-05	1344-07-05	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-06	1344-07-06	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-07	1344-07-07	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-08	1344-07-08	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-09	1344-07-09	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-10	1344-07-10	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-11	1344-07-11	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-12	1344-07-12	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-13	1344-07-13	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-14	1344-07-14	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-15	1344-07-15	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-16	1344-07-16	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-17	1344-07-17	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-18	1344-07-18	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-19	1344-07-19	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-20	1344-07-20	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-21	1344-07-21	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-22	1344-07-22	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-23	1344-07-23	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-24	1344-07-24	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-25	1344-07-25	Completed	Welding work on the main gas line.
1344-07-26	1344-07-26	Completed	Welding work on

گفت‌وگوی «مشعل» با رئیس مرکز ارزیابی و سنجش نیروی انسانی شرکت ملی گاز ایران

جذابیت شغلی در مسیر پیچ و خم‌ها



مشعل | مسیر حرفه‌ای همیشه خطی از پیش تعیین شده نیست، گاهی تجربه کردن حوزه‌های مختلف، تغییر مسیر و حتی روبرویی با تردیدهاست که انسان را به جایگاه واقعی خود می‌رساند. برای زنان شاغل، این مسیر می‌تواند پیچیده‌تر باشد، زیرا در کنار نقش حرفه‌ای، مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی نیز حضور دارند. در چنین شرایطی، «توازن کار و زندگی» دیگر یک مفهوم صرفاً مدیریتی یا دانشگاهی نیست، بلکه بخشی از کیفیت زندگی و حتی معنای موفقیت است؛ شیوه‌ای که اکرم سادات موسویان، رئیس مرکز ارزیابی و سنجش نیروی انسانی شرکت ملی گاز ایران، آن را مورد پژوهش و نقشه راه مسیر شغل و زندگی خود قرار داده و در گفت و گو با خبرنگار ماهنامه مشعل به آن پرداخته است.



از خودتان و مسیر کاریتان در صنعت گاز بگویید.
از سال ۱۳۸۶ و در قالب جذب دانش آموختگان ممتاز، وارد صنعت گاز شدم. فعالیت در این صنعت را از مدیریت مالی و حوزه بررسی‌های مالی آغاز و به دلیل مرتبط بودن رشته تحصیلی کارشناسی مدیریت بیمه، مدتی نیز در حوزه بیمه پالایشگاه‌ها و شرکت‌های گاز استانی فعالیت کردم. بعداً تغییر ساختار سازمانی، فعالیت‌های بیمه‌ای از مدیریت مالی جدا شد. به تدریج متوجه شدم کار با اعداد و ارقام، چندان با روحیات و علاقه‌هایم سازگار نیست و احساس می‌کردم هنوز جایگاه حرفه‌ای خود را پیدا نکرده‌ام. با توجه به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، مدتی در امور تخصصی بازرگانی شرکت ملی گاز ایران فعالیت کردم و در زمینه تدوین دستورعمل‌های بازرگانی تجربیات خوبی به دست آوردم، اما همچنان در جست‌وجوی حوزه‌ای بودم که احساس کنم واقعا به آن تعلق دارم. درکل، همه این سال‌ها برای من مسیری سرشار از تغییر، یادگیری و خودشناسی بوده است.

مسیر حرفه‌ای شما مشخص و از پیش تعیین شده نبود؟

خیر. شاید یکی از جذاب‌ترین بخش‌های مسیر حرفه‌ای من همین تغییرها و پیچ‌وخم‌ها بوده است. گاهی تصور می‌کنیم باید از همان روز اول

بدانیم قرار است در چه جایگاهی قرار بگیریم، اما تجربه من نشان داد که شناخت خود و پیدا کردن حوزه مورد علاقه، گاهی در طول مسیر اتفاق می‌افتد. فعالیت خود را از حوزه مالی شروع کردم، تجربه بیمه و بازرگانی را پشت سر گذاشتم و از هر کدام چیزی آموختم. نقطه عطف این مسیر زمانی بود که در آزمون دکترا پذیرفته شدم و در رشته مدیریت دولتی با گرایش رفتار سازمانی ادامه تحصیل دادم. برای من ورود به دنیای رفتار سازمانی، ورود به دنیایی متفاوت بود. در حوزه‌های مالی بسیاری از مسائل بر اساس اعداد، مقررات و دستورعمل‌های مشخص پیش می‌روند، اما وقتی با انسان‌ها سروکار دارید، با انگیزه، شخصیت، ادراک، نگرش، فرهنگ و روابط انسانی مواجه هستید. این پیچیدگی برای من جذاب بود. احساس کردم این همان حوزه‌ای است که می‌توانم دانش مدیریتی خود را در کنار علاقه‌ام به انسان و رفتار او به کار بگیرم. همین علاقه بعدها مسیر شغلی‌ام را به سمت منابع انسانی هدایت کرد.

چه زمانی وارد حوزه منابع انسانی شدید؟

سال ۱۳۹۵ و اواخر دوره تحصیل در مقطع دکترا، به پیشنهاد و راهنمایی رئیس وقت آموزش شرکت ملی گاز ایران، به مدیریت توسعه منابع انسانی، واحد طرح و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، منتقل شدم. ورود به منابع انسانی در واقع ادامه همان علاقه‌ای بود که در رفتار سازمانی پیدا کرده بودم، یعنی شناخت

انسان در سازمان و تلاش برای ایجاد ارتباط مؤثر میان نیازهای فرد، شغل و سازمان. پس از آن وارد حوزه انتصابات شدم و ابتدا در انتصابات بخش گازرسانی و بعد در انتصابات ستاد فعالیت کردم و مسئولیت سرپرستی این حوزه را به عهده گرفتم. در این مسیر، حمایت مدیران و همکاران برایم بسیار مهم بود. خودم هم تلاش می‌کردم هر موضوعی را عمیق فرابگیرم؛ مستندات را مطالعه می‌کردم، نکات را می‌نوشتم و دسته‌بندی می‌کردم. هنوز بعضی از آن دفترچه‌ها را نگه داشته‌ام که برایم یادگاری ارزشمند از سال‌های یادگیری حرفه‌ای هستند.

موضوع توازن کار و زندگی در همین دوره به موضوع رساله دکترای شما تبدیل شد؟

موضوع رساله من «بررسی توازن کار و زندگی در صنعت نفت» بود و پژوهش را با رویکرد کیفی و روش نظریه «داده‌بنیاد» انجام دادم. در جریان پژوهش با مدیران و خبرگان صنعت گفت‌وگو کردم و هرچه بیشتر با تجربه‌های واقعی کارکنان آشنا شدم، بیشتر به این نتیجه رسیدم که توازن کار و زندگی، به خصوص در صنعت نفت و گاز، موضوعی واقعی و جدی است. یکی از نکاتی که برای من بسیار قابل تأمل بود، مسئله هویت شغلی بود. در تجربه برخی مشارکت‌کنندگان پژوهش، کارانقدر با هویت فرد گره خورده بود که پس از پایان خدمت، بازتعریف هویت برایشان دشوار می‌شد. این موضوع نشان می‌دهد که کار برای انسان فقط وسیله کسب درآمد نیست

بلکه می‌تواند بخشی از هویت، روابط اجتماعی و احساس معنا در زندگی باشد.

پس توازن کار و زندگی فقط به معنای کم کردن ساعت کار نیست؟

این برداشت یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش من بود. توازن کار و زندگی رانمی‌توان فقط با این سؤال سنجید که چند ساعت سر کار هستیم و چند ساعت در خانه، مسئله، زمان، انرژی، منابع روانی و عاطفی و حتی هویت فرد است که میان نقش‌های مختلف زندگی توزیع می‌شود. ممکن است فشار یک نقش به نقش دیگر منتقل شود، اما توانمندی‌هایی که در یک نقش به دست می‌آوریم، می‌تواند در نقش دیگر نیز به کمک ما بیاید. در واقع، توازن زمانی شکل می‌گیرد که بتوانیم در نقش‌های مختلف زندگی حضور داشته باشیم، بدون اینکه یکی از آنها به طور مستمر دیگری را تحت تأثیر منفی قرار دهد.

تجربه کارکنان مناطق عملیاتی چه نقشی در شکل‌گیری این نگاه داشت؟

تجربه کارکنان مناطق عملیاتی برای من بسیار آموزنده بود. سال‌هایی که در حوزه منابع انسانی فعالیت داشتم، بارها با کارکنانی مواجه می‌شدم که درخواست انتقال به تهران داشتند. دلایل مختلفی وجود داشت، اما یکی از دلایل مهم، دوری از خانواده بود. شرایط اقماری ممکن است در سال‌های ابتدایی قابل تحمل باشد، اما وقتی سال‌ها دامه‌پیمایی کند، فرد ممکن است احساس کند میان دوراهی کار و زندگی قرار گرفته است. حتی گاه افراد تصمیم می‌گرفتند به شهر دیگری مهاجرت کنند تا بتوانند زندگی شخصی خود را دوباره سامان دهند. این تجربه‌ها برای من روشن کرد که توازن کار و زندگی یک مفهوم صرفاً دانشگاهی نیست؛ موضوعی واقعی است که می‌تواند روی تصمیم‌های مهم زندگی افراد اثر بگذارد.

این مسئله برای زنان شاغل چه ابعاد متفاوتی پیدا می‌کند؟

صنعت نفت و گاز به طور سنتی، صنعتی مردانه است و هنوز هم در برخی موقعیت‌ها می‌توان آثار این پیشینه را مشاهده کرد. در مصاحبه‌هایی که انجام دادم، برایم محسوس بود که زنان معمولاً مسئله توازن کار و زندگی را ملموس‌تر تجربه می‌کردند. یک زن شاغل ممکن است همزمان نقش حرفه‌ای، همسری، مادری و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی دیگری داشته باشد. اگر میان این نقش‌ها هماهنگی ایجاد نشود، فشار ناشی از تعارض نقش‌ها می‌تواند بسیار زیاد شود. از سوی دیگر، گاهی یک زن در محیط کاری احساس می‌کند برای اثبات توانمندی خود باید بیشتر تلاش کند و حتی ممکن است برای نشان دادن اینکه از عهده مسئولیت برمی‌آید، زمان و انرژی بیشتری صرف کار کند.

اما نکته مهم این است که وقتی زن بعد از پایان ساعت کاری به خانه می‌رسد، مسئولیت‌های دیگری همچنان وجود دارد. اگر تمام انرژی فرد در محیط کار مصرف شده باشد، ممکن است انرژی کافی برای زندگی شخصی باقی نماند. در حقیقت زنان در بسیاری از موارد توانایی مدیریت همزمان چند نقش را دارند و این موضوع می‌تواند یک نقطه قوت باشد، اما نباید از این ظرفیت به عنوان دلیلی برای تحمیل مسئولیت بیشتر استفاده کرد. برای اینکه چند نقش بودن به توانمندی تبدیل شود، حمایت خانواده و سازمان ضروری است؛ به طوری که یک زن مجبور نباشد برای موفقیت در هر یک از نقش‌هایش، نقش دیگر را قربانی کند.

شما همزمان کار می‌کردید و تحصیل، چگونه این توازن را برقرار کردید؟

دوره دکترا برای من با کار تمام‌وقت همراه بود.



درس، آزمون جامع و رساله را در کنار مسئولیت‌های شغلی و زندگی شخصی دنبال می‌کردم؛ در این شرایط، خانواده نقش بسیار مهمی داشت. ازدواج با فرد مناسب و اینکه همراهی و درک متقابل در زندگی وجود داشته باشد، خانواده به عنوان یک پشتوانه بسیار مهم می‌تواند برای پیشرفت فرد نقش داشته باشد. همسر من همیشه تلاش کرده است حامی من باشد. این حمایت فقط به معنای انجام یک کار مشخص نیست؛ گاهی همین که بدانید کسی شرایط شما را درک می‌کند و موفقیت شما را موفقیت خودش می‌داند، انرژی بسیار زیادی ایجاد می‌کند؛ به همین دلیل معتقدم نباید همه مسئولیت ایجاد توازن کار و زندگی را به خود فرد واگذار کنیم؛ خانواده و سازمان هر دو در این زمینه نقش دارند.

زنان در بسیاری از موارد توانایی مدیریت همزمان چند نقش را دارند و این موضوع می‌تواند یک نقطه قوت باشد، اما نباید از این ظرفیت به عنوان دلیلی برای تحمیل مسئولیت بیشتر استفاده کرد

برای زنان جوانی که وارد صنعت نفت و گاز می‌شوند، چه پیامی دارید؟

یادگیری را جدی بگیرند. هیچ‌کس فقط با داشتن مدرک یا عنوان شغلی، حرفه‌ای نمی‌شود. باید دائم یاد گرفت، پرسید، مطالعه کرد و از تجربه دیگران بهره گرفت و مهم‌تر این که خود را در مسیر حرفه‌ای شدن گم نکنند. موفقیت شغلی ارزشمند است، اما اگر برای رسیدن به آن زندگی شخصی، خانواده، سلامت روان یا هویت فردی خود را از دست دهیم، باید در تعریف‌مان از موفقیت تجدید نظر کنیم. مسیر حرفه‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که در کنار ایجاد ارزش برای سازمان، خودمان را هم در این مسیر فراموش نکنیم.



روایت «مشعل» از آخرین خداحافظی فرزند همکار منطقه عملیاتی پارسیان

ستاره‌ای که در ۱۰ سالگی جاودانه شد

هلم‌ا، دختری که بارویای قهرمانی والیبال به باشگاه رفت و در غروب تلخ لامرد آسمانی شد



مشعل | حمله به ورزشگاه شهید نعیمی لامرد در ۹ اسفند ۱۴۰۴، برای یک خانواده در دل جنوب، پایان یک زندگی و آغاز سال‌ها داغ و دل‌تنگی بود؛ روایتی تلخ که هرگز پایان نخواهد یافت و اندوهی بزرگ که رد آن تا همیشه بر دیواره‌های شهرسنگینی خواهد کرد. هلم‌ا سادات احمدی زاده، دختر پیرانرزی و دوست‌داشتنی سیدعلی احمدی‌زاده، نیروی پیمانکاری اداره ترابری منطقه عملیاتی پارسیان، آن روز برای تمرین بازی والیبال به ورزشگاه رفته بود، اما سرنوشت، پایانی تلخ برای زندگی کوتاهش رقم زد و او در عصر نخستین روز جنگ با حمله ددمنشانه رژیم آمریکایی- صهیونی آسمانی شد. خبرنگار مشعل در گفت‌وگو با خانواده هلم‌ا، روایت آن روز تلخ را از زبان پدر و مادر و آشنایان این شهیده بازگو کرده است؛ دختری که تنها فرزند خانواده بود و با رفتن مظلومانه، نامش آنگونه که می‌خواست، برای همیشه جاودانه شد.

برای گفت‌وگو با خانواده هلم‌ا، خودم را به اکران فیلم مستند «برای هلم‌ا» به کارگردانی علی تک‌روستادر مرکز مستند سوره رساندم تا روایت تصویری این مستندساز جوان را از آن روز تلخ ببینم، فضای سالن نمایش سنگین و حزن آلود بود. تماشای مستند زندگی دختری ۱۰ ساله، آن هم در کنار خانواده‌اش، آسان نبود.

فیلم با تصاویری چشم‌نواز از نخل‌ها و فضای گرمسیری لامرد در استان فارس آغاز می‌شود و قصه زندگی هلم‌ا را روایت می‌کند؛ دختری که عمرش کوتاه بود، اما به بلندآوازی رسید.

کارگردان با هنرمندی، گفت‌وگوهای پدر و دختر،

خاطرات هم‌کلاسی‌های هلم‌ا و تصاویر دردناک آن عصر سیاه را در کنار هم نشانده بود؛ چنان‌که کمتر تماشاگری می‌توانست چشم از پرده بردارد و در برابر هجوم بغض و اشک تاب بیاورد، هرچه فیلم پیش می‌رفت، صدای گریه و آندوه خانواده و آشنایان هلم‌ا در سالن می‌پیچید؛ گویی آن حادثه تلخ بار دیگر پیش چشمانشان تکرار می‌شد. با وجود گذشت بیش از ۶ ماه از آن روز، بغض‌های فروخورده نشان می‌داد زخم این ماجرا همچنان عمیق و تازه است.

هلم‌ا در فیلم، دختری شاد، ورزشکار، عاشق والیبال و سرزنده به تصویر کشیده شده است؛ دختری که حضورش امیدی بزرگ در دل خانواده سیدعلی بود، اما این جوانه‌های زندگی و نوجوانی، ناگهان با بمباران سالن ورزشی لامرد در هم شکست و صفحه



زندگی خانواده را به تاریکی عمیقی کشاند.

روایت کارکنان بیمارستان شهر لامرد نیز یکی از تلخ‌ترین بخش‌های فیلم بود؛ آنجا که می‌گفتند ظاهر هلم‌ا پس از حادثه، بسیار آرام و تمیز بوده و اثری از خونریزی یا ترکش روی بدنش دیده نمی‌شده، اما چهره‌اش به شدت رنگ‌پریده و زرد شده بود. همین روایت کوتاه، بیش از هر تصویر دیگری، تلخی و هولناکی آن لحظه را نشان می‌داد.

با بانرو، پیشم بمان

بعد از اکران فیلم، سراغ سیدعلی احمدی‌زاده، پدر هلم‌ا رفتم تا روایت آسمانی شدن دخترش را از زبان او بشنوم؛ او که ۶ ماه است داغ تنها فرزندش بر دلش سنگینی می‌کند، بالحنی آرام، اما میخسته به بغض می‌گوید: آن روز وقتی هلم‌ا را مدرسه برگشت،

با ذوق و شوق گفت که می‌خواهد به کلاس تمرین والیبال برود. حدود ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه ساک ورزشی‌اش را برداشت و گفت: بابا بریم. او را به سالن رساندم. حدود ساعت چهار به سالن تمرین رسیدیم. معمولاً وقتی می‌رسیدیم، از من می‌پرسید که می‌روم یا می‌مانم، اما آن روز گفت بابا نرو، پیشم بمان. شاید قرار بود همان چند دقیقه همدیگر را ببینیم.

پدر هلم‌ا ادامه می‌دهد: حدود ۱۰ دقیقه پس از شروع تمرین، هلم‌ا به تلفن همراهم زنگ زد و گفت: بابا، می‌آیی دنبالم؟

من که فکر می‌کردم منظورش بعد از پایان کلاس است. گفتم: حتما می‌آیم و از هم خداحافظی کردیم. اما گویا هلم‌ا حالش در آن روز بخاطر اینکه دوستانش نیامده بودند مساعدت‌تمرین کردن نبوده و برروی سکو سالن نشسته بوده و منتظر من بوده که دنبالش بروم. اما دیگر زنگی نزد. وی ادامه می‌دهد: بعدها با خودم فکر کردم شاید من تنها کسی بودم که آن روز با او خداحافظی کردم.

حدود ساعت ۱۷ و ۱۰ دقیقه پدر آماده شده بود تا هلم‌ا را از سالن تمرین به خانه بازگرداند، اما پیش از حرکت، صدای انفجاری مهیب شنید که بسیار نگران‌ش کرد.

سید علی احمدی زاده می‌گوید: در آن زمان سه صدا شنیدم. دو صدا شبیه به زمین‌لرزه بود. صدای سوم به قدری شدید و نزدیک بود که احساس کردم در ۱۰۰ یا ۲۰۰ متری از من زلزلان رخ داده است.

وی ادامه می‌دهد: همسر من همان لحظه گفت: علی، هلم‌ا را از دست دادیم، اما من امیدوار بودم که چنین اتفاقی نیفتاده باشد. هر دو با عجله به سمت سالن والیبال حرکت کردیم و از صحنه‌ای که دیدیم، برخود لرزیدیم. سالن ورزشی مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفته و آنجا را با خاک یکسان کرده بود؛ آن وقت بود که فهمیدیم هلم‌ا از پیش ما رفته است.

وقتی از پدر هلم‌ا درباره ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری دخترش پرسیدم، گفت: هلم‌ا اگرچه فقط ۱۰ سال داشت، اما مثل یک فرد بزرگسال رفتار می‌کرد.

خیلی پیرانرزی و پرجنب‌وجوش بود. در کارهای خانه به من و مادرش کمک می‌کرد. اگر ماشین می‌شستم، کنارم می‌ماند و اگر مادرش کاری داشت، به او کمک می‌کرد. به نظم و تمیزی خیلی اهمیت می‌داد و هر وسیله‌ای را سر جای خودش می‌گذاشت.

پدر هلم‌ا می‌گوید: والیبال یکی از مهم‌ترین علاقه‌مندی‌های ورزشی هلم‌ا بود و خانواده هم با توجه به سابقه ورزشی که در آن وجود داشت، از این انتخاب او حمایت می‌کرد.

دوست داشتم هلم‌ا فوتبالیست شود، اما با علاقه‌ای که به والیبال داشت، این رشته را انتخاب کرد. من هم حمایت کردم و از او خواستم هر رشته‌ای که دوست دارد، فعالیت کند و همین شد که وارد عرصه والیبال شد.

هلم‌ا همچنین دخترعمویش، سیدزهراراکه عضو یک تیم فوتبال بود، الگوی خود می‌دانست.

پدرش در این باره نیز می‌گوید: هلم‌ا دخترعمویش را خیلی دوست داشت و همیشه در اینترنت و فضای مجازی نام سیدزهراراکه جست‌وجو می‌کرد و



هر دو با عجله به سمت سالن والیبال حرکت کردیم و از صحنه‌ای که دیدیم، برخود لرزیدیم. سالن ورزشی مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفته و آنجا را با خاک یکسان کرده بود؛ آن وقت بود که فهمیدیم هلم‌ا از پیش ما رفته است

وقتی عکس او را می‌دید، می‌گفت: بابا می‌شود من هم یک روز مثل آبیی زهرار معروف شوم؟ و این جمله را بارها تکرار می‌کرد.

پدر هلم‌ا ادامه می‌دهد: فکر می‌کردم درباره رویاها و آینده‌اش حرف می‌زند، اما نمی‌دانستم قرار است این قدر زود نامش بر سر زبان‌هایفتد.

مامان، می‌خواهم باشگاه بروم

وقتی نوبت به صحبت با نادیا نکوخیزا (مادر هلم‌ا) رسید، دیگر توانی برای سخن گفتن نداشت؛ گویی خاطرات آن روز تلخ را بارها در ذهن مرور و زمزمه کرده بود. با اصرار دعوت به گفت‌وگو را پذیرفت و کوتاه از آن روز تلخ گفت: روزی که هلم‌ا او و همسرش، آسمانی شده بود.

مادر هلم‌ا می‌گوید: آن روز وقتی هلم‌ا از مدرسه برگشت، مثل همیشه نبود. کمی خوابید و

بعد بیدار شد. دسری را که دوست داشت، برایش آماده کرده بودم، خورد و آماده رفتن به باشگاه برای تمرین والیبال شد.

وی با تاکید بر این نکته که دخترش با وجود سن کم، استقلال و مسئولیت‌پذیری زیادی داشت، ادامه می‌دهد: هلم‌ا برای من فقط یک دختر ۱۰ ساله نبود؛ عqlش خیلی بیشتر از سنش بود. وقتی از مدرسه برمی‌گشت، لباسش را مرتب آویزان می‌کرد، جوراب‌هایش را تا می‌کرد و بعد می‌آمد و می‌پرسید که غذا چیست؟ خیلی فعال بود و هیچ‌وقت خستگی را در او نمی‌دیدیم.

بغض راه‌گلو‌ی مادر هلم‌ا بسته بود و امان نمی‌داد تلخی‌های آن روز را به زبان آورد؛ گویی واژه‌ها هم در برابر داغ سنگینی که بردل داشت، تاب نمی‌آوردند و دیگر ادامه نداد.

هلم‌ا دیگر در میان ما نیست

خاله هلم‌ا، نفر بعدی در این گفت‌وگو بود. او هلم‌ا را دختری شاد و پیرانرزی معرفی می‌کند و ادامه می‌دهد: اگر در جمعی بودیم یا به خانه ما می‌آمد، دوست داشت با بچه‌ها بازی کند. به آراستگی و پاکیزگی اهمیت زیادی می‌داد.

او درباره علاقه هلم‌ا به والیبال می‌گوید: وقتی از هلم‌ا پرسیدم چرا والیبال، برو کلاس زبان گفت ورزش را خیلی دوست دارد. قصه زندگی هلم‌ا همین قدر کوتاه، به پایان رسید؛ برای پدری که روزهای متمادی پایش را روی پدال گاز زندگی فشرده تا خواسته‌های دخترش را برآورده و آینده‌اش را بسازد و برای مادری که با عشق، او را تا ۱۰ سالگی رساند، به امید آنکه با بالندگی و موفقیتش رابیش از این ببیند، اما موشک دشمن آمریکایی، حقیقتی را به رخ کشید که مدعیان حقوق بشر چشم بر آن بسته‌اند؛ حقیقت خانواده‌ای در دل جنوب ایران که قربانی سکوت و چشم‌فروستن‌هایی شده که همچنان ادامه دارد.

بزرگ‌ترین مرکز سلامت خانواده صنعت نفت،
در خدمت‌رسانی گوی سبقت رار بوده است

ضربان زندگی در درمانگاه آزادی



شمس | کنار میدان نام‌آشنای آزادی تهران، جایی که یکی از نقاط پرتردد شهر به شمار می‌رود، درمانگاهی وجود دارد که نه تنها مرکز درمانی است؛ بلکه مأمن و پناهگاه ۲۱ هزار نفر از جمعیت تحت پوشش صنعت نفت در منطقه غرب پایتخت است که با ورود به آن و مشاهده برخورد محترمانه کارکنان با مراجعه‌کنندگان، می‌توان مفهوم واقعی همدلی، مسئولیت‌پذیری و خدمت به بیماران را از نزدیک درک کرد. این درمانگاه که روی سردر ورودی آن، کلمه "آزادی" خودنمایی می‌کند، با داشتن کلینیک‌های دندانپزشکی، غدد، ریه، روماتولوژی، واریس، قلب، داخلی، دیابت، اطفال، زنان، ارتوپدی، سونوگرافی، پوست و مو، چشم، طب فیزیکی و بخش‌های دیگر مثل ترک اعتیاد و سیگار، طب سنتی، اعصاب و روان، نورولوژی، اورولوژی، جراح عمومی، حرکات اصلاحی، مشاوره و اپتومتری، بزرگ‌ترین مرکز سلامت خانواده صنعت نفت به شمار می‌رود که به گفته امیرمحسن مرتضوی، رئیس این مرکز درمانی، پذیرای روزانه یک‌هزار نفر مراجعه‌کننده از جمعیت تحت پوشش است که در طول جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه هم در خط مقدم ایثار ایستاده بود. همین موضوع خبرنگار شمس را برآن داشت تا در بازدید میدانی از این مرکز، به گفت و گو با کارکنان خدمت آن بپردازد.

خنکای سالن انتظار درمانگاه آزادی صنعت نفت تهران، به استقبال می‌آید و وارد دنیای امید، زندگی و تلاش برای بهتر بودن می‌شوم؛ دنیایی که پزشکان، پرستاران و همه کارکنان آن با وجود حجم بالای کار، با صبر و حوصله به بیماران رسیدگی می‌کنند تا همه آنها پس از دریافت خدمات درمانی، با لبخند و امید به خانه برگردند. اینجاست که می‌آموزیم درمان، تنها به تجویز دارو محدود نمی‌شود؛ گاهی یک رفتار محترمانه، یک لبخند یا چند دقیقه گوش دادن به درد دل بیمار، می‌تواند بخش مهمی از روند بهبود او باشد.

امید به درمان و بهبود

در سالن انتظار، هر بیمار داستانی دارد؛ یکی از درد بی‌امان کمر و پا می‌گوید و دیگری چند صبحی است ریتم قلبش ناکوک شده است؛ اما وجه مشترک همه آنها، امید به درمان و بهبودی است و خوشحالند از اینکه پرونده پزشکی دارند و هر آنچه پزشک باید از شرح حالشان بداند، در آن نوشته شده است؛ پرونده‌های پزشکی که امیرمحسن مرتضوی، رئیس درمانگاه آزادی صنعت نفت تهران درباره آن چنین می‌گوید: «در این مرکز که بزرگ‌ترین پلی کلینیک صنعت نفت به شمار می‌رود و در ۱۰ هزار مترمربع واقع شده، ۲۱ هزار نفر جمعیت تحت پوشش زیر نظر ۸ پزشک خانواده دارای پرونده الکترونیک هستند و بیماری آنان به صورت کامل کنترل و پیگیری و در صورت نیاز، فرآخوان برای مراجعه مجدد به آنان داده می‌شود. به طور متوسط روزانه یک‌هزار نفر در ۲۴ کلینیک تخصصی و فوق تخصصی این درمانگاه ویزیت می‌شوند که برابر اطلاعات پرونده آنان، ۶۰ درصد آنها، افراد مسن و بازنشسته هستند.»



مرتضوی که در این بازدید میدانی مرا همراهی می‌کند، یادآور می‌شود: «واحد اورژانس به صورت شبانه‌روزی در تمام شرایط، آماده خدمت‌رسانی است. نمونه آن در طول جنگ و بحران بود که با انتخاب مکانی در بخش پارکینگ درمانگاه و قراردادن ۲۰ تخت اورژانس با تمام امکانات درمانی، پیش‌بینی هرگونه خدمات‌رسانی اورژانسی به جمعیت تحت پوشش و سایر هموطنان را کرده بودیم. به طورکلی، تمامی خدمات درمانی در همین درمانگاه به بیمار ارائه می‌شود و به این دلیل که در اینجا واحد بستری موقت داریم، بیمار در موارد خاص برای بستری کامل به بیمارستان فوق تخصصی نفت تهران ارجاع داده می‌شود که با آمبولانس بسیار مجهزی که در اختیار داریم، این اقدام صورت می‌گیرد.» به گفته رئیس درمانگاه صنعت نفت آزادی، ۲۴ کلینیک تخصصی و فوق تخصصی شامل دندانپزشکی، غدد، ریه، روماتولوژی، واریس، قلب، داخلی، دیابت، اطفال، زنان، ارتوپدی، سونوگرافی، پوست و مو، چشم، طب فیزیکی، ترک اعتیاد و سیگار، طب سنتی، اعصاب و روان، نورولوژی، اورولوژی، جراحی عمومی، حرکات اصلاحی، مشاوره و اپتومتری پذیرای خدمت‌رسانی به مراجعه‌کنندگان هستند که کلینیک ترک اعتیاد و سیگار و طب سنتی به‌تازگی به این مجموعه اضافه شده و اینجا تنها مرکز سلامت خانواده صنعت نفت است که این کلینیک‌ها در آن دایر هستند. همچنین واحد دندانپزشکی با ۸ یونیت، روزانه پذیرای ۹۰ بیمار در دو شیفت صبح و عصر هستند.

وی ادامه می‌دهد: «برای حفظ شرایط روحی و جسمی کارکنان درمانگاه، یک سالن ورزشی با دستگاه‌ها و امکانات مناسب به همراه مربی ورزش در نظر گرفته شده تا همکاران در صبح اول وقت یا پایان وقت اداری، بتوانند از آن استفاده و با روحیه بانشاط‌تری خدمت‌رسانی کنند؛ زیرا رضایتمندی بیماران شرط اول کاری کادر درمان است، ضمن اینکه سرای کتاب آزادی هم با مجموعه کتاب‌های متنوع در سالن انتظار قرار دارد تا هم مراجعه‌کنندگان و هم کارکنان، فرصت مطالعه راز دست ندهند.»

۶۰ نمونه‌گیری در روز



آزمایشگاه بعد از کلینیک‌های تخصصی و فوق تخصصی، تکمیل‌کننده ادامه مسیر درمان محسوب می‌شود که این بخش در درمانگاه صنعت نفت آزادی واقع در طبقه زیر همکف، کاملاً مجهز و روزانه پذیرای بیش از ۶۰ مراجعه‌کننده است. در باب اهمیت این بخش همان بس که به گفته احسان نبی‌پور، مسئول



آزمایشگاه درمانگاه صنعت نفت آزادی، تمام آزمایش‌ها با دستگاه‌ها و دقت لازم در همین بخش انجام می‌شود و تقریباً مجزا و بی‌نیاز از بیمارستان فوق تخصصی صنعت نفت است؛ البته در موارد خاص یعنی آزمایش‌های هورمونی که خیلی تخصصی هستند، بیمار به بیمارستان ارجاع داده می‌شود. وی یادآور می‌شود: «آزمایشگاه با پنج متخصص در حوزه آزمایشگاهی از ساعت ۷ تا ۱۰ صبح مشغول نمونه‌گیری و سپس انجام آزمایش هستند و تلاش بر این است که باظرافت و دقت هرچه‌تمام‌تر، نمونه‌های بیماران بررسی شود.

مرهم درمان



به طبقه همکف برمی‌گردم؛ جایی که داروخانه درمانگاه در گوشه سالن خودنمایی می‌کند و بیماران روی صندلی‌های انتظار مقابل پیشخوان نشسته‌اند تا بعد از شنیدن نامشان از بلندگوی داروخانه، داروی خود را دریافت کرده و راهی خانه شوند. میلاد مقیمی، مسئول داروخانه درمانگاه صنعت نفت آزادی درباره مدت زمان انتظار برای دریافت دارو می‌گوید: «همان گونه که تلاش کرده ایم بیماران در صف انتظار دارو زیاد معطل نشوند، درصد خطا در تحویل دارو را هم به شدت کاهش داده‌ایم که خوشبختانه، بنا بر نظرسنجی‌ها، میزان رضایت مراجعه‌کنندگان به شدت افزایش یافته است.» به گفته او، تعداد نسخه‌هایی



که در این بخش پیچیده می‌شود، روزانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نسخه است. مسئول داروخانه درمانگاه صنعت نفت آزادی، درباره مدیریت دارویی درمانگاه هم این‌گونه توضیح می‌دهد: «به دلیل تحریم‌های ظالمانه، سعی کرده‌ایم همواره ذخیره دارویی مان تکمیل باشد؛ اما گاه در تأمین داروهای خاص برای مراجعه‌کنندگان دچار مشکل شده و مجبور می‌شویم بیمار را به داروخانه‌های بیرون ارجاع دهیم.» مقیمی یادآور می‌شود: «بیشتر مراجعه‌کنندگان، بازنشستگان صنعت نفت هستند و برابر تصمیم سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، توزیع داروهای ضروری برای مدت ۶۰ روز است.»

پرستاران، پروانه‌ای دور بیماران



در هر مرکز درمانی، بخش پرستاری از آن بخش‌هایی است که بوی آرامش و امنیت می‌دهد و باعث می‌شود بیمار با خیالی آسوده، دل به درمان بدهد؛ بخشی که به گفته سعید فرج‌زاده، سرپرستار درمانگاه صنعت نفت آزادی نقش پررنگی در این درمانگاه ایفا می‌کند. وی ادامه می‌دهد: «۸ تخت اورژانس و ۲۰ تختی که به‌خاطر بحران در طبقه زیر همکف این درمانگاه وجود دارد، همواره پذیرای بیماران بستری موقت است و به همین منظور، ۱۳ پرستار و ۴ کمک‌بهیار پروانه‌وار مشغول خدمت هستند. البته به نسبت استانداردهای بین‌المللی، کمبود نیرو به‌شدت



احساس می‌شود، به خصوص که این درمانگاه در حال توسعه است، اما با همین تعداد نیرو، سعی شده خللی در ارائه خدمت ایجاد نشود.» فرج‌زاده درباره کشیک‌های پرستاران هم می‌گوید: «دو پرستار در کشیک‌های عصر و شب و ۶ پرستار در کشیک صبح‌ها حاضر هستند تا کلینیک‌ها و اتاق عمل را پوشش دهند. در بازه زمانی جنگ ۴۰ روزه هم کشیک‌ها با ۱۰۰ درصد نیرو فعال بود تا اگر فوریتی پیش آمد، سریع اقدامات لازم را انجام دهند.» سرپرستار درمانگاه صنعت نفت آزادی یادآور می‌شود: «تمامی پرسنل درمانگاه همواره پای‌کار بوده و هستند، اما به طور حتم اعمال موارد تشویقی، انگیزه کار را بالاتر خواهد برد.»

فعالیت ۱۰ دستگاه دیالیز



در میان بخش‌ها و کلینیک‌های درمانگاه صنعت نفت آزادی، بخش دیالیز به عنوان تنها بخش فعال در سطح تهران، خودنمایی می‌کند که چند بیمار در آن بستری و دستگاه‌های دیالیز، برای‌شان فعال است. به سراغ یکی از این افراد بستری شده می‌روم؛ بانویی حدوداً ۷۰ ساله که دست روزگار او را به اینجا کشانده است. او با بیان این‌که از اردیبهشت ۱۴۰۲ تاکنون به بخش دیالیز مراجعه می‌کند و خدمات می‌گیرد، اظهار می‌کند: «دلیل دیالیزی شدنم، ابتلا به سرطان سینه بود که شیمی‌درمانی، روی کلیه‌هایم تأثیر گذاشت. اوایل با ترس و لرز می‌آمدم؛ اما رفتار مهربانانه و

فیزیوتراپی و کاردرمانی به مامی پیوند و درباره عملکرد این واحد می‌گوید: «در بخش فیزیوتراپی ابتدا به ارزیابی بیمار می‌پردازیم تا بدانیم علت اصلی مراجعه چیست؛ مثلاً آسیب‌های عصبی بوده یا مشکلات اسکلتی دارند، سپس دوره درمان شروع و در مورد افرادی هم که بر اثر تصادف یا هر علت دیگری دچار شکستگی دست و پا و غیره شده‌اند هم الکتروتراپی انجام می‌شود که متأسفانه در سال‌های اخیر، بیشترین مراجعه به بخش فیزیوتراپی همین است.»

وی درباره تعداد مراجعه روزانه به این بخش هم عنوان می‌کند: «برابر استاندارد جهانی، مراجعه ۱۳ نفر در روز تعریف شده است، اما در این درمانگاه روزانه ۷۰ مراجعه‌کننده داریم که اقدامات لازم برای آنان صورت می‌گیرد. ضمن اینکه بیشتر بیماران ما یعنی حدود ۶۰ درصد، سه عضو اندامشان نیاز به فیزیوتراپی یا کاردرمانی دارد و این کار را دوچندان می‌کند.» مهدیه میرنام، مسئول رادیولوژی درمانگاه



درمانگاه آزادی

بزرگ‌ترین پلی‌کلینیک صنعت نفت به شمار می‌رود و در ۱۰ هزار مترمربع واقع شده، که ۲۱ هزار نفر جمعیت تحت پوشش آن زیر نظر ۸ پزشک خانواده دارای پرونده الکترونیک هستند

استخوان و غیره پذیرش می‌شوند. در هنگامه جنگ ۴۰ روزه هم به‌طور کامل در خدمت مراجعه‌کنندگان بودیم.» میرنام ادامه می‌دهد: «تمام تلاش خود را به کار برده‌ایم تا مدت‌زمان انتظار بیماران به حداقل برسد و همان‌طور که مشاهده می‌کنید دلیل خلوت بودن اینجا همین است.

نکته حائز اهمیت اینکه پزشک بیماران می‌تواند در تمامی سیستم درمانی نفت، تصویربرداری انجام شده را ببیند و برای بیمار خود اقدام‌های لازم را انجام دهد.»

مشاهده میدانی درمانگاه صنعت نفت آزادی، تجربه بسیار ارزشمندی برای من بود؛ زیرا افزون بر آشنایی با فضای یک مرکز درمانی، اهمیت مهربانی، مسئولیت‌پذیری و خدمت‌صادقانه به بیماران راز نزدیک احساس کردم. باور دارم که درمانگاه آزادی صنعت نفت، افزون بر ارائه خدمات درمانی، محیطی است که در آن، امید به زندگی و اعتماد میان بیماران و کادر درمان شکل می‌گیرد و همین موضوع، ارزش آن را دوچندان می‌کند.

از کاوش درونی تا حرکات اصلاحی



اتاق حرکات اصلاحی در بخش فیزیوتراپی با آن وسایل ورزشی خاصی که داشت، جذبم کرد؛ وسایل ورزشی چوبی، توپ‌های رنگی و بازی‌های نرمشی و فکری که نگاه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کرد. طاهره نجفی، مسئول بخش

امید در مدار ۵۰ درجه

۷۳ درصد کارکنان توحید جم بدون فرسودگی همچنان در خط مقدم درمان ایستاده اند



مشعل | در قلب سرزمینی که در کنار خلیج همیشه فارس آرام گرفته؛ جایی که تابستان‌هایش با گرمای طاقت‌فرسا و دمای نزدیک به ۵۰ درجه سانتی‌گراد شناخته می‌شود، کارکنان بیمارستان توحید جم صنعت نفت بوشهر به معنای واقعی تاب‌آوری را زندگی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند خستگی بر لبخندشان غلبه کند؛ کارکنانی که هر روز روایتی تازه از تعهد، مسئولیت‌پذیری و امید رقم می‌زنند.

پزشکان، پرستاران و کارکنان درمانی که آرامش بیماران برایشان بزرگ‌ترین پاداش است، در گرمایی که طبیعت آن را سخت کرده، دل‌هایشان گرم‌تر از همیشه برای خدمت می‌تپد. اینها تعاریفی هستند است که بر پایه نتایج یک پژوهش میدانی با مشارکت ۲۶۲ نفر از کارکنان بیمارستان توحید جم به رشته تحریر درآمده و نشان می‌دهد که سطح فرسودگی شغلی در میان کارکنان این مرکز نسبت به دیگر بیمارستان‌های کشور، پایین‌تر است و بخش قابل‌توجهی از کارکنان از رضایت و توانمندی حرفه‌ای مطلوبی برخوردارند.

ایرج جامه بزرگی، رئیس سلامت کار و اچ‌اس‌ای بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر و از طراحان اصلی این مطالعه در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» به تشریح این پژوهش میدانی پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

در شرایطی که فشارهای شغلی در نظام سلامت، به یکی از نگرانی‌های جدی مدیران بهداشتی تبدیل شده است، نتایج یک پژوهش میدانی در بیمارستان توحید جم از مراکز درمانی بهداشت و درمان صنعت نفت در استان بوشهر، تصویری امیدوارکننده از وضعیت سلامت شغلی کارکنان این مرکز ارائه و نشان می‌دهد با وجود حجم بالای خدمات پزشکی و فشار کاری در شرایط اقلیمی خاص این منطقه، وضعیت سلامت شغلی این کارکنان در مقایسه با برخی آمارهای ملی و

مطالعات انجام شده در دیگر بیمارستان‌ها، قابل‌توجه است.

رئیس سلامت کار و اچ‌اس‌ای بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر درباره این پژوهش می‌گوید: پس از پژوهش میدانی بررسی سلامت روان و سلامت شغلی کارکنان بیمارستان توحید جم بهداشت و درمان صنعت نفت شغلی، سلامت روان و تحلیل داده در بهداشت و درمان صنعت نفت و با مشارکت ۲۶۲ نفر از کارکنان این مرکز درمانی صورت گرفت، مشخص شد که سطح فرسودگی شغلی در میان پرسنل این مرکز در مقایسه با برخی مطالعات انجام شده در دیگر بیمارستان‌های کشور، پایین‌تر است و بخش قابل‌توجهی از کارکنان از رضایت و توانمندی حرفه‌ای مطلوبی برخوردارند.

پرستاران در خط مقدم سنجش

ایرج جامه بزرگی درباره ترکیب جمعیتی شرکت‌کنندگان در این پژوهش یادآور می‌شود: در این پژوهش از پرسشنامه استاندارد ماسلاخ (MBI-۲۲) استفاده شده که یکی از معتبرترین ابزارهای سنجش فرسودگی شغلی در مطالعات علمی جهان به شمار می‌رود. این ابزار سه مؤلفه اصلی فرسودگی شغلی، یعنی فرسودگی عاطفی، مسخ شخصیت و کفایت شخصی را بررسی می‌کند و پاسخ‌دهندگان، تجربه‌های شغلی خود را در مقیاس هفت‌درجه‌ای از «هرگز» تا «هر روز» ارزیابی کردند. ترکیب جمعیت مورد مطالعه نیز نماینده طیف واقعی کارکنان بیمارستان بود؛ به طوری که پرستاران با ۶۰٫۳ درصد بیشترین سهم را داشتند، پس از آن پزشکان با ۲۲٫۱ درصد، کادر بیهوشی ۷٫۲

درصد، بهیاران ۵٫۳ درصد، اتاق عمل ۱۰٫۵ درصد و کارکنان اداری ۳۰٫۴ درصد قرار داشتند. همچنین ۵۵٫۳ درصد شرکت‌کنندگان زن و ۴۴٫۷ درصد مرد بودند و بیشترین گروه سنی در بازه ۳۰ تا ۵۰ سال قرار داشت.

آمارهای امیدبخش

رئیس سلامت کار و اچ‌اس‌ای بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر با اشاره به اینکه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میانگین فرسودگی عاطفی در کارکنان بیمارستان توحید جم ۱۰٫۷۹ از حداکثر ۵۴ بود که در سطح «کم» ارزیابی می‌شود، توضیح می‌دهد: این شاخص برای حرفه‌هایی مانند پرستاری و پزشکی که با فشارهای عاطفی مداوم مواجه هستند، قابل‌توجه است. در شاخص مسخ شخصیت نیز میانگین نمره ۱۰٫۹۶ از حداکثر ۳۰ ثبت شد که در سطح «بسیار کم» قرار دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد اکثریت کارکنان همچنان با حس مسئولیت و ارتباط انسانی مناسب با بیماران فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، میانگین کفایت شخصی ۴۰٫۰۵ از حداکثر ۴۸ به دست آمد که بیانگر سطح بالای رضایت حرفه‌ای و احساس توانمندی در میان کارکنان است؛ عاملی که ارتباط مستقیمی با کیفیت ارائه خدمات درمانی دارد.

وی درباره تحلیل توزیع سطوح فرسودگی شغلی کارکنان بیمارستان توحید جم بوشهر توضیح می‌دهد: بر اساس داده‌ها، ۲۷٫۱ درصد کارکنان هیچ نشانه‌ای از فرسودگی شغلی نداشتند، ۴۶٫۶ درصد در سطح پایین بودند، ۲۲٫۰ درصد فرسودگی متوسط و تنها ۴٫۲ درصد در سطح بالا قرار داشتند. به این ترتیب، بیش از ۷۳ درصد از کارکنان در



وضعیت مطلوب سلامت شغلی قرار دارند. همچنین تحلیل‌های آماری نشان داد که تفاوت معناداری میان بخش‌های مختلف بیمارستان از نظر فرسودگی عاطفی وجود ندارد. رئیس سلامت کار و اچ‌اس‌ای بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر با تأکید بر اینکه اهمیت این نتایج زمانی روشن‌تر می‌شود که در کنار داده‌های ملی قرار گیرد، توضیح می‌دهد: در یک مطالعه مروری نظام‌مند بر ۳۲ پژوهش درباره پرستاران ایران، شیوع کلی فرسودگی شغلی حدود ۲۵ درصد گزارش شده است. در مطالعه‌ای دیگر که روی ۵۰۵ پرستار در چند بیمارستان خصوصی تهران انجام شد، ۶۰٫۴۶ درصد واماندگی عاطفی شدید و ۲۳٫۶۳ درصد احساس کفایت پایین گزارش شده بود. پژوهشگران در آن مطالعه، نبود تناسب میان حقوق و کارانه با میزان کار را یکی از عوامل مهم ایجاد فرسودگی معرفی کردند.

آرامش نسبی در محیطی پرفشار

به گفته جامه بزرگی، این وضعیت مطلوب سلامت شغلی در حالی ثبت شده که بیمارستان توحید جم، یکی از پرتراکم‌ترین مراکز درمانی منطقه جنوب کشور است. مراجعان این بیمارستان، کارکنان و خانواده‌های صنعت نفت و همچنین جمعیت بومی پیرامونی از استان بوشهر و ۲ استان همجوار فارس و هرمزگان هستند که براساس آمار عملکرد سالانه سال ۱۴۰۴، در این مرکز انجام بیش از ۱۰۸ هزار ویزیت تخصصی در بیش از ۲۰ رشته پزشکی، ۵ هزار و ۳۸۶ مورد بستری، ۳ هزار و ۲۴۹ عمل جراحی، حدود ۵۵ هزار آزمایش و ۲۳ هزار خدمت تصویربرداری ثبت شده است. همچنین ضریب اشغال تخت در این بیمارستان ۷۵ درصد و در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) حدود ۹۲ درصد گزارش شده که نشان‌دهنده بار کاری قابل‌توجه در

این مرکز است. این در حالی است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بیمارستان توحید جم توانسته در کنار ارائه حجم بالای خدمات درمانی، سطح مناسبی از سلامت شغلی و رضایت حرفه‌ای را در میان کارکنان خود حفظ کند؛ الگویی که می‌تواند برای سایر مراکز درمانی نیز قابل بررسی و بهره‌برداری باشد. وی با تأکید بر اینکه وضعیت مطلوب فعلی نیازمند مراقبت و پایش مستمر است، چند پیشنهاد اجرایی ارائه و عنوان می‌کند: تدوین برنامه‌های ارتقای سلامت سازمانی، ارائه خدمات مشاوره شغلی برای کارکنانی که نشانه‌های فرسودگی دارند، پایش مستمر عوامل سازمانی مؤثر بر استرس شغلی و برگزاری کارگاه‌های مدیریت استرس و تعادل کار و زندگی از جمله کارهایی است که به تداوم وضعیت مطلوب کمک می‌کند. این امر ضروری است، زیرا فرسودگی شغلی نه تنها بر کیفیت زندگی و سلامت عمومی کارکنان، بلکه بر ایمنی بیماران و کیفیت خدمات درمانی نیز اثر مستقیم دارد.

پژوهش میدانی بررسی سلامت روان و سلامت شغلی کارکنان بیمارستان توحید جم بهداشت و درمان صنعت نفت بوشهر با همکاری جمعی از متخصصان حوزه سلامت شغلی، سلامت روان و تحلیل داده بهداشت و درمان صنعت نفت همچون سعیدگران‌بی، متخصص اعصاب و روان و رئیس شورای تخصصی سلامت روان صنعت



در شرایطی که فشارهای شغلی در نظام سلامت، به یکی از نگرانی‌های جدی مدیران بهداشتی تبدیل شده، نتایج یک پژوهش میدانی در بیمارستان توحید جم استان بوشهر تصویری امیدوارکننده از وضعیت سلامت شغلی کارکنان این مرکز ارائه می‌دهد

نفت که حوزه فعالیت حرفه‌ای وی بر سلامت روان کارکنان، مدیریت استرس‌های شغلی و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه برای کاهش پیامدهای روانی محیط کار استوار است، رامین سعادتیان، پزشک عمومی و رئیس آموزش و پژوهش بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر که در هدایت علمی، برنامه‌ریزی پژوهشی و هماهنگی اجرای این مطالعه نقش داشته و تمرکز فعالیت‌های او بر توسعه مرکز فعالیت‌های کاربردی و ارتقای ظرفیت‌های علمی در مراکز درمانی صنعت نفت است، ایرج جامه بزرگی، متخصص طب کار و بیماری‌های شغلی و رئیس سلامت کار و اچ‌اس‌ای بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر

که از طراحان اصلی این مطالعه بوده و فعالیت‌های علمی و اجرایی وی بر ارتقای سلامت شغلی کارکنان، پیشگیری از بیماری‌های ناشی از کار و توسعه برنامه‌های ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در محیط‌های کاری متمرکز است و ولید منشدیس، کارشناس تحلیل و آنالیز داده‌ها در بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر که مسئولیت پردازش داده‌ها، تحلیل آماری و پشتیبانی تحلیلی این پژوهش را به عهده داشته و فعالیت او در حوزه تحلیل داده‌های سلامت و استخراج شواهد علمی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های مدیریتی متمرکز است، انجام شده است.

داور بین‌المللی کاراته درباره نقش
صنعت نفت در پرورش
استعدادهای ورزشی می‌گوید

همراه ورزشکاران تاقله افتخار



علیرضا عیدنی | علاقه به ورزش در زندگی آرام فدایی، از سال‌های کودکی او آغاز شد؛ از روزهایی که ورزش، آرام‌آرام به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی‌اش بدل گشت و با گذشت سال‌ها، او را از میدان ورزش به جایگاه داوری در سطح بین‌المللی رساند. مسیری که با تلاش، نظم و پشتکار ادامه یافت و در کنار کسب تجربه‌های ورزشی، با تحصیل در رشته فیزیولوژی ورزشی تا مقطع دکترای تخصصی نیز همراه شد. فدایی امروز با نزدیک به ۲۵ سال سابقه خدمت در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، به عنوان رئیس واحد ارزیابی، عملکرد و بودجه امور ورزش فعالیت می‌کند و همزمان، مسئولیت هیئت کاراته این شرکت را هم به عهده دارد. او که تجربه مربیگری و سر داوری در سطح جهانی را در کارنامه خود ثبت کرده، سال‌هاست در کنار مسئولیت‌های حرفه‌ای، برای توسعه ورزش کاراته، پرورش استعدادهای جوان و تربیت نسل تازه‌ای از ورزشکاران تلاش می‌کند. آرام فدایی در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» به مرور فراز و فرودهایی از زندگی ورزشی و حرفه‌ای، تجربیاتش در عرصه بین‌الملل، همچنین نقش صنعت نفت در این مسیر و آخرین وضعیت تیم کاراته مناطق نفت‌خیز جنوب در رقابت‌های پیش رو پرداخته است.

هر مسیر ورزشی، نقطه آغازی دارد؛ برای شما این مسیر از کجا شروع شد؟

بدون تردید، والدین از تأثیرگذارترین افراد در پیشرفت فرزندان خود هستند. مرحوم پدرم که خود به ورزش علاقه‌مند بود و مدارج مربیگری در رشته شنا را طی کرده بود، همواره از من حمایت می‌کرد و مشوقم در این مسیر بود. با این حال، آشنایی خانواده با ورزش کاراته به واسطه برادر بزرگ‌ترم شکل گرفت؛ برادری که حق استادی بر گردن من و دیگر برادرانم دارد. علاقه به این رشته جذاب از دوران نوجوانی در وجودم شکل گرفت و با حمایت خانواده و تلاش مستمر، توانستم این مسیر را تا کسب مدارج عالی مربیگری و داوری ادامه دهم.

صنعت نفت از چه مقطعی وارد مسیر ورزشی شما شد و چه نقشی در آغاز فعالیت حرفه‌ای‌تان داشت؟

آموزش کاراته را از سال ۱۳۵۴ آغاز کردم؛ اما با مهاجرت‌م از تهران به خوزستان، مربیگری را در این رشته از سال ۱۳۶۴ در باشگاه خرمکوشک (از مجموعه‌های ورزشی صنعت نفت اهواز) آغاز و به شکلی جدی آن را دنبال کردم و وقتی در سال ۱۳۸۱ به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمدم، فعالیت ورزشی و حرفه‌ای‌ام در این مجموعه، با جدیت بیشتری ادامه یافت.

حاصل سال‌ها مربیگری شما در تیم کاراته شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب تاکنون کسب چه افتخاراتی بوده است؟

از ابتدای فعالیت، تمام توان و تمرکز را بر توسعه کاراته در صنعت نفت گذاشته‌ام و در این مسیر، همراه با ورزشکاران تیم کاراته شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب به نتایج ارزشمندی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی دست یافته‌ایم که از مهم‌ترین این موفقیت‌ها می‌توان به کسب مقام نخست مسابقات بین‌المللی کاپ دریای سیاه در ایتالیا (سال ۲۰۰۲)، کسب مقام سوم مسابقات بین‌المللی کوبه اوزاکا در کشور مالزی (سال ۲۰۰۱)، مقام دوم جام پادشاهی محمد در مراکش (سال ۲۰۰۴) و نایب قهرمانی باشگاه‌های جهان در ترکیه (سال ۲۰۱۱) اشاره کرد. افزون بر این، عناوین بین‌المللی دیگری نیز کسب کرده‌ایم که حاصل تلاش مستمر و همراهی همه اعضای تیم بوده است. تیم کاراته مناطق نفت‌خیز جنوب از سال ۱۳۸۲ در سوپرلیگ کاراته باشگاه‌های کشور حضور داشته که حاصل آن، کسب سه عنوان قهرمانی، ۶ عنوان نایب قهرمانی و پنج مقام سومی سوپرلیگ بوده است؛ کارنامه‌ای که حاصل سال‌ها تلاش ورزشکاران و مجموعه ورزش مناطق نفت‌خیز جنوب و نشان‌دهنده جایگاه این تیم در کاراته کشور است.

برای آینده تیم کاراته مناطق نفت‌خیز جنوب چه برنامه‌ای دارید؟

سوپرلیگ، بالاترین سطح رقابت‌های باشگاهی کاراته کشور است و تیم مناطق نفت‌خیز جنوب در جمع



رسیدیم. در ادامه، سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) در دوره داوری جهانی یونان شرکت کردم و با ارتقای ۲ درجه، به یکی از مهم‌ترین افتخارات دوران داوری‌ام دست یافت‌م. از دیگر نقاط عطف این مسیر، انتصاب به عنوان رئیس کمیته داوران فدراسیون کاراته ایران در سال ۱۳۸۹، قضاوت در بازی‌های آسیایی پوسان کره جنوبی در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) و دریافت سوت طلایی داوری در رقابت‌های جهانی امارات در سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) بود، ضمن اینکه برای داوری، به حدود ۴۰ کشور دنیا سفر کرده‌ام. مهم‌ترین تجربه‌هایی که در خلال قضاوت و مربیگری مسابقات بین‌المللی مختلف به دست آورده‌ام، به جز شناخت اقوام و ملل مختلف و فرهنگ آنها، انسانیت و صداقت، نظم و درستی در کار و رفتار است. انسان‌ها زبان و چهره متفاوتی دارند؛ اما انسانیت و صداقت آنها را به هم نزدیک می‌کند و این، مهم‌ترین دستاورد من از این سفرهاست.

فعالیت‌های ورزشی و مسئولیت‌های شغلی خود در صنعت نفت را چگونه با هم پیش برده‌اید؟

ارتباط مستقیم شغل من با ورزش، فعالیت در امور ورزش مناطق نفت‌خیز جنوب و تحصیلاتم در حوزه علوم ورزشی، بسیار کمک کرد تا بتوانم این دو مسیر را با هم پیش ببرم و در مسیر تحقق اهداف سازمان حرکت کنم. در کنار این موارد، تعهد به کار و مسئولیت‌های شغلی برای من اهمیت بسیاری دارد و همواره تلاش کرده‌ام انضباط کاری را در اولویت قرار دهم. این نظم و انضباط را از ورزش، به‌ویژه کاراته آموخته‌ام؛ رشته‌ای که نظم، پایبندی به اصول و مسئولیت‌پذیری در آن جایگاهی ویژه دارد. همین آموزه‌ها به من کمک کرد تا فعالیت‌های ورزشی و وظایف حرفه‌ای‌ام را با هماهنگی بیشتری دنبال کنم.

چه توصیفی از صنعت نفت در زمینه پیشرفت ورزشی خود و کارکنان مناطق نفت‌خیز جنوب دارید؟

صنعت نفت، نقش مهمی در موفقیت‌های

ورزشی من داشته است. فراهم کردن شرایط لازم برای انجام فعالیت‌های ورزشی و حمایت از حضورم در رقابت‌های بین‌المللی، انگیزه‌ام را برای تلاش بیشتر و کسب موفقیت‌های تازه افزایش داده است. در مقابل، همواره تلاش کرده‌ام دانش و تجربه‌ای را که در این مسیر به دست آورده‌ام، در اختیار جامعه ورزش صنعت نفت قرار دهم. به باور من، یکی از اثرگذارترین و مهم‌ترین سیاست‌های صنعت نفت در ارتقای سطح زندگی کارکنان، توجه به سلامت کارکنان و خانواده‌های آنان و توسعه ورزش همگانی است. در کنار این رویکرد، حمایت از ورزش قهرمانی نیز زمینه پرورش مربیان برتر، داوران و قهرمانان بسیاری را در خانواده بزرگ نفت فراهم کرده است؛ ورزشکارانی که با حمایت این صنعت توانسته‌اند به میدان‌های ملی و بین‌المللی راه پیدا کنند و افتخار آفرین باشند. این دستاورد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در ورزش، علاوه بر ارتقای سطح سلامت جامعه، می‌تواند زمینه‌ساز رشد استعدادها و پرورش قهرمانان آینده نیز باشد.

برای همکاران اقماری که ممکن است به دلیل شیفت‌های کاری، زمانی را به ورزش اختصاص ندهند، چه پیشنهادی دارید؟

ورزش در هر لحظه و هر مکان، امکان‌پذیر است. بنابراین می‌توانیم از فرصت‌های بهترین نتایج را بگیریم. پس، از کوچک‌ترین و آسان‌ترین نقطه، حرکت را آغاز کنید. به همکارانی که شیفت اقماری دارند و با مشغله زیاد و در بی‌آن با خستگی زمزم مواجه هستند، می‌گویم که بزرگ‌ترین اشتباه، در انتظار رسیدن زمان ایده‌آل یا انرژی کامل است؛ زیرا این زمان طلایی تقریباً هرگز به دست نمی‌آید. بنابراین پیشنهاد می‌شود تمریناتی را فراموش نکنید که به صورت ایستا در کوچکترین فضا و حداقل زمان و بدون نیاز به تجهیزات و وسایل خاص تخصصی قابل انجام باشد. پس با ۵ تا ۱۰ دقیقه ورزش در روز شروع کنید. به عنوان مثال، از پیاده‌روی سریع و درجا، اسکوات، حرکات کششی ساده شروع کنید و به تدریج زمان و شدت آن را افزایش دهید؛ زیرا مهم‌تر از انجام برنامه‌های سنگین و پیچیده، استمرار در فعالیت بدنی است؛ البته مدیریت خستگی، خواب کافی و تغذیه مناسب نیز اهمیت دارد؛ زیرا ورزش باید به حفظ سلامت و نشاط کمک کند، نه اینکه خستگی انباشته را افزایش دهد.

در نهایت، باید به این نکته توجه داشته باشید که تندرستی جسم و آرامش روح، از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی هر انسان به شمار می‌روند و ورزش، با تقویت سلامت و نشاط فردی، زمینه‌ساز زندگی سالم‌تر، پویاتر و موفق‌تر در محیط کار و خانواده خواهد بود.

شطرنج باز شرکت گاز خراسان رضوی: می خواهیم الهام بخش دیگران باشیم



مشعل | در سکوتی که روی صفحه شطرنج نشست، مهره‌ها بی صدا جان می‌گیرند؛ گویی هر خانه، قصه‌ای از اراده و تمرکز را در دل خود پنهان کرده است. برای بسیاری، شطرنج بازی ذهن و چشمان تیزبین است، اما برای محسن حسینی که به عنوان روشن‌دل در روابط عمومی شرکت گاز خراسان رضوی فعالیت می‌کند، شطرنج قبل از آنکه بر صفحه سفید و سیاه جریان داشته باشد، در ذهن روشن و بی‌مرزش شکل می‌گیرد. انگشتانش آرام روی صفحه برجسته شطرنج حرکت می‌کند؛ حرکاتی منظم و مطمئن، شبیه قدم زدن در مسیری که سال‌هاست آن را از بر شده است. خبرنگار ماهنامه مشعل با این روشن‌دل که شطرنج را با درکی فراتر از نگاه بازی می‌کند گفت و گو کرده است که در ادامه می‌خوانید.



محسن حسینی متولد نخستین روز اسفند ۱۳۵۸ در مشهد، شطرنج رانه باچشم بلکه با ذهن می‌بیند؛ ذهنی که در هر حرکت، مسیر پیروزی را پیش بینی می‌کند و سال‌ها تمرین، تجربه و پشتکار را در یک لحظه به نمایش می‌گذارد، اما مسیر زندگی او از همان کودکی با چالش‌های بزرگ همراه شد. در ۱۰ سالگی بینایی خود را از دست داد و وارد مدرسه نابینایان شد. حسینی از کودکی اش چنین روایت می‌کند: از کودکی با مشاهده اطرافیان و دوستانم که با شور و اشتیاق شطرنج بازی می‌کردند، من هم علاقه مند به این رشته شدم. ذهنم تشنه یادگیری بود و تصمیم گرفتم شطرنج را جدی دنبال کنم.

جرقه عشق به شطرنج

حسینی از سال ۱۳۷۵ شطرنج را آغاز کرد؛ با ذهنی روشن و قلبی پر امید، پا به میدان رقابت‌هایی گذاشت که هر کدام سکوی موفقیتی تازه برای او شد. او می‌گوید: با علاقه وارد این مسیر شدم و همیشه تلاش کردم ثابت کنم که نابینایی مانع رشد و موفقیت در ورزش و زندگی نیست. پیش از ورود به شرکت ملی گاز ایران، در همان سال‌ها در مسابقات شطرنج نابینایان شرکت کردم و تیمی که در آن حضور داشتم، به مقام سوم کشور رسید. آن رقابت‌ها نقطه عطفی در مسیر بود. با ورود به شرکت ملی گاز ایران در سال ۱۳۸۲ حضور او در رقابت‌ها وارد مرحله جدیدی شد. در مسابقات داخلی شرکت ملی گاز ایران از جام دهه فجر تا جام رمضان، همیشه یکی از نفرات اول تا سوم بود و همین موفقیت‌ها سبب شد به تیم شرکت ملی گاز ایران راه پیدا کند. حسینی با لبخندی آرام می‌گوید: هر رقابتی برای من فرصتی است تا ذهنم را فعال نگه دارم و توانایی‌هایم را نشان دهم و هر برد و حتی هر شکستی، درس پیروزی برای آینده به همراه دارد. وقتی از معنای حضور در مسابقات می‌پرسم، پاسخش ساده اما عمیق است: می‌خواستم به همکارانم نشان بدهم که یک فرد نابینا می‌تواند خیلی از کارها را انجام دهد؛ حتی رقابت با افراد بینا در شطرنج. برای حسینی، رقابت‌ها فقط یک موفقیت شخصی نبود؛ بلکه پیامی روشن داشت، معلولیت مانع نیست؛ فقط بستگی به دیدگاه و نگاه‌ها دارد.

خانواده و مربیان؛ ستون‌های موفقیت

در میان تمام حرکت‌های آرام و حساب‌شده محسن حسینی، رد حضور خانواده‌اش همیشه پیداست؛ پشتوانه‌ای محکم که نقش بسیار مهمی در مسیر پیشرفت او داشته است. در ابتدا خانواده چندان موافق ورودش به مسابقات نبودند، اما زمانی که دیدند شطرنج، ذهن و روحیه‌اش را تقویت کرده، به بزرگ‌ترین حامیانش تبدیل شدند. همسرش از همان آغاز مشوق اصلی‌اش بود؛ همراهی که در تمام مسیر تمرین‌ها و کلاس‌ها کنارش ایستاد و او را تشویق کرد تا شطرنج را جدی دنبال کند. حمایت نزدیکان، به‌ویژه برای ورزشکاران توان‌یاب و نابینا، اعتماد به نفس و انگیزه‌ای دوچندان می‌آفریند. حضور خانواده برای او همچون پلی است میان ذهن فعال و دنیای واقعی. در کنار خانواده، نقش مربی او، با شان‌جاتی در موفقیت‌ها بسیار پررنگ بود. نشست‌های خصوصی، کلاس‌های ذهن برتر و همراهی‌های پیوسته، تکنیک‌های او را ارتقا داد و اعتماد به نفسش را تقویت کرد. علاقه حسینی به سبک‌های فکری شطرنج باعث شد نجاتی او را به ادامه مسیر و حضور جدی‌تر در مسابقات ترغیب کند.

وقتی زمان کم است، اما اراده زیاد

شطرنج برای حسینی، ابزار تمرین ذهن، تمرکز و تصمیم‌گیری است و معتقد است؛ شطرنج ذهن را فعال می‌کند و در تصمیم‌گیری‌های زندگی و محیط کار تأثیر مثبت دارد. تمرکز، صبر و تحلیل دقیق در بازی، به من کمک کرده که در اداره و خانواده درست و کم خطا تصمیم بگیرم. برای او، مسابقات شطرنج تنها میدان رقابت نیست؛ صحنه‌ای است برای اثبات توانایی و اراده. چه در شرکت ملی گاز و چه در مسابقات استان خراسان رضوی، بارها مقابل قهرمانان و افراد بینا ایستاده و هر بار محدودیت‌ها را به فرصتی تازه تبدیل کرده است.

یکی از خاطرات شیرینش به سال‌ها قبل بازمی‌گردد؛ زمانی که در شرکت ملی گاز ایران با یکی از شرکت‌کنندگان صحبت کرده و به او گفته بود بهتر است مقابلش بازی نکند، چون در ۹ حرکت مات می‌شود. رقیب با خنده پاسخ داده بود: اگر مات شوم، همه بازی‌هایم را می‌بازم، اما سرنوشت همان‌جا شگفتی آفرید؛ در همان ۹ حرکت، دقیقاً همان‌طور که گفته بود، حریف را مات کرد. شطرنج، به معنای واقعی، شکل‌دهنده مسیر زندگی او شده است. او می‌گوید:

تصمیم‌گیری‌هایم دقیق تر شده است. هر حرکت در شطرنج مرا آماده می‌کند تا تصمیم‌های درست و کم خطا بگیرم. از بزرگ‌ترین چالش‌های حسینی و بسیاری از نابینایان در رقابت‌ها، نیاز به وجود منشی میز است؛ موضوعی حیاتی که او بارها بر ضرورت توجه داوران و برگزارکنندگان مسابقات به آن تأکید کرده است.

حسینی می‌گوید بازی بدون منشی، به‌ویژه مقابل رقبای بینا، بسیار دشوار است؛ زیرا کوچک‌ترین خطا در ثبت حرکت‌ها یا اعلام آنها می‌تواند نتیجه را تغییر دهد. با این همه هیچ چالشی نه دلسردم کرد و نه مانع حضورم در میدان رقابت شد.

از چهار اسب تا دفاع هندی

حسینی تمرینات خود را در خانه و با استفاده از منابع و کتاب‌های صوتی شطرنج دنبال می‌کند و او در مورد تمرینات معتقد است: تمرینات من صرفاً برای مسابقه نیست؛ برای تقویت ذهن و آماده بودن در برابر چالش‌های زندگی است. رقابت با افراد قوی تر انگیزه‌ام را دوچندان می‌کند و حتی شکست‌ها باعث پیروزی‌های آینده می‌شوند.

او در مسابقات از روش‌ها و راهبردهای مشخصی استفاده می‌کند. سبک او ترکیبی است؛ برای مهره سفید معمولاً بازی چهار اسب را انتخاب می‌کند؛ سبکی که به گفته خودش در بسیاری از مسابقات به برد ختم شده است. در رقابت‌های شرکت ملی گاز ایران نیز همین روش را به کار گرفت و از هفت مسابقه، پنج برد و دو مساوی گرفت؛ بدون حتی یک باخت. برای مهره سیاه، اغلب سراغ دفاع هندی شاه می‌رود؛ او باور دارد نگاه دقیق مربیان و تحلیل بازی شطرنج‌بازان حرفه‌ای، نقش مهمی در شکل‌گیری سبک او داشته است و به این نکته اشاره می‌کند: الگوها و تمرینات ذهنی باعث شده است حتی بدون مربی، روزانه بتوانم خودم را آماده و حرکات را پیش‌بینی کنم.

تمرینات حسینی، بازنمایی روشن از پشتکار، صبر و نظم ذهنی اوست؛ تمریناتی که کمک می‌کند در رقابت‌های واقعی سریع و دقیق تصمیم بگیرد.

الگو بودن، پیام انگیزشی، موفقیت

حسینی نه تنها به موفقیت‌های خود افتخار می‌کند، بلکه می‌خواهد مسیر دیگران را نیز روشن کند. پیام او برای سایر توان‌یابان روشن

است: هر رشته ورزشی که علاقه دارید، شروع کنید. ورزش نه تنها جسم و ذهن را تقویت می‌کند، بلکه اعتماد به نفس و توانایی تصمیم‌گیری را بالا می‌برد. او تأکید می‌کند که ورزش‌های فکری مانند شطرنج می‌توانند مهارت ذهنی و سرعت تصمیم‌گیری را بهبود دهند و از فرسودگی ذهن جلوگیری کنند.

چشم‌انداز او برای آینده مشخص و هدفمند است. او می‌خواهد اول در المپیاد نفت مقام اول را کسب، سپس در مسابقات جهانی شطرنج شرکت کند و به مقام قهرمانی برسد. آرزوی قلبی او این است که محدودیت نابینایی را بشکند و نشان دهد که با تلاش، تمرین و پشتکار می‌توان در عرصه‌های بین‌المللی درخشید. حسینی می‌گوید: هدف اصلی من این است که ذهنم فعال بماند و نشان دهم نابینایی مانعی برای پیشرفت نیست. می‌خواهم با

شطرنج، مسیر خود را روشن کنم و الهام‌بخش دیگران باشم.

این اهداف برای او ناممکن نیست. به‌ویژه وقتی به سابقه او نگاه کنیم؛ کسی که با وجود نابینایی توانسته است راهبردهای شطرنج را آنقدر بیاموزد که حتی بازیکنان بینا و حرفه‌ای هم از سبک تفکرش بیاموزند.

برای او مهم است الگو باشد نه به‌خاطر شهرت، بلکه برای ایجاد انگیزه در دیگران. حسینی اهداف بزرگی دارد که با تلاش، صبوری و نگاه به آینده، او را به قله‌های موفقیت خواهند رساند. حسینی نه تنها برای همکاران و خانواده‌اش الهام‌بخش است، بلکه برای تمام جانبازان و توان‌یابان نیز انگیزه‌آفرین است. او نشان می‌دهد که محدودیت‌ها تنها در ذهن انسان وجود دارند و با علاقه، پشتکار و تمرین مستمر می‌توان به هر هدفی دست یافت و این حضور و پشتکار، پیام روشنی برای تمام توان‌یابان دارد: راه سخت است، اما ممکن؛ دشوار است، اما شدنی. وقتی تلاش و صبوری با هم همراه شوند، هیچ محدودیتی نمی‌تواند انسان را مات کند.

حسینی، شطرنج‌باز روشن‌دل، ثابت کرد که چشم‌ها تنها ابزار دیدن نیستند؛ ذهن واراده می‌تواند جهان را روشن کند، مسیرها را بسازد و رؤیاها را تحقق بخشند. هر حرکت او روی صفحه شطرنج، نمونه‌ای از پشتکار و تمرکز ذهن است و الهام‌بخش همه کسانی که می‌خواهند محدودیت‌ها را به فرصت تبدیل کنند.



حسینی نه تنها برای همکاران و خانواده‌اش الهام‌بخش است، بلکه برای تمام توان‌یابان نیز انگیزه‌آفرین است. او نشان می‌دهد که محدودیت‌ها تنها در ذهن انسان وجود دارند

بانوی همکار نفتی از پشت صحنه حفظ ۲۰ میلیون سند می گوید

خط تولید یک حافظه



مشعل | اگر تولید را قلب صنعت نفت بدانیم، اسناد و داده‌ها را باید حافظه زنده آن دانست؛ حافظه‌ای که از اطلاعات چاه‌ها و مخازن تا نقشه‌ها، گزارش‌ها و مستندات فنی را در خود جای داده و حفظ آن، نقشی کمتر از تولید ندارد. الهام نیردین‌زاده، رئیس آرشیو الکترونیکی اسناد شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، از جمله افرادی است که سال‌ها در حفظ این حافظه تلاش کرده است؛ بانویی که از آغازین روزهای شکل‌گیری آرشیو الکترونیکی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، در مسیری قرار گرفته که با عبور از سامانه‌های خارجی، به توسعه یک پستر بومی برای مدیریت میلیون‌ها سند و داده رسیده است. بنابر این رویکرد، خبرنگار ماهنامه "مشعل" در گفت‌وگو با این بانو، به روایت مسیری پرداخته که بخشی از داستان حفظ حافظه صنعت نفت است.



لطفًا از چگونگی شکل‌گیری مسیر کاری‌تان در صنعت نفت برایمان بگویید؟

پس از فارغ التحصیل شدن در رشته مهندسی نرم‌افزار و قبولی در آزمون استخدامی وزارت نفت، وارد شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب شدم که همزمان،

پروژه آرشیو الکترونیکی به عنوان یک پروژه پیش‌رود سطح کشور در این شرکت هم آغاز شد و من نیز در این پروژه قرار گرفتم؛ طرحی که طی سال‌ها رشد کرد، تغییر یافت و به بخشی از هویت حرفه‌ای من تبدیل شد. در ابتدای مسیر، تیم‌های پیمانکاری به

صورت چندشیفت فعالیت می‌کردند؛ اسناد اسکن و سپس تفکیک می‌شدند و پس از کنترل کیفیت، اطلاعات مربوط به سامانه تزریق می‌شد. عمده این اسناد نیز شامل اطلاعات چاه‌ها، حفاری، زمین‌شناسی، پتروفیزیک، نقشه‌ها، لاگ‌ها و سایر مستندات تخصصی بود. کاری که انجام می‌شد، صرفاً نگهداری اسناد نبود؛ بلکه فلسفه اصلی این کار، حفظ حافظه فنی و تخصصی یک صنعت بود.

در سال‌های ابتدایی از نرم‌افزارهای خارجی استفاده می‌کردیم. در واقع آن زمان صرفاً خرید نرم‌افزار مطرح نبود؛ بلکه انتقال تکنولوژی نیز اتفاق می‌افتاد. بعدها نرم‌افزارهای مختلفی را آزمایش کردیم و حتی قراردادهای جدیدی برای توسعه این مسیر منعقد شد؛ اما به مرور، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، مشکلات لایسنس و دشواری اتصال این نرم‌افزارها به سامانه‌های جدید سازمان باعث شد متوجه شویم که این مسیر در بلندمدت پاسخگوی نیازهای ما نخواهد بود. همین موضوع ضرورت حرکت به سمت بومی‌سازی را آشکار کرد.

از روند شکل‌گیری سامانه بومی آرشیو الکترونیک بگویید و اینکه چه بتری نسبت به سامانه‌های خارجی دارد؟

از سال ۱۳۹۵ توسعه سامانه بومی آغاز شد؛ سامانه‌ای که امروز با نام «سامانه مدیریت اسناد الکترونیک نفت» یا «سامان» شناخته می‌شود. سامان، یک سامانه پویاست که امروز طیف وسیعی از نیازهای سازمان را پوشش می‌دهد و مهم‌تر از همه اینکه وابستگی ما را به لایسنس‌ها و محدودیت‌های خارجی تا حد زیادی کاهش داده است. امروز بیش از ۱۴۵ آرشیو مختلف در سامانه تعریف شده که از حوزه‌های فنی گرفته تا منابع انسانی و سایر بخش‌ها را دربرمی‌گیرد. این سامانه مرتب در حال توسعه است و با سامانه‌های دیگر آرشیوهای الکترونیکی پراکنده‌ای که طی سال‌ها در بخش‌های مختلف ایجاد شده بودند نیز به تدریج در حال تجمیع هستند تا همه در یک بستر واحد قرار گیرند. یکی از مزیت‌های مهم «سامان» این است که برای ایجاد آرشیوهای جدید، نیازی به توسعه مجدد نرم‌افزار یا کدنویسی تازه وجود ندارد و بسیاری از ساختارها به صورت آنلاین ایجاد می‌شوند.

امروز با چه حجم و گستره‌ای از اطلاعات مواجه هستید؟

تا امروز بیش از ۲۰ میلیون برگ سند در این مجموعه اسکن و آرشیو شده است؛ آماری که در کنار بیش از یک و نیم میلیون نقشه،

حدود ۶۰ هزار فایل لاگ و حجمی نزدیک به ۸٫۵ ترابایت داده، نشان می‌دهد با چه ابعاد گسترده‌ای از اطلاعات روبه‌رو هستیم؛ البته این اعداد ثابت نیستند و هر روز به این حافظه بزرگ سازمانی افزوده می‌شود.

این تحول دیجیتال چه تغییری در کار روزمره کارکنان و جریان دانش سازمان ایجاد کرده است؟

در واقع موضوع فقط سرعت دسترسی نیست؛ مسئله اصلی مدیریت دانش و جلوگیری از هدررفت تجربه سازمانی است. در گذشته بسیاری از همکاران برای دستیابی به اطلاعات باید بارها به بایگانی مراجعه می‌کردند یا زمان زیادی صرف جست‌وجوی اسناد می‌شد؛ اما امروز می‌توانند در مدت زمان بسیار کوتاه‌تری به داده‌های مورد نیاز دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، چند کاربر می‌توانند همزمان روی یک پرونده کار کنند و سامانه نیز وضعیت اسناد را مشخص می‌کند. برای مثال مشخص می‌شود که یک سند هنوز در مرحله ویرایش است یا نسخه نهایی محسوب می‌شود. هدف نهایی ما همیشه این بوده که افراد با کمترین زمان جست‌وجو، بیشترین اطلاعات ممکن را استخراج کنند؛ چون در نهایت سرعت دسترسی به دانش، بخشی از بهره‌وری سازمان است.

موضوع حذف کاغذ در این مسیر چقدر جدی است؟

هرچه ارتباط سامانه‌ها بیشتر شود، وابستگی به کاغذ کمتر خواهد شد. امروز بسیاری از خروجی‌های نرم‌افزارها مستقیماً به صورت پی‌دی‌اف وارد آرشیو می‌شوند و دیگر ضرورتی برای تولید نسخه‌های فیزیکی وجود ندارد. ما واقعاً از این موضوع استقبال می‌کنیم که همه اطلاعات سازمان در نهایت وارد چرخه آرشیو الکترونیک شوند، چون این مسئله هم دسترسی را آسان‌تر می‌کند و هم ریسک‌های ناشی از نگهداری فیزیکی را کاهش می‌دهد.

قدیمی‌ترین اسناد موجود در این آرشیو مربوط به چه دوره‌ای است؟

بعضی اسناد آن قدر قدیمی هستند که هنگام قرار گرفتن در اسکنر عملاً شروع به فرسایش می‌کنند و گاهی مجبور می‌شویم آنها را داخل طلق قرار دهیم تا بتوانیم تصویربرداری کنیم. قدیمی‌ترین داده‌های موجود در آرشیو به حدود سال ۱۲۹۷ (۱۹۱۸) برمی‌گردد و بخشی از آن مربوط به اطلاعات چاه شماره یک مسجد سلیمان است. به نوعی می‌توان گفت بخشی از تاریخ صنعت نفت ایران در همین آرشیوها نگهداری می‌شود؛ هر چند بخشی از اسناد

به تجهیزات پیشرفته‌تری نیاز دارند و تهیه این تجهیزات همیشه آسان نیست، همچنین این آرشیو بزرگ، دائماً در حال رشد است و توسعه آن به منابع، زیرساخت و نیروی انسانی بیشتری نیاز دارد.

نقش هوش مصنوعی در شکوفایی این حوزه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آینده این حوزه، بدون هوش مصنوعی قابل تصور نیست. امروز به دنبال استفاده از ابزارهایی مانند تبدیل گفتار به متن، تشخیص هوشمند متن، دسته‌بندی اسناد، کاهش خطاهای انسانی و تسریع فرایند بازیابی اطلاعات هستیم. به طور حتم در آینده شاهد حرکت به سمت آرشیوهای هوشمند خواهیم بود؛ جایی که سامانه صرفاً محل نگهداری اسناد نباشد؛ بلکه بتواند ارتباط میان داده‌ها را تشخیص دهد، پیشنهاد ارائه کند و حتی بخشی از فرایندهای تصمیم‌سازی را تسهیل سازد.

به عنوان یک بانوی شاغل در حوزه فناوری، پیشرفت در این مسیر را چگونه تجربه کرده‌اید؟

زمانی که وارد شرکت شدم، تصویر کاملی از آینده نداشتم. رقابت در حوزه فناوری اطلاعات در مناطق نفت خیز جنوب بسیار جدی است و همین موضوع باعث رشد می‌شود. شاید اگر در فضای دیگری بودم، مسیر پیشرفت محسوس‌تر به نظر می‌رسید؛ اما همیشه دوست داشتم با افراد توانمندتر سنجیده شوم، چون همین باعث پیشرفت می‌شود. یکی از آرزوهای من همیشه سامان دادن به این آرشیو عظیم بوده و خوشحالم که امروز این مسیر بسیار بهتر از گذشته پیش می‌رود.

زندگی خارج از محیط کار چگونه می‌گذرد؟

متاهل هستم و یک فرزند دارم که امسال دوره کارشناسی معماری خود را به پایان رسانده است. در اوقات فراغت کتاب می‌خوانم، فیلم می‌بینم و زمان بیشتری را به خانواده اختصاص می‌دهم. این روزها هم مشغول خواندن کتاب «تکه‌هایی از یک کل منسجم» هستم.

به همه خانم‌ها توصیه می‌کنم، عقب‌نشینی نکنند و توانایی‌های خود را دست کم نگیرند؛ البته مسیر حرفه‌ای همیشه هموار نیست و ممکن است در مقطعی با خستگی، سرخوردگی یا ناامیدی توأم باشد؛ اما استمرار و تلاش، همیشه مسیرهای تازه‌ای را ایجاد می‌کنند.



مسیر حرفه‌ای همیشه هموار نیست و ممکن است در مقطعی با خستگی، سرخوردگی یا ناامیدی توأم باشد؛ اما استمرار و تلاش، همیشه مسیرهای تازه‌ای را ایجاد می‌کنند

نگاهی به وجوه داستانی، تاریخی
و جامعه‌شناختی کتاب «هفت کافه بین‌راهی»

هفت ایستگاه داستانی



یونس صادقی | کتاب «هفت کافه بین‌راهی» نوشته اردشیر صالح‌پور، روایتی سورئالیستی از فضای سیاسی، اجتماعی خوزستان، همزمان با ورود نفت به ایران است. این اثر در ژانر داستان تاریخی است و می‌توان آن را در کنار آثاری همچون «شازده احتجاب» هوشنگ گلشیری و «سووشون» سیمین دانشور قرار داد. این کتاب در سال ۱۳۹۸ از سوی انتشارات سی سخت فرهنگ مانا منتشر شده است.

تم اصلی و محوری کتاب، برخورد آدم‌ها در «کافه‌های بین‌راهی» نقاط مختلف خوزستان، از جمله ماهشهر، مسجدسلیمان، درخزینه، آغا‌جاری، اهواز، ایزده و هفتگل است. عمده عناصر داستانی و شخصیت‌پردازی این کتاب در طیف طبقه اجتماعی کارگر شکل گرفته‌اند؛ شخصیت‌هایی که هر یک به نوعی خاطره‌ای مشترک از نفت را در ذهن خود دارند.

داستان غم‌ها و شادی‌ها، عشق‌های نافرجام و رنج‌های جامعه کارگری، بخشی از سوژه‌های جذاب داستانی کتاب صالح‌پور را شکل می‌دهد. از منظر تکنیک داستان‌نویسی، نویسنده با بهره‌گیری از عناصر فرا واقعی، بر جزئیات زندگی روزمره مردم و جغرافیای خوزستان تأکید دارد و در توصیف شخصیت‌های داستانی، ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آنان را مورد توجه قرار داده است. این شیوه روایت، در کنار فضای گفت‌وگو محور اثر، تصویری زنده و چشم‌نواز از زندگی و مناسبات اجتماعی در فضای صنعتی خوزستان ارائه می‌دهد.

هفت کافه بین‌راهی: قصه‌هایی در امتداد تاریخ و زندگی

کتاب «هفت کافه بین‌راهی» در هفت محور داستانی شکل گرفته است. فارغ از جنبه‌های ادبی اثر که به صورت حرفه‌ای و هنرمندانه نگاشته شده، این کتاب تأثیری شایان در شناخت و درک فضای صنعتی خوزستان بر خواننده می‌گذارد و از ویژگی‌های بی‌شماری برخوردار است.

اصطلاحات خاص کارکنان

از جمله ویژگی‌های جامعه‌شناختی اثر، استفاده از تعبیرها و اصطلاحات خاص کارکنان

صنعت نفت است؛ تعبیرها و اصطلاحاتی که در کمتر کتابی در حوزه نفت، به صورت یکجا گردآوری شده‌اند. از همین رو، خواننده در کنار لذت مطالعه داستان، با بخشی از تعبیرهای واقعی و رایج میان کارکنان صنعت نفت نیز آشنا می‌شود. برخی از این تعبیرها که در کتاب آمده‌اند، به این شرح است: رشن: جیره و آذوقه‌ای که به عنوان کمک هزینه ماهیانه به کارگران شرکت نفت داده می‌شد. کوآتر: محله‌های شرکت نفتی و منازل کارگری. کی‌بک پی: اضافه‌کار معوقه. چیتی: برگه فیش حقوقی. محله کفیشه: محله‌ای در آبادان که نام آن برگرفته از عبارت انگلیسی coffee shop بود. فیدوس: صدای سوت کارخانه. تندیل: سرکارگر، بیلرسوت: boiler suit؛ لباس کار. کولی: coolie؛ کارگر ساده. لمبر: تحریف تلفظ number؛ شماره کارگری که بالای جیب لباس کارگران دوخته می‌شد. بنگله: به خانه‌های شیروانی‌دار شرکتی گفته می‌شد که اصل واژه آن از «بنگالوی» هندی گرفته شده بود. لبرلاری: labor lorry؛ ماشین‌های بزرگ حمل و نقل که کارگران را با آنها به محل کار می‌رساندند.

استفاده از عناصر تاریخی در داستان

این ویژگی اثر باعث شده است خواننده با یک ریتم یکنواخت ادبی، داستانی مواجه نشود. بهره‌گیری از عناصر تاریخی، به درک بهتر شرایط سیاسی و اجتماعی معاصر خوزستان کمک کرده و لایه‌ای مستند و تاریخی به روایت بخشیده است. بخشی از این روایت‌ها را در ادامه می‌خوانیم: «خلف‌آباد، اسم قدیم رامشیر بود. گویا در دوره مشعشعبیان خوزستان، عده‌ای از سادات عرب به آنجا آمدند و در کنار رودخانه مارون ساکن شدند و

به کار کشاورزی و ماندگاری پرداختند. به لفظ عربی آنجا را «خَلْفیه» و «خلف‌آباد» می‌گفتند.» «خاطرات آبادان دهه ۳۰؛ اعتصابات کارگری، پالایشگاه و کار در گرمای ۶۰ درجه، مبارزات زیرزمینی و حيله‌گری انگلیسی‌ها و بی‌عرضگی دولت.»

«بعد یادش آمد که در اعتصاب، پس از میتینگ، اولین کسی بود که پرچم انگلیسی را از بلندپایین کشید و پرچم ایران را در آن ظهر گرم تابستان، بالای سردر پالایشگاه نصب کرد.» «مسجدسلیمان پایتخت نفت بود و آبادان بازار نفت»

«سالی دوماهی، طرحی برای ریزش نیروهای شرکت نفتی در سال ۱۳۴۲ بود که باعث اخراج کارکنان زیادی شد. در این طرح، به ازای سال‌های خدمتشان، دو ماه حقوق را محاسبه کرده و شرکت به آنها و جهی پرداخت می‌کرد که به نام «سالی دوماهی‌ها» معروف شد.»

«اولین چاه را بعد از مسجدسلیمان، در هفتگل، در سال ۱۳۰۶ زدند. نفتش آن قدر مرغوب و باخوص بود که فرنگی‌ها را ماندگار و پایند خودش کرد. انگلیسی‌ها خیلی زود هم از آنجا دل‌کنند؛ هم به نفت رسیدند و هم به گاز مرغوب و شیرین. چاه شماره پنج را که زدند، به منبع عظیمی از نفت رسیدند که کلاهشان را از فرط شادی به هوا انداختند.»

«سینما رفتن رسم جدیدی بود که انگلیسی‌ها با خودشان به هفتگل آورده بودند.» «اولین بنگله‌ای که انگلیسی‌ها ساختند، بنگله بالایی تیه، مربوط به دکتر یانگ بود. دکتر یانگ همان کسی بود که به دلیل کوتاهی قدش، او را «دکتر کوچیکه» می‌گفتند.» «پارسوماش، تلغر، جهانگیری، نفتون و سرمسجد، اسامی مسجدسلیمان بودند.»

استفاده از توصیف‌های جغرافیایی

با اینکه تم اصلی کتاب، روایت زندگی خانواده‌ها و افرادی از جامعه کارگری است، در لابه‌لای سطور، توصیف‌های جغرافیایی به کار رفته در داستان، تصویری ملموس و قابل فهم از فضای جغرافیایی و اقلیمی خوزستان برای خواننده‌ای که با شرایط این منطقه آشنایی ندارد، ترسیم می‌کند. نویسنده از طریق توصیف مسیرها، روستاها، محله‌ها و عناصر طبیعی و صنعتی، تصویری از جغرافیای خوزستان ارائه می‌دهد؛ تصویری که در برخی موارد، پیوند میان طبیعت و صنعت نفت را نیز به خوبی آشکار می‌سازد.

«همه صحرای تفته خوزستان بود باتیه‌ماهورهای کوچک و بزرگ و رمل‌ها و شعله‌های آتش نفت و لوله‌های دراز کشیده زیر برق افتاب که کش این گرما و جاده‌راه‌های شوسه و خاکی را همراهی می‌کردند.» همچنین، نویسنده با اشاره به وضعیت محله‌های

آبادان و تفاوت میان مناطق مختلف آن، تصویری از ساختار اجتماعی و امکانات شهری ارائه می‌دهد: «به جز محله (بریم) او (بوارده) که مناطق اعیان‌نشین کارمندان عالی‌رتبه شرکت نفت بود، سایر محلات آبادان آب لوله‌کشی هم نداشت.»

در نهایت، توصیف تغییر چهره آبادان بر اثر گسترش صنعت نفت، یکی از نمونه‌های برجسته پیوند جغرافیا، صنعت و زندگی اجتماعی در اثر است: «پیش از این آبادان همه جا نخل بود، اما کم‌کم لوله‌های نفت و مشعل‌های پالایشگاه جای نخل‌ها را گرفت و آبادان یکباره شد پر از آهن و پلیت.»

این توصیف‌ها، افزون بر نقش فضا‌سازانه، نشان می‌دهند که جغرافیای داستان صرفاً پس‌زمینه‌ای برای رخدادها نیست؛ بلکه خود به عنصری مؤثر در شکل‌گیری فضای اجتماعی و تاریخی اثر تبدیل شده است.

ترسیم‌زنگی طبقه کارگری

هدف اصلی نویسنده، ارائه روایتی قابل فهم از رنج‌های طبقه کارگر در قالب داستان است؛ طبقه‌ای که عاشق شدن، دستیابی به حداقل‌های یک زندگی شایسته و تلاش برای برخورداری از رفاه بیشتر را حق طبیعی خود می‌دانست. در نخستین داستان با عنوان «کافه نمره سه، کریم شیرازی» و با محوریت جاده اهواز. سرپندر، که روایتگر عشق یک کارگر ساده خوزستانی به دختری اشرافی از شیراز است، نویسنده بخشی از

آمال و آرزوهای جوانان این طبقه را چنین به تصویر کشیده است:

«بین خیلی دلش می‌خواست توشهر خودش مثل همه جوونا توشرکت نفت استخدام می‌شد و تو کوآتر محله شرکتی هابه بنگله، حتی به خونه بیست فوتی یاد و اطاقی کارگری بهش می‌دادن.» «کارگر شرکت شدن خوبیش این بود که آینده آدم تأمین بود.

هر دو هفته یه بار حقوق‌تومی داشتن توی پاکت زرد شرکتی که پشتش به نخ و دایره قرمز داشت و بعدش هم می‌رفتی استور و فروشگاه شرکت نفت و یک‌کاری برمی‌داشتی و هرچی دلت می‌خواست می‌ریختی توی گاری و یا علی... عصرها هم که می‌فتم استخر و باشگاه و سینما. اونقدر زندگی روبه‌راه بود که دیگه جیره و رشن هم نمی‌گرفتی.»

در مجموع کتاب «هفت کافه بین‌راهی» به دلیل برخورداری از ویژگی‌های چندبُعدی، اثری خواندنی و موفق از کار درآمده است. این کتاب در پیشبرد تکنیک‌های داستانی نیز موفق عمل کرده است؛ به‌گونه‌ای که جزئیات پردازی و گفت‌وگو محور بودن داستان‌ها، ظرفیت تبدیل شدن آنها به سوژه‌هایی مناسب برای سینما و فیلم‌نامه‌نویسی را فراهم آورده است. همچنین، اطلاعات تاریخی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی موجود در داستان‌ها، به چندوجهی شدن اثر کمک کرده و خواننده را با اثری غنی و قابل تأمل مواجه می‌کند.



جنگ جهانی اول معادلات ایران را تغییر داد

نفت در آزمون بی طرفی



مشعل | جنگ جهانی اول که حد فاصل سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی روی داد، یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر جهان بود. این جنگ پس از کشته شدن ولیعهد امپراتوری اتریش، مجارستان در سارایوو به دست یک جوان صرب آغاز شد و در مدتی کوتاه کشورهای متعددی را درگیر کرد. ایران در آغاز این جنگ، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی خود، اعلام بی‌طرفی کرد و تلاش می‌کرد از ورود به منازعه کشورهای بزرگ دور بماند. با این حال، موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت راهبردی نفت آن موجب شد که با وجود اعلام بیطرفی، در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو شود. ماهنامه "مشعل" در ادامه سلسله گزارش‌های تاریخ نفت، در این شماره به بررسی وضعیت صنعت نفت ایران در سال‌های جنگ جهانی اول، اقدام‌های نظامی برای حفاظت از تأسیسات نفتی، توسعه فعالیت‌های نفتی، همچنین اختلاف‌های دولت ایران با شرکت نفت انگلیس و ایران پرداخته است.

با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی و رویارویی کشورهای متفقین از جمله بریتانیا با کشورهای متحد، مثل آلمان و امپراتوری عثمانی، ایران اعلام بی‌طرفی کرد. با این حال، تحولات نظامی در منطقه و حضور نیروهای خارجی در اطراف مرزهای ایران، سبب شد این بی‌طرفی به‌طور کامل رعایت نشود. موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن مناطق نفتی جنوب در محدوده نفوذ بریتانیا، شرایطی ایجاد کرد که کشور ناخواسته درگیر پیامدهای جنگ شد.

حفاظت از تأسیسات نفتی خوزستان

در آغاز جنگ جهانی اول، ماهانه حدود ۲۵ هزار تن نفت از

استخراج شده از مناطق نفت‌خیز را به نقاطی منتقل می‌کرد که امکان ادامه فرایند انتقال و پالایش نفت وجود داشت.

در فوریه سال ۱۹۱۵ میلادی، نیروهای منتسب به آلمان، خط لوله نفت مسجدسلیمان - اهواز را مورد خرابکاری قرار دادند. این اقدام، انتقال نفت را برای مدتی با مشکل مواجه کرد و نشان داد که تأسیسات نفتی ایران تاجه‌اندازه در معرض خطر تحولات نظامی منطقه قرار دارند. از سوی دیگر، نگرانی از پیشروی نیروهای عثمانی به سمت خوزستان نیز افزایش یافته بود. در چنین شرایطی، بریتانیا برای تقویت حفاظت از مناطق نفتی، شماری از سرباز هندی را به خوزستان منتقل و در طول جنگ، پادگانی در اهواز دایر کرد. خرابکاری در خط لوله باعث شد فعالیت انتقال نفت برای حدود دو تا سه ماه به وقفه روبه‌رو شود. با این حال، عملیات تعمیر و بازسازی انجام و تابستان سال ۱۹۱۵ میلادی جریان انتقال نفت دوباره برقرار شد.

صنعت نفت در شرایط جنگی (۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹)

با وجود دشواری‌های ناشی از جنگ جهانی اول، فعالیت‌های شرکت نفت انگلیس و ایران نه تنها متوقف نشد، بلکه در برخی زمینه‌ها روند توسعه خود

را نیز ادامه داد. البته تأمین تجهیزات، استخدام کارکنان خارجی و وارد کردن ماشین‌آلات و لوازم مورد نیاز صنعت نفت با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بود. جنگ موجب شده بود مسیرهای تجاری و حمل‌ونقل بین‌المللی با مشکلات متعدد رو به رو شود و انتقال کالا و تجهیزات از خارج به ایران به آسانی گذشته انجام نشود. با این حال، نیاز بریتانیا به نفت ایران باعث شد تأمین تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت در اولویت قرار گیرد.

در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹ میلادی، در منطقه مسجدسلیمان اقدام‌های عمرانی و زیرساختی متعددی انجام شد. یکی از مهم‌ترین این اقدام‌ها، ساخت راه شوسه میان مسجدسلیمان و دره خزینه بود. توسعه مسیرهای ارتباطی، نقش مهمی در جابه‌جایی تجهیزات، مواد اولیه، کارکنان و نفت داشت. در این میان، وسایل حمل‌ونقل جدید، از جمله خودروهای سواری و باری نیز در این مناطق به کار گرفته شدند. استفاده از خودرو در مناطق نفت‌خیز، افزون بر شتاب بخشیدن به جابه‌جایی، به تدریج چهره حمل‌ونقل در مناطق عملیاتی صنعت نفت را نیز تغییر داد. در همین دوره، کارخانه برق مسجدسلیمان توسعه یافت و ساخت‌وساز واحدهای مسکونی نیز گسترش پیدا کرد. افزایش تعداد کارکنان و توسعه فعالیت‌های صنعتی، نیاز به ایجاد امکانات جدید رفاهی و سکونت‌رازی بیشتر کرده بود.

توسعه خطوط لوله

یکی دیگر از اقدام‌های مهم این دوره، احداث خط لوله جدید میان مسجدسلیمان و آبادان بود. این خط لوله در کنار خط لوله قبلی، ظرفیت انتقال نفت را افزایش داد و امکان انتقال حجم بیشتری از نفت خام به آبادان را فراهم کرد. در پایان جنگ جهانی اول، مجموع ظرفیت خطوط لوله قدیم و جدید به

اندازه‌ای رسیده بود که امکان انتقال سالانه حدود سه میلیون تن نفت به آبادان وجود داشت. این ظرفیت، نشان‌دهنده رشد سریع زیرساخت‌های صنعت نفت ایران در فاصله کوتاهی پس از آغاز تولید تجاری نفت بود.

پالایش و صادرات نفت در آبادان

در آبادان نیز فعالیت‌های مربوط به تولید نفت روند توسعه خود را ادامه داد. پالایشگاه آبادان که پیش از آغاز جنگ ظرفیت سالانه‌ای حدود ۱۲۰ هزار تن داشت، در پایان جنگ به ظرفیت حدود یک میلیون تن در سال رسید. آمار صادرات نیز روند رشد فعالیت‌های نفتی را نشان می‌دهد. براساس آمار، در سال ۱۹۱۴ میلادی میزان صادرات نفت حدود ۲۷۴ هزار تن بود؛ این رقم در سال پایانی جنگ، یعنی ۱۹۱۸، به حدود ۸۹۷ هزار تن رسید. این افزایش صادرات در شرایطی اتفاق افتاد که جنگ جهانی اول بسیاری از مسیرهای تجاری و اقتصادی جهان را با بحران مواجه کرده بود.

اختلاف با شرکت نفت انگلیس و ایران

یکی از موضوع‌های مورد اختلاف، خسارت وارده شده به خطوط لوله نفت در جریان جنگ بود. دولت ایران معتقد بود هزینه تعمیر و مرمت خسارت‌های وارده بیش از ۲۰ هزار لیره خواهد بود و از سوی دیگر، مسئولیت این خسارت‌ها متوجه ایران نیست. استدلال دولت ایران این بود که عملیات نظامی کشورهای درگیر جنگ موجب نقض بی‌طرفی ایران شده است و از آنجا که ایران نقشی در آغاز یا ادامه این عملیات نداشته، نباید مسئولیت خسارت‌های ناشی از درگیری‌های نظامی را به عهده بگیرد.

از دید دولت ایران، حتی بریتانیا که از فعالیت‌های نفتی جنوب بهره می‌برد، یکی از طرف‌های درگیر جنگ بود و اقدام‌های نظامی آن کشور ارتباطی



در آغاز جنگ جهانی اول ماهانه حدود ۲۵ هزار تن نفت می‌شد. همین میزان صادرات نشان می‌دهد که آبادان و تأسیسات نفتی خوزستان چه جایگاه مهمی در تأمین انرژی مورد نیاز بریتانیا و نیروهای نظامی آن داشتند



مستقیم با دولت ایران نداشت؛ بنابراین، مسئول دانستن ایران در قبال خسارت‌های ناشی از این شرایط، از نظر دولت ایران قابل پذیرش نبود.

موضوع دیگری که در این دوره مورد اختلاف قرار گرفت، وقفه چندماهه در فعالیت‌های نفتی پس از آسیب دیدن خطوط لوله بود. دولت ایران برای رد ادعای شرکت نفت انگلیس و ایران، به سخنان رئیس این شرکت در مجمع عمومی صاحبان سهام در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۵ استناد می‌کرد. بر اساس این اظهارات، بخشی از مشکلات و توقف فعالیت‌ها به کمبود وسایل حمل‌ونقل آبی مربوط می‌شد.

دولت ایران استدلال می‌کرد که دولت بریتانیا در جریان عملیات جنگی، تعدادی از وسایل نقلیه آبی موجود در رود کارون را مصادره کرده و برای عملیات نظامی خود به رود دجله در عراق انتقال داده است؛ بنابراین، از نگاه دولت ایران، نمی‌توان تمام مسئولیت وقفه در فعالیت‌های نفتی را متوجه ایران کرد. در مجموع جنگ جهانی اول، نقطه مهمی در تاریخ صنعت نفت ایران به شمار می‌رود. ایران اگرچه در آغاز جنگ سیاست بی‌طرفی را اعلام کرده بود، اما اهمیت منابع نفتی جنوب و موقعیت راهبردی خوزستان باعث شد این بی‌طرفی در عمل با فشارها و مداخلات خارجی گروه‌های درگیر در جنگ روبه‌رو شود. مرور تحولات نشان داد که با وجود خسارت‌های زیاد به خطوط لوله و وقفه چندماهه در کار، تأسیسات نفتی توسعه یافت، ظرفیت پالایشگاه آبادان افزایش پیدا کرد، خطوط لوله گسترش یافت و راه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های صنعتی مسجدسلیمان توسعه پیدا کرد.

خانواده مشعل



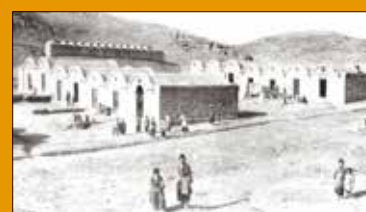
▲ دانش آموزان مدرسه نفت آبادان



▲ بیمارستان شرکت نفت - مسجد سلیمان - سال ۱۳۰۸ ش



▲ پمپ بنزین بازار آبادان - ساخته شده در سال ۱۳۰۶ ش



▲ ساختمان های بیست فوتی قدیمی کارگران شرکت نفت - مسجد سلیمان - ۱۳۰۰ ش



▲ سرویس های مدارس دانش آموزان شرکت نفت در مسجد سلیمان - اتوبوس های بدفورد



▲ دانشجویان آموزشگاه فنی - آبادان سال های دهه ۱۳۲۰ ش



▲ دورنمایی از اسکله و پالایشگاه آبادان - دهه ۱۳۰۰ ش



▲ پالایشگاه آبادان - سال ۱۳۰۳ ش

پیشکسوت صنعت نفت از ۳۹ سال خدمت در جایی میان دریا و خاطره می‌گوید

فلات قاره تکه‌ای از جان من است



مشعل | اکبر بابایی، پیشکسوت صنعت نفت، با هیبت یک وزنه‌بردار و کشتی‌گیر قدیمی با روحیه‌ای پهلوانی، پا به تحریریه مشعل گذاشت. او سال‌ها در شرکت نفت فلات قاره ایران خدمت کرده بود و آنجا را خانه دوم خود می‌دانست؛ خانه‌ای که دلنتگی را در دل او زنده می‌کرد. بابایی در گفت‌وگو با خبرنگار مشعل، از روزهای آغاز کار، تجربه‌هایش در حوزه تدارکات و خرید، مأموریت در لندن، راه‌اندازی امکانات ورزشی برای کارکنان و دشواری‌های کار و زندگی در مناطق عملیاتی فلات قاره و سکوهای دریایی می‌گوید.



🔥 از دوران کودکی زندگی پیش از ورود به صنعت نفت بگویید.

متولد سال ۱۳۳۳ در محله جوادیه تهران هستم. دوران ابتدایی را در دبستان تربیت گذراندم و پس از تحصیل در دبیرستان رهی معیری، دیپلم خود را از دبیرستانی دیگر گرفتم. سال ۱۳۵۳، دوره آموزشی سربازی ام را در بیرجند آغاز کردم و به مدت چهار ماه، آموزش‌های نظامی جدی دیدم. در آن زمان، شورشیان ظفار در عمان علیه دولت مرکزی قیام کرده بودند و پادشاه عمان از ایران درخواست کمک کرده بود. باتوجه به اینکه پیش از سربازی ورزش می‌کردم و از آمادگی بدنی خوبی برخوردار بودم، در برخی آموزش‌ها عملکرد مناسبی داشتم و قرار شد به عمان اعزام

شوم؛ تصمیمی که با مخالفت شدید پدر و مادرم روبه‌رو شد. در نهایت، پس از پایان دوره آموزشی، به تهران منتقل شدم و ادامه خدمت سربازی ام را در میدان حر گذراندم.

🔥 از سال‌های اولیه انقلاب و جنگ تحمیلی بگویید؟

با آغاز جنگ تحمیلی، فراخوانی برای برخی از نیروهای متقاضی خدمت اعلام شد. من هم داوطلبانه حدود شش ماه در مناطق غربی حضور داشتم. به دلیل تجربه و آموزش‌های قبلی، در برخی مأموریت‌ها، از جمله شناسایی شرکت کردم.

🔥 از علایق ورزشی خودتان بگویید

بله، از جوانی به ورزش علاقه داشتم و به‌ویژه

وزنه‌برداری را دنبال می‌کردم. آن زمان امکانات ورزشی همانند امروز نبود. برای ثبت نام در باشگاه باید شهریه می‌دادیم و گاهی همین هزینه برای ما مانع ایجاد می‌کرد؛ به همین دلیل، در خانه با وسایل دست‌ساز تمرین می‌کردم. در جوادیه باشگاهی به نام داریوش وجود داشت که گاهی به آنجا می‌رفتم. یکی از اتفاق‌های مهم زندگی ورزشی من آشنایی با اکبر یداللهی، قهرمان کشتی‌فرنگی بود. ایشان وقتی استعداد و علاقه من را دید، با مدیر باشگاه صحبت کرد و هزینه تمرینم را پذیرفت. با تمرین مستمر توانستم در مسابقات شرکت کنم و مقام‌هایی به دست بیاورم. بعد هم کشتی را در کنار وزنه‌برداری ادامه دادم.

🔥 ورود شما به صنعت نفت چگونه اتفاق افتاد؟

در سال ۱۳۵۹ از طریق یکی از دوستانم به شرکت نفت فلات قاره ایران معرفی شدم. در جریان استخدام، با آقای کلهر مسئول تدارکات و امور کالا مصاحبه کردم. ایشان درباره سوابق و توانایی‌هایم پرسیدند و در نهایت پذیرفته شدم. ابتدا به صورت قراردادی مشغول به کار شدم و پس از آن، وضعیت استخدامی ام به پیمانی تغییر کرد. با گذشت زمان و پیگیری‌های ایشان، وضعیت استخدامی ام تغییر کرد و رسمی شدم. کارم را در بخش تدارکات و امور کالاتهران آغاز کردم، اما به تدریج مسئولیت‌هایی در بخش خرید و تریخیص کالانیز به عهده گرفتم.

🔥 شروع کارتان در شرکت نفت فلات قاره ایران چگونه گذشت؟

در سال‌های نخست، حدود ۱۹ سال در تهران بودم، اما بخش زیادی از مأموریت‌هایم در مناطق عملیاتی و بنادر کشور، برای پیگیری خریدها و تریخیص کالای گذشت. این کار شامل تحویل کالا، بررسی اسناد و رفع مشکلات احتمالی برای تأمین به موقع نیازهای شرکت بود. بعدها به بخش سفارشات و خرید منتقل شدم و پیگیری پرونده‌های طرح‌های افزایش تولید، از جمله خرید مواد شیمیایی و تجهیزات را به عهده گرفتم. یکی از این پرونده‌ها حدود ۸۰ میلیون دلار ارزش داشت که توانستم نزدیک به ۴۷ میلیون دلار خرید را جذب و پیگیری کنم.

🔥 از مأموریت در دفتر لندن برایمان بگویید؟

دفتر لندن یکی از دفاتر خارجی شرکت نفت فلات

قاره بود.

هنگام اعزام به این دفتر، آقای رکن الدین جوادی (مدیر عامل اسبق شرکت ملی نفت ایران) نیز آنجا حضور داشت. مأموریتم قرار نبود طولانی باشد و بیشتر جنبه تشویقی داشت. با این حال، تلاش کردم از این فرصت برای آشنایی با روش‌های کاری و کسب تجربه برای فعالیت‌های آینده در ایران استفاده کنم. با انجام کامل وظایف و فراتر رفتن از انتظارات، رضایت مدیران را جلب کردم و نامه تقدیر و هدیه‌ای دریافت کردم.

🔥 چه اقدام‌هایی در حوزه ورزش شرکت نفت فلات قاره انجام دادید؟

یکی از مسئولیت‌هایم، توسعه امکانات ورزشی شرکت نفت فلات قاره ایران بود. ابتدا قرار بود

فضایی در ساختمان مرکزی شرکت نفت فلات قاره تبدیل شود، اما به دلیل مشکلات فنی، راه‌اندازی سالن بدنسازی در اولویت قرار گرفت. پس از تهیه تجهیزات، سالن راه‌اندازی شد و مسئولیت ورزش شرکت را به عهده گرفتم. تلاش کردیم کارکنان پس از ساعات اداری از امکانات ورزشی استفاده کنند و برنامه‌هایی جداگانه برای بانوان و آقایان در نظر گرفتیم. با وجود محدودیت‌های تشکیلاتی و دشواری‌های اجرایی، پیگیری امور و به نتیجه رساندن کارها را با علاقه دنبال می‌کردم.

🔥 برنامه‌های ورزشی را در مناطق عملیاتی هم دنبال می‌کردید؟

یکی از اهداف اصلی ما، گسترش امکانات ورزشی در مناطق عملیاتی و سکوها بود، زیرا کارکنان این مناطق به دلیل دوری از خانواده و شرایط دشوار کاری، به فعالیت‌های ورزشی و تفریحی بیشتری نیاز داشتند. در کنار تجهیز سالن‌ها، با تأمین‌کنندگان مذاکره کردیم تا کارکنان بتوانند وسایل ورزشی را با شرایط مناسب و به صورت اقساطی تهیه کنند و در خانه نیز به ورزش بپردازند.

🔥 از تجربه حضور در منطقه بهرگان توضیح دهید؟

پس از مدتی به منطقه بهرگان منتقل شدم و حدود ۹ سال پایانی خدمتم را در مناطق عملیاتی گذراندم. کارکنان در شرایط دشوار و با شیفت‌های ۱۲ ساعته، مسئولیت تولید و نگهداری تجهیزات را به عهده داشتند. گاهی برای رسیدن به چاه‌ها و تأسیسات، با قایق رفت‌وآمد می‌کردند و ساعت‌ها در انتظار بازگشت شناور می‌ماندند. در صورت بروز مشکل در تجهیزات باتوربین‌ها، همه برای رفع آن تلاش می‌کردند تا تولید هرچه زودتر از سر گرفته شود.

🔥 فشار روانی بر کارکنان در چنین محیطی زیاد بود؟

بله همین‌طور است. کارکنان مناطق عملیاتی با فشارهای متعدد، از دوری از خانواده تا مسئولیت سنگین تولید و شرایط نامساعد محیطی روبه‌رو هستند. گاهی فرد خبر فوت یکی از نزدیکانش را دریافت می‌کند، اما به دلیل دوری فاصله، محدودیت پروازها و دشواری رفت‌وآمد، امکان بازگشت فوری ندارد. به اعتقاد من، کارکنان مناطق عملیاتی شایسته توجه ویژه‌اند، زیرا وظیفه آنها تنها انجام کارهای فنی نیست، بلکه فعالیت در شرایطی دشوار است که درک آن برای دیگران آسان نیست.

🔥 در سال‌های جنگ تحمیلی، مناطق نفتی و صادراتی هدف حمله قرار می‌گرفتند. از آن دوران چه خاطره‌ای دارید؟

در آن سال‌ها، در مأموریت‌های مرتبط با مناطق عملیاتی، به‌ویژه جزیره خارگ حضور داشتم. یکی از خاطرات تلخ آن دوران، حمله به تأسیسات نفتی و خسارت‌های جانی وارد شده به همکاران بود. تعدادی از همکاران را از دست دادیم و نیروهای حاضر در تأسیسات با شرایط بسیار دشواری روبه‌رو شدند. با این حال، آنچه همیشه در ذهنم مانده، تلاش کارکنان برای تداوم تولید و صادرات نفت است. با وجود حمله‌ها و خسارت‌ها، همکاران با تمام توان کار می‌کردند تا

صادرات متوقف نشود. در آن شرایط، اتکا به توان داخلی اهمیت بسیاری داشت و متخصصان ایرانی باتکیه بر دانش و تجربه خود، تأسیسات را سربلند می‌داشتند.

🔥 از روزهای بازنشستگی برایمان بگویید؟

پس از ۳۹ سال خدمت بازنشسته شدم. تصور می‌کردم با رسیدن زمان بازنشستگی، از فشارهای کاری فاصله می‌گیرم و به راحتی وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوم، اما دل‌کندن از محیط کار بسیار سخت‌تر از آن چیزی بود که فکر می‌کردم. حدود یک ماه پس از بازنشستگی، احساس سردرگمی داشتم. سال‌ها به برنامه‌ای مشخص عادت کرده بودم؛ صبح زود به محل کار می‌رفتم و تا پایان شیفت مشغول کار بودم. پس از جدایی از آن محیط، جای خالی همکاران و مسئولیت‌ها را احساس می‌کردم. البته به تدریج به شرایط جدید عادت کردم، اما ارتباطم با دوستان و همکاران همچنان ادامه دارد. هنوز هم بسیاری از آنها را می‌بینم و درباره وضعیت مناطق عملیاتی و رویدادهای صنعت نفت گفت‌وگو می‌کنیم. در جنگ تحمیلی اخیر نیز به شدت نگران وضعیت مناطق عملیاتی بودم. مناطق عملیاتی برای من فقط محل کار سابقم نیستند، به نوعی خانه دوم هستند. هرگاه خبر حادثه‌ای را در یکی از این مناطق می‌شنوم، پیگیر می‌شوم و با همکارانم تماس می‌گیرم تا از وضعیت آنجا مطلع شوم. گاهی خانواده‌ام می‌پرسند چرا اینقدر نگرانم و پاسخم روشن است؛ سال‌های زیادی از عمرم را در کنار این افراد و در آن محیط‌ها گذرانده‌ام و هنوز احساس می‌کنم بخشی از وجودم آنجا مانده است.



زندگی مشترکی که از انتخاب شغلی در صنعت گاز آغاز شد

هم مسیر در صنعت همدل در خانه



فاطمه دهقان نیری | گاهی یک انتخاب شغلی، فقط انتخاب یک شغل نیست؛ انتخاب مسیری است که می‌تواند سال‌ها بعد، بخشی از هویت، خاطرات و حتی زندگی خانوادگی انسان شود. شهرزاد طاهریور، معاون مالی شرکت ملی گاز ایران و طهمورث بستانی املشی، سرپرست امور ورزش و تربیت بدنی این شرکت، همزمان در یک سال وارد صنعت گاز شدند؛ دو جوانی که شاید آن روز نمی‌دانستند صنعت قرار است روزی نه فقط محل کار، بلکه بخشی از داستان زندگی مشترکشان باشد و مسیر حرفه‌ای‌شان با زندگی مشترکشان گره بخورد. این زوج گازی، با وجود گذر زمان بیش از دو دهه فعالیت حرفه‌ای، در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل»، همچنان از انتخاب آن روزها با رضایت یاد می‌کنند.



قصه شهرزاد و طهمورث

شهرزاد طاهریور، متولد سال ۱۳۵۵، دانش‌آموخته حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز و کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان است. او از سال ۱۳۸۰ فعالیت خود را در صنعت گاز شروع کرده و بیش از ۱۵ سال آن در مسئولیت‌های مختلف حوزه مالی بوده است.

طاهریور هم اکنون با بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت در صنعت گاز، معاون مالی و رئیس هیئت‌مدیره شرکت گاز استان البرز است. وقتی از او درباره انتخاب شغل که بیشتر رنگ و بوی انتخابی عمیق و شخصی می‌دهد، می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: اگر به گذشته برگردم، با همه سختی‌ها و چالش‌هایی که این مسیر داشته است، باز هم همین انتخاب را می‌کنم، زیرا صنعت گاز را فقط یک محل کار نمی‌دانم؛ سال‌های حضور در این مجموعه برای من سال‌های یادگیری، تجربه، مسئولیت‌پذیری و همراهی با همکارانی بود که در حل مسائل و پیشبرد کارها کنار یکدیگر ایستادیم.

قصه ورود طهمورث بستانی املشی به صنعت گاز هم کم از این ماجرا ندارد. او متولد سال ۱۳۵۴، دانش‌آموخته مدیریت بازرگانی دانشگاه شهید چمران اهواز، کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس و دکترای مدیریت منابع انسانی از دانشگاه خوارزمی است. در سال ۱۳۸۰، همزمان چند انتخاب پیش روی او بود؛ شرکت مخابرات، وزارت بازرگانی و یک شرکت خصوصی، اما یک آگهی

استخدام شرکت ملی گاز ایران در روزنامه که برادرش آن را دیده و فرم استخدام را به نمایندگی از او تکمیل کرده بود، سرنوشت حرفه‌ای اش را تغییر داد.

ماجرای مصاحبه استخدامش هم شنیدنی است. روزی که برای مصاحبه مراجعه کرد، متوجه شد یک روز زودتر آمده و مصاحبه رشته دیگری درحال برگزاری است. اما با پیگیری و گفت‌وگو، از او مصاحبه کردند و چندی بعد هم راهی دوره آموزش بدو استخدام شد.

بستانی درباره آن روزها می‌گوید: آن زمان هنوز در انتخاب خود برای ورود به صنعت گاز کاملاً مطمئن نبودم، اما در همان دوره آموزشی، آشنایی با خانم طاهریور (همسرم) اتفاق افتاد که این تردید را برای همیشه به خاطره تبدیل کرد. اینطور بگویم که دوره آموزش بدو استخدام برای بسیاری از کارکنان شاید تنها یک مرحله اداری و آموزشی پیش از شروع کار باشد، اما برای من و همسرم، آغاز داستانی بود که از کلاس آموزشی شروع و تا خانه و زندگی مشترک ادامه پیدا کرد.

خانواده؛ اولین تیم برنده زندگی

برای شهرزاد طاهریور که بیش از ۱۵ سال آن انواع مسئولیت در بخش‌های مختلف مالی را داشته است، مدیریت فقط در محیط کار معنا پیدا نمی‌کند. وقتی از او درباره تأثیر حمایت‌های همسر در ایجاد موفقیت می‌پرسم، می‌گوید: بسیاری از

مهارت‌هایی که در خانواده آموخته‌ام، بعدها در مدیریت به کمک آمده است؛ صبر، شنیدن، درک تفاوت آدم‌ها و مدیریت شرایط دشوار؛ بنابراین موفقیت حرفه‌ای را نمی‌توان کاملاً از زندگی شخصی جدا کرد.

به باور او، خانواده موفق لزوماً خانواده‌ای نیست که همه مسئولیت‌ها در آن دقیقاً نصف شود، از نگاه من خانواده موفق خانواده‌ای است که اعضایش در دوره‌های مختلف زندگی، متناسب با شرایط، کنار یکدیگر بایستند و بار زندگی را با هم حمل کنند. برای یک زن که مسئولیت مدیریتی دارد، این همراهی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ البته همراهی همسر فقط انجام بخشی از کارهای خانه نیست، بلکه درک شرایط کاری، پذیرش مسئولیت مشترک در قبال فرزندان و ایجاد آرامش در خانه، بخش مهم‌تری از این همراهی است.

بستانی هم در پاسخ به این پرسش می‌گوید: تفکیک مسائل خانوادگی و کاری و انتقال ندادن موضوع‌های سازمانی به خانواده و مباحث خانواده به اداره، یکی از اصول اساسی موفقیت در هر دو جنبه زندگی کاری و خانوادگی است.

طهمورث بستانی از همسرش به عنوان مدیری متخصص، کاربلد و تأثیرگذار یاد می‌کند؛ مدیری که به کارش علاقه دارد و با توجه به مسئولیت‌های فعلی، گاهی تا ساعت هفت عصر درگیر کار است؛ البته یادآور می‌شود چون خودش سال‌ها در صنعت گاز حضور داشته، این موضوع کمک کرده است تا شرایط کاری همسرش را بهتر درک و تلاش



بانویی که هم کار می‌کند و هم خانه داری، توصیه‌ای به بانوان شاغل در جهت موفقیت بیشتر در شغل و زندگی داشته باشد که می‌گوید: زنان نباید خودشان را مجبور کنند بین موفقیت شغلی و زندگی شخصی یکی را انتخاب کنند. تعادل همیشه آسان نیست و ممکن است در دوره‌ای از زندگی، شغل و در دوره‌ای دیگر، خانواده به توجه بیشتری نیاز داشته باشد، اما این به معنای کنار گذاشتن یکی برای دیگری نیست.

او بر یادگیری، مسئولیت‌پذیری و نرسیدن از پذیرفتن مسئولیت‌های دشوار تأکید می‌کند؛ زن نباید از کمک خواستن خجالت بکشند. یک زن موفق کسی نیست که ثابت کند می‌تواند همه



کارها را به تنهایی انجام دهد، بلکه کسی است که توانایی‌های خودش را می‌شناسد، درست انتخاب می‌کند، از دیگران کمک می‌گیرد و در عین حال به رشد خود و خانواده اهمیت می‌دهد.

بیش از دو دهه از آن روزهای نخست کار و آشنایی شهرزاد طاهریور و طهمورث بستانی به عنوان زوجی شاغل در صنعت گاز گذشته است؛ از کانکس و انبار کالا، از دوره آموزش بدو استخدام، از نخستین مسئولیت‌ها و تجربه‌های مدیریتی تا جایگاه‌های یکدیگر بایستند و بار زندگی را با هم حمل کنند.

پاسخ هر دوی آنها که از دو فرهنگ مختلف گیلانی و لرستانی کنار هم ایستاده اند، «بله» است.

راهی که از یک انتخاب شغلی در سال ۱۳۸۰ آغاز شد، در یک دوره آموزشی به یک آشنایی رسید، در خانه به زندگی مشترک تبدیل شد و امروز، پس از بیش از دو دهه، همچنان با همان جمله ساده ادامه دارد: همیشه یک راه بهتر برای انجام کارها وجود دارد؛ به شرط آنکه در این مسیر، تنها نباشیم.



خانواده موفق خانواده‌ای است که اعضایش در دوره‌های مختلف زندگی، متناسب با شرایط، کنار یکدیگر بایستند و بار زندگی را با هم حمل کنند

نقش آفرینی یک خانواده نفتی در مسیر قهرمانی

دختران دهه نودی صنعت نفت روی سکوی افتخار



کنم که مفهوم خانواده ای که از آن یاد کردم، تا حد ممکن محقق شود.

ثمره امروز من و همسرم در زندگی، دخترانم هستند که با حمایت های خانواده موفق عمل کرده اند و به وجودشان افتخار می کنم.

اسماعیلی ادامه می دهد: در جایگاه یک همسر و پدر، نقش خود را مثل کارگردانی می بینم که از پشت صحنه هدایت می کند تا همه چیز حتی المقدور سر جای خودش باشد. تلاش افراد پشت صحنه، معمولاً خیلی دیده نمی شود؛ اما همین تلاش های پشت صحنه، بخش مهمی از موفقیت ها را در خانواده رقم می زند و از این بابت خوشحالم.

وی اشاره می کند: یکی از بزرگ ترین و مهم ترین ویژگی ها در زندگی، فداکار بودن این دو قهرمان، چه در جایگاه همسر و جایگاه و در کل، "خانواده" بسیار اهمیت دارد. اسماعیلی در ادامه می گوید: مردها با وجود همه سختی های کار بیرون از خانه تلاش می کنند آسایش و آسودگی را برای همسر و فرزندان شان رقم بزنند و بهترین ها را برای خانواده فراهم کنند.

وی درباره دختران خود فاطمه و مائده نیز می گوید: دختر بزرگم فاطمه که متولد سال ۱۳۹۲ است، تاکنون مقام استانی متعددی در رشته های کاراته و ژیمناستیک کسب کرده و در رقابت های کشوری کاراته نیز مدال آور بوده است. مائده هم که متولد سال ۱۳۹۵ است، به تازگی ورزش کاراته را شروع کرده و راه خواهر بزرگترش را پیش گرفته است. او نیز با وجود سن کم، کارنامه ورزشی خوبی دارد و موفق به کسب نشان کشوری شده است.

اسماعیلی اظهار می کند: آرزو دارم دخترانم، فاطمه و مائده، افتخار آفرین و باعث سربلندی کشور باشند و وقتی بزرگتر شدند، همراهی و حمایت پدر و مادرشان در سال های سخت مسیر زندگی شان را فراموش نکنند.

وی تأکید می کند: دوست دارم دخترانم این مسیر انتخابی را با تلاش و پشتکار تارسیدن به نتیجه مطلوب ادامه دهند و در رقابت های آسیایی و المپیک، به قهرمانی که آرزوی من و همسرم است، دست یابند.

مشعل | خانواده با درک متقابل از یکدیگر معنای بیشتری پیدا می کند. تلاش، فداکاری و عمق دادن به روح زندگی، همه آن چیزهایی هستند که ناصر اسماعیلی، افسر آتش نشان شرکت ملی پخش فراورده های نفتی منطقه قم به آن اعتقاد دارد. او به همراه همسرش مریم سوریان و دو دخترشان، فاطمه و مائده، استحکام خانواده را بر هر چیزی مقدم می شمارند و تلاش می کنند آینده ای خوب برای تک تک افراد خانواده رقم بخورد. فاطمه و مائده اسماعیلی، دو خواهر دهه نودی این خانواده نفتی هستند که مسیرشان از تمرین های ژیمناستیک و کاراته به سکوهای قهرمانی کشور رسیده و پشت این دو قهرمان، خانواده ای ایستاده که بخش مهمی از این مسیر را بی سروصدا ساخته است.

ناصر اسماعیلی، پدری که ۲۲ سال در قامت آتش نشان خدمت کرده و پشت صحنه زندگی، همواره حامی فرزندانش بوده و مریم سوریان، مادری که با مهر، دلگرمی و آرامش، در روزهای سخت کنار آنها ایستاده است.

برای این خانواده، نشان طلا فقط حاصل چند دقیقه رقابت نیست؛ پشت هر رنگ و نشان، سال ها تلاش، خستگی، اضطراب و همراهی خانواده قرار دارد. خانواده اسماعیلی در گفت و گو با خبرنگار "مشعل" از راه و مسیری می گویند که در زندگی طی کرده اند.

پدر کارگردان خانواده است

ناصر اسماعیلی، صحبت های خود را از این نقطه آغاز می کند که یکی از بزرگ ترین و مهم ترین مسئولیت هادر زندگی، فداکار بودن است؛ چه در نقش همسر و چه در جایگاه پدر که نقش آفرینی موثر و کارآمد در هر دو بسیار اهمیت دارد.

وی می گوید: برپایه همین اعتقاد، تلاش کرده ام نقش خود را در خانواده، در دو جایگاه همسر و پدر به نحوی ایفا کنم که افزون بر مسئولیت حرفه ای ام به عنوان آتش نشان، زندگی خانوادگی را هم به گونه ای هدایت



ماهیت شغلی اش، گاه تحت فشار است که در چنین شرایطی، من سعی می کنم در مدیریت شرایط خانه بیشتر کمک کنم. وی ادامه می دهد: استرس دخترهایم نیز به ویژه در روزهای نزدیک به مسابقه بیشتر می شود. به همین دلیل تلاش می کنم با حضور و همراهی خود، بخشی از این فشار را از دوش آنها بردارم و با مهر و عشق مادرانه، که مهم ترین تکیه گاه برای دلگرم کردن دخترهایم است، گاه آنها را در آغوش بگیرم، مواظبتان را نوازش کنم و گاه با سرگرم کردنشان کمک کنم که کمتر به نتیجه مسابقه فکر کنند.

سوریان ادامه می دهد: مهم این است که فاطمه و مائده با آرامش وارد میدان مسابقه شوند، تمام توان خود را به کار گیرند و فارغ از نتیجه، از تلاشی که برای رسیدن به آن کرده اند، احساس رضایت کنند. سوریان با اشاره به موفقیت های فرزندانش می گوید: پشت هر کدام از این دستاوردها، زحمات و عشق پدر و مادر به فرزندان نهفته است. پدر و مادری که با تمام وجود تلاش می کنند فرزندان خود را در مسیری که انتخاب کرده اند، پیش ببرند. او با بیان اینکه فرزندان در هر سنی که باشند، برای پدر و مادر، همان کودک خردسال هستند، اظهار می کند: در وهله نخست امیدوارم فاطمه و مائده در ادامه مسیر زندگی، بیش از کسب هر موفقیت

و افتخار، سلامت و تندرست باشند و آرزوی قلبی ام این است که روزی هر دوی آنها را در لباس تیم ملی کشورمان، "ایران" ببینم. برای خانواده اسماعیلی، کسب مدال های رنگین مقصد نیست؛ آموختن صبر، بردباری، ایستادگی و چگونه ادامه دادن زندگی در روزهای سخت، ارزش هایی هستند که بیش از هر چیز اهمیت دارند؛ زیرا باور دارند که سکو اگرچه پایان یک مسابقه است؛ اما زندگی، میدان بزرگ تری برای قهرمان پروری است.

فداکاری هایشان بدهم.

وی درباره آرزوی در عرصه ورزش می گوید: دوست دارم روزی با پیراهن تیم ملی در رقابت های کاراته آسیایی و المپیک حضور پیدا کنم؛ آرزویی که برای رسیدن به آن، باید مسیری طولانی طی کرد و تمرین زیادی انجام داد.

قدردان پدر و مادرم هستم

مائده، دختر کوچک خانواده اسماعیلی که امسال وارد ۱۰ سالگی می شود و تاکنون سه مدال رنگارنگ کشوری را در رشته کاراته به دست آورده، می گوید: بیش از هر چیز، انگیزه ورود و ادامه این مسیر را از خواهر بزرگترم می گیرم. تماشای شادی فاطمه پس از کسب پیروزی ها و دیدن مدال هایی که به دست می آورد، برایم انگیزه ورود به میدان می شود و دوست دارم مسیر قهرمانی را در کنار خواهرم دنبال کنم. مائده نیز همچون خواهرش فاطمه در کنار انگیزه ای که از خواهر بزرگترش گرفته است، ادامه می دهد: پدر و مادرم از نخستین روزهای این مسیر کنار من و خواهرم بودند و با حمایت و همراهی خود، زمینه ای فراهم کردند که بتوانیم وارد این عرصه شویم. من و خواهرم خود را مدیون خانواده و حمایت پدرمادرم می دانیم؛ قدردان آنها هستیم و امیدواریم بتوانیم پاسخ مناسبی به محبت ها و فداکاری های شان بدهیم.

دیدن دخترانم در لباس تیم ملی ایران

مریم سوریان، مادر فاطمه و مائده اسماعیلی هم از روزهایی می گوید که دخترهایش در مسیر تمرین و مسابقه خسته می شدند و ادامه دادن برایشان دشوار بود. وی تصریح می کند: در روزهای پیش از مسابقه همیشه تلاش می کردم بیشتر کنار آنها باشم، به آنها انگیزه بدهم و تشویق شان کنم تا فارغ از نتیجه، با پشتکار، مسیری را که در آن قدم گذاشته اند، ادامه دهند و برای رسیدن به موفقیت تلاش کنند. سوریان درباره نقش مادرانه خود در روزهای سخت زندگی می گوید: همسرم به دلیل



کاراته فعالیت می کند، ادامه می دهد: بخش بزرگی از موفقیت هایی که من و مائده به دست آورده ایم، حاصل حمایت پدر و مادری است که همیشه در روزهای سخت پشت ما قرار داشتند و به ما دلگرمی دادند.

وقتی از او سوال شد به عنوان فرزند نفتی آیا تاکنون حمایتی از سوی این صنعت دریافت کرده است، پاسخ می دهد: در مقطعی، حمایت هایی از سوی شرکت ملی پخش فراورده های نفتی منطقه قم مثل اعزام به استان های همجوار برای حضور در مسابقات و پرداخت کمک هزینه های ورزشی، نقش مؤثری در ادامه مسیر و پیشرفت ورزشی ما داشته است.

فاطمه با قدردانی از پدر و مادر خود در طی این مسیر ورزشی اظهار می کند: مادری دارم که تمام خستگی های من و خواهرم را به جان می خرد و پدری که با وجود تمام سختی ها، هزینه های ورزشی مان را تأمین می کند. قدردان زحمات آنها هستم و امیدوارم بتوانم پاسخ مناسبی به

از خط قرمزهای هوش مصنوعی پرهیز کنیم

ایمنی در عصر دیجیتال



مشعل | این روزها هوش مصنوعی از یک فناوری نوظهور فاصله گرفته و به بخشی از زندگی روزمره انسان تبدیل شده است؛ ابزارهایی که زمانی فقط برای پاسخ‌گویی و انجام چند وظیفه ساده به کار می‌رفتند، حالا در بسیاری از حوزه‌ها به دستیارهای قدرتمند و در دسترس تبدیل شده‌اند. با این حال، هرچه دامنه حضور هوش مصنوعی گسترده‌تر می‌شود، شناخت مرزهای استفاده از آن نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا اعتماد بی‌محاسبه به این ابزارها، از به اشتراک‌گذاری اطلاعات حساس و تهدید حریم خصوصی گرفته تا خطاهای اطلاعاتی و مسائل اخلاقی، می‌تواند پیامدهایی داشته باشد که جبران آن همیشه آسان نیست. دانستن اینکه چت بات‌ها چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند، به اندازه شناخت کارهایی که نباید به آن سپرد اهمیت دارد؛ نباید‌هایی که رعایت آنها می‌تواند استفاده از این فناوری را ایمن‌تر، آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تر کند.

پی‌اعتمادی به هوش مصنوعی در سلامت

یکی از مهم‌ترین موارد اشتباه در استفاده از چت بات‌ها تصمیم‌گیری درباره مسائل پزشکی و سلامت است. چت بات‌ها هرچقدر هم در ارائه اطلاعات و پاسخگویی توانمند باشند، هیچ‌گاه جایگزین پزشک و متخصص نیستند و نباید برای تشخیص بیماری، انتخاب روش درمان یا تصمیم‌گیری درباره دارو و مواد مصرفی به آنها تکیه کرد، زیرا باید پذیرفت که بسیاری از پزشکان و متخصصان، فرصت انتشار مداوم مقاله، تجربه‌های بالینی و دانش تخصصی خود در فضای عمومی اینترنت ندارند؛ بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت هر آنچه یک چت بات از میان انبوه اطلاعات موجود در فضای وب استخراج و ارائه می‌کند، بازتاب دهنده دانش و

تجربه واقعی متخصصان باشد. شاید یک پاسخ اشتباه درباره موضوعی ساده، پیامد چندانی نداشته باشد، اما وقتی پای چیزی که قرار است وارد بدن شود، روی پوست استفاده شود، جایگزین دارو شود یا بر میزان خواب و سلامت فرد اثر بگذارد در میان است، نمی‌توان با آزمون و خطا پیش رفت. هوش مصنوعی می‌تواند برای آشنایی اولیه با موضوع‌های سلامت مفید باشد، اما تصمیم‌گیری درباره سلامت باید بر پایه نظر پزشک و متخصصان مربوط انجام شود.

هوش مصنوعی بی‌احساس است

در نگاه اول، ممکن است به نظر برسد چت بات‌هایی مانند ChatGPT به دلیل توانایی در گفت‌وگو و ارائه پاسخ‌های سریع و منسجم، ممکن است در نگاه اول مانند یک مشاور یا حتی درمانگر قابل اتکا به نظر برسند، اما واقعیت به این سادگی نیست. چت بات‌ها در موقعیت‌های حساس زندگی، از جمله رویارویی با بحران‌های روانی یا روابط عاطفی، همیشه نمی‌توانند واکنشی متناسب، مسئولانه و ایمن داشته باشند، زیرا درکی از آن اتفاق ندارند، نمونه‌هایی نیز از پاسخ‌های نامناسب چت بات‌ها در چنین موقعیت‌هایی در زندگی نوجوانان گزارش شده است.

سایت OPENAI تخمین زده است که ۱۵ درصد از کاربران در یک هفته با ChatGPT مکالماتی با نشانه‌های صریح برنامه‌ریزی خودکشی دارند که معادل بیش از یک میلیون نفر در این بازه زمانی است. همچنین پژوهشگران دریافته‌اند چت بات‌ها تمایل دارند با پاسخ‌های چاپلوسانه، باورهای موجود کاربر را تقویت کنند و در برخی موارد تفکر هذیانی را تغذیه کنند. البته با به روزرسانی‌های سال‌های اخیر در چت بات‌ها قوانین سختگیرانه‌ای وضع شده تا در چت بات‌ها در مواردی آسیب زدن کاربر هیچ تحریکی ایجاد نکنند و او را منصرف کنند. با این حال، بسیاری از مردم از چت بات‌ها به عنوان تراپیست یا مشاور استفاده می‌کنند و ممکن است توصیه‌هایی دریافت کنند که نادرست، نگران‌کننده یا حتی برخلاف اصول پذیرفته شده باشد. نکته مهم اینجاست که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یک چت بات ممکن است در گفت‌وگو پاسخی ارائه دهد که با خواسته یا انتظار کاربر همخوان باشد؛ به اصطلاح پاسخی می‌دهد که کاربر از آن خوشش بیاید!

بنابراین، موافقت چت بات با تصمیم یا احساس ما، به معنای درست یا مناسب بودن آن نیست.

دریافت مشاوره حقوقی زبان‌آور است

استفاده از هوش مصنوعی برای دریافت مشاوره حقوقی نیز می‌تواند با خطرهایی همراه باشد. بر اساس یک پایگاه داده عمومی که توسط یک محقق حقوقی نگهداری می‌شود، بیش از ۲ هزار حکم دادگاه در سراسر جهان به دلیل استناد به اطلاعات جعلی ChatGPT صادر شده است. در این میان، ۸۱۵ مورد مربوط به وکلا و یک هزار و ۱۷۵ مورد مربوط به افرادی بوده است که بدون وکیل از خود دفاع کرده‌اند و دادگاه‌ها در برخی از این موارد جریمه‌های سنگینی اعمال کرده‌اند. از سوی دیگر، چت باتی مانند CHATGPT مصونیت قانونی ندارد و اطلاعاتی که کاربر در این سرویس وارد می‌کند، ممکن است در فرایندهای حقوقی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین براساس سیاست‌های به‌روزرسانی‌شده OpenAI در اکتبر ۲۰۲۵، استفاده از این سرویس برای ارائه مشاوره تخصصی که نیازمند مجوز است، ممنوع شده است. هرچند هوش مصنوعی می‌تواند برای آشنایی اولیه با مفاهیم و اصطلاحات حقوقی مفید باشد، تصمیم‌گیری درباره مسائل حقوقی مهم و پرونده‌های قضایی موضوعی نیست که بتوان بر اساس پاسخ یک چت بات درباره آن اقدام کرد.

اطلاعات محرمانه سازمانی، خط قرمز کاری

یکی از مهم‌ترین نباید‌ها در استفاده از هوش مصنوعی، به اشتراک گذاشتن اسناد محرمانه و اطلاعات کاری حساس و طبقه بندی شده است. وارد کردن قراردادها، اطلاعات مشتریان، کدهای داخلی یا هر داده‌ای که انتشار آن می‌تواند برای فرد یا سازمان پیامد داشته باشد، در چت بات‌های عمومی، اقدامی پرریسک است، زیرا کاربر همیشه کنترل کاملی بر محل نگهداری و نحوه استفاده از این اطلاعات ندارد.

در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از ورود اطلاعات محرمانه سازمانی به چت بات‌ها گزارش شده است؛ اتفاقی که در برخی موارد به هشداری امنیتی و بررسی‌های داخلی منجر شده است. حتی برخی شرکت‌ها پس از مشاهده چنین مواردی، محدودیت‌هایی برای استفاده کارکنان از ابزارهای هوش مصنوعی اعمال کرده‌اند. دلیل این حساسیت روشن است؛ داده‌ای که وارد یک پلتفرم خارجی می‌شود، ممکن است روی سرورهای خارج از سازمان ذخیره شود و حذف یا کنترل کامل آن دشوار باشد.

بهتر است چت بات‌های خود را محلی برای نگهداری اطلاعات محرمانه ندانیم. اطلاعات شخصی، اسناد کاری، داده‌های مشتریان و مطالبی که تحت قراردادهای محرمانگی یا مقررات سازمانی قرار دارند، نباید بدون اطمینان از سازوکار حفظ و حفاظت از داده‌ها در اختیار چت بات‌ها قرار گیرند.

در استفاده از هوش مصنوعی، همان قدر که کیفیت پاسخ اهمیت دارد، باید به این پرسش نیز توجه کنیم که چه اطلاعاتی را نباید به آن بسپاریم؟

ورود اطلاعات هویتی ممنوع

یکی دیگر از مهم‌ترین خط‌قرمزها در استفاده از چت بات‌ها، وارد کردن اطلاعاتی مانند رمز عبور، کدهای ورود، شماره‌های شناسایی، اطلاعات بانکی و تصاویر مدارک هویتی است. این اطلاعات، حتی اگر در قالب یک پرسش ساده وارد شوند، می‌توانند ماهیتی بسیار حساس داشته باشند و نباید با یک ابزار هوش مصنوعی مانند یک دفترچه شخصی یا فضای کاملاً خصوصی برخورد کرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۴۵۰۰ گفت‌وگوی ChatGPT در نتایج جست‌وجوی گوگل قابل مشاهده شده بود؛ این اتفاق مربوط به قابلیت بود که امکان عمومی‌کردن و قابل جست‌وجو شدن برخی مکالمات را فراهم می‌کرد و پس از بروز نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی، کنار گذاشته شد. بهتر است اطلاعاتی مانند رمزهای عبور، کدهای یک بار مصرف، شماره گذرنامه و مدارک هویتی، اطلاعات کامل کارت بانکی و سایر داده‌های حساس را در اختیار چت بات‌ها

قرار ندهیم. در فضای دیجیتال، پیشگیری از افشای چنین اطلاعاتی بسیار مهم‌تر از این است که بعدها تلاش کنیم آنها را از یک سرویس آنلاین حذف کنیم.

ایمن بمان و لذت ببر

با وجود پیشرفت‌های خیره‌کننده و نفوذ هوش مصنوعی در جنبه‌های مختلف زندگی، از تولید موسیقی و محتوا گرفته تا کاربردهای شغلی، همچنان حوزه‌هایی وجود دارند که ورود بی‌محابای این فناوری به آنها می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد. در عصر دیجیتال که ابزارها و اطلاعات با سرعتی بی‌سابقه در دسترس قرار گرفته‌اند، مهم‌تر از دسترسی به یک ابزار، شناخت درست و شیوه استفاده ایمن از آن است.

استفاده مکرر و بی‌رویه از چت بات‌های هوش مصنوعی مانند ChatGPT در امور روزمره، اگر جای فکرکردن، تصمیم‌گیری و حل مسئله از سوی انسان را بگیرد، می‌تواند به تدریج نقش و اختیار فرد را در رویارویی با چالش‌های زندگی کم‌رنگ کند. هوش مصنوعی ابزاری قدرتمند در کنار انسان است، اما وکیل شما نیست، پزشک شما نیست و قطعاً تراپیست شما هم نخواهد بود.

شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های این فناوری، لازمه استفاده درست از آن است، زیرا تصمیم‌نهایی و مسئولیت انتخاب، همچنان باید به عهده انسان و قدرت تفکر و قضاوت او باقی بماند.

برگرفته از سایت ENGADGET



چت بات‌ها در موقعیت‌های حساس زندگی از جمله رویارویی با بحران‌های روانی یا روابط عاطفی همیشه نمی‌توانند واکنشی متناسب مسئولانه و ایمن داشته باشند، زیرا درکی از آن اتفاق ندارند

راهکارهای طلایی برای حفظ استحکام استخوان‌ها در سنین مختلف

سپردفاعی در برابر پوکی استخوان



مشعل پوکی استخوان از بیماری‌هایی است که می‌تواند سال‌ها بی‌آنکه نشانه مشخصی ایجاد کند، پیش برود و به تدریج تراکم و استحکام استخوان‌ها را کاهش دهد؛ روندی که با افزایش سن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند ستون فقرات، مج دست و لگن را در معرض آسیب قرار دهد. در اهمیت این بیماری همین بس که ۲۰ اکتبر برابر با ۲۸ مهرماه در تقویم جهانی به نام روز جهانی پوکی استخوان شناخته می‌شود؛ روزی برای افزایش آگاهی درباره نوعی بیماری که گاهی تا زمان نخستین شکستگی خود را نشان نمی‌دهد و توجه به پیشگیری و تشخیص زودهنگام را یادآوری می‌کند. فهیمه ثمره محمدیان، متخصص بیماری‌های داخلی بهداشت و درمان صنعت نفت شمال شرق کشور، در گفت‌وگو با خبرنگار «مشعل» درباره چستی پوکی استخوان، عوامل مؤثر بر بروز آن، راه‌های تشخیص، پیشگیری و درمان و اهمیت مراقبت از سلامت استخوان‌ها توضیحاتی ارائه کرده است که در ادامه می‌خوانید.

🔥 پوکی استخوان چیست و چه اتفاقی برای استخوان‌ها رخ می‌دهد؟

پوکی استخوان، وضعیتی است که در آن استخوان‌ها به تدریج نازک‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند و احتمال شکستگی آنها افزایش پیدا می‌کند. استخوان نیز مانند سایر بافت‌های بدن دائماً در حال تغییر و بازسازی است؛ بدن استخوان‌های قدیمی و آسیب‌دیده را از بین می‌برد و سلول‌های جدید استخوانی جایگزین آنها می‌کند. تا حدود ۳۰ سالگی این روند تقریباً متعادل است و سرعت ساخت استخوان جدید با سرعت حذف استخوان قدیمی برابری می‌کند؛ اما پس از ۳۰ تا ۴۰ سالگی ممکن است این تعادل به تدریج از بین برود و روند تحلیل استخوان از ساخت آن پیشی بگیرد. در نتیجه با افزایش سن، تراکم استخوان کاهش می‌یابد و به دنبال آن استحکام و کیفیت استخوان‌ها نیز کمتر می‌شود.

🔥 چرا پوکی استخوان در زنان شیوع بیشتری دارد و چه عواملی زنان و مردان را در معرض این بیماری قرار می‌دهد؟

یکی از مهم‌ترین دلایل، کاهش سریع سطح استروژن در زنان پس از یائسگی است که می‌تواند روند تحلیل استخوان را سرعت ببخشد. همچنین زنان معمولاً استخوان‌های کوچک‌تر و نازک‌تری نسبت به مردان دارند. در مردان، کاهش هورمون‌های جنسی از جمله تستسترون معمولاً با سرعتی کمتر و در سنین بالاتر اتفاق می‌افتد، بنابراین ضعف استخوان اغلب دیرتر بروز می‌کند؛ البته پوکی استخوان محدود به سالمندی یا یک فرد خاص نیست و عواملی مانند تغذیه نامناسب و کم‌تحركی می‌تواند حتی در سنین پایین‌تر نیز سلامت استخوان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

🔥 مهم‌ترین عوامل خطر ابتلا به پوکی استخوان چیست؟

افزایش سن، یکی از عوامل اصلی است و بیشتر افراد مبتلا به پوکی استخوان، بالای ۵۰ سال سن دارند؛ زیرا پس از این سن، سرعت تشکیل استخوان معمولاً کمتر از سرعت تحلیل آن می‌شود. تغییرات هورمونی نیز نقش مهمی دارند. در زنان کاهش سریع استروژن در دوران یائسگی و در مردان کاهش تدریجی هورمون‌های جنسی با افزایش سن می‌تواند به تحلیل استخوان منجر شود. زمینه ژنتیکی نیز اهمیت دارد و سابقه خانوادگی پوکی استخوان یا شکستگی استخوان در خانواده مادری می‌تواند خطر ابتلا را افزایش دهد. در کنار این عوامل، برخی بیماری‌ها، داروها، تغذیه نامناسب و سبک زندگی کم‌تحرك نیز می‌توانند سلامت استخوان‌ها را تهدید کنند.

🔥 چه داروها و بیماری‌هایی می‌توانند خطر ابتلا به پوکی استخوان را افزایش دهند؟ برخی داروها در صورت مصرف طولانی‌مدت می‌توانند روند تحلیل استخوان را افزایش دهند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به کورتیکواستروئیدها مانند پردنیزولون، داروهای ضدانقباض مانند هپارین، داروهای ضد تشنج، برخی داروهای مورد استفاده در درمان سرطان پستان و پروستات، متوترکسات، بعضی داروهای ادرارآور و لیتیوم اشاره کرد. از سوی دیگر، برخی بیماری‌ها نیز با افزایش خطر پوکی استخوان همراه هستند؛ از جمله بیماری‌های گوارشی مانند بیماری التهابی روده و سلیاک، برخی بیماری‌های مزمن کلیوی و کبدی، اختلالات خودایمنی مانند لوپوس، ام‌اس و آرتريت روماتوئید، بعضی اختلالات خونی مانند لنفوم و مولتیپل میلوما و اختلالات غدد درون‌ریز مانند پرکاری تیروئید، دیابت و یائسگی زودرس.

🔥 تغذیه چه نقشی در حفظ استحکام استخوان‌ها دارد و چه عادات‌هایی سلامت آن را تهدید می‌کند؟

تغذیه مناسب، یکی از پایه‌های حفظ سلامت استخوان است. دریافت ناکافی کلسیم، کمبود ویتامین D و مصرف ناکافی پروتئین می‌تواند به کاهش کیفیت استخوان‌ها کمک کند. کاهش وزن شدید و اختلالات غذا خوردن نیز از عوامل مؤثر هستند. در کنار تغذیه، سبک زندگی اهمیت زیادی دارد. سیگار کشیدن با اثر مستقیم نیکوتین بر سلول‌های استخوان‌ساز، میزان استخوان‌سازی را کاهش می‌دهد و می‌تواند روند از دست رفتن استخوان را افزایش دهد. مصرف الکل و نداشتن فعالیت بدنی نیز از عوامل خطر به شمار می‌آیند. فعالیت بدنی منظم، به‌ویژه ورزش‌های استقامتی، از دوران کودکی تا بزرگسالی اهمیت دارد و توصیه می‌شود در هفته دست‌کم ۱۵۰ دقیقه فعالیت بدنی با شدت متوسط انجام شود.

🔥 پوکی استخوان چگونه تشخیص داده می‌شود و چه زمانی سنجش تراکم در این زمینه

اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؟

سنجش تراکم استخوان، اصلی‌ترین روش بررسی کاهش توده استخوانی و تشخیص پوکی استخوان است و این امکان را فراهم می‌کند که کاهش توده استخوانی پیش از وقوع شکستگی شناسایی شود. این آزمایش دقیق، بدون درد و بی‌خطر است و در افرادی که توده استخوانی پایین یا پوکی استخوان دارند، معمولاً تکرار آن هر دو تا سه سال برای ارزیابی وضعیت استخوان‌ها توصیه می‌شود. در کنار آن، پزشک می‌تواند در معاینه‌های معمول نشانه‌هایی مانند کاهش قابل توجه قد را بررسی کند. آزمایش‌های خون و ادرار نیز در برخی موارد برای بررسی وضعیت بیمار و عوامل مرتبط با کاهش تراکم استخوان مورد استفاده قرار می‌گیرند. داشتن سابقه خانوادگی پوکی استخوان، ابتلا به بیماری‌های افزایش‌دهنده خطر شکستگی یا مصرف داروهای مؤثر بر تحلیل استخوان، اهمیت بررسی و پیگیری پزشکی را بیشتر می‌کند.

🔥 برای پیشگیری از پوکی استخوان و کاهش خطر شکستگی چه اقدام‌هایی می‌توان انجام داد؟

پیشگیری از پوکی استخوان از اصلاح سبک زندگی و توجه به تغذیه آغاز می‌شود. داشتن رژیم غذایی مناسب، دریافت کافی کلسیم و ویتامین D و مصرف پروتئین به میزان مناسب در حفظ سلامت استخوان‌ها اهمیت دارد. فعالیت بدنی منظم و مداوم نیز باید بخشی از برنامه زندگی باشد؛ ورزش‌های استقامتی می‌توانند روند تحلیل استخوان را کندتر کنند. ترک سیگار، پرهیز از مصرف الکل و کنترل بیماری‌هایی مانند دیابت و فشار خون بالانیز اهمیت دارد. در صورت نیاز، پزشک ممکن است مصرف مکمل‌هایی مانند کلسیم و ویتامین D یا داروهایی را برای کاهش خطر شکستگی و افزایش تراکم و قدرت استخوان توصیه کند. مهم این است که پیشگیری و درمان بر اساس شرایط هر فرد و با نظر پزشک انجام شود.

🔥 تا چه اندازه می‌توان با پیشگیری از زمین خوردن از مهم‌ترین عارضه پوکی استخوان جلوگیری کرد؟

زمین خوردن یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکستگی در افراد مبتلا به پوکی استخوان است و بسیاری از زمین خوردن‌ها به دلایلی ساده و قابل پیشگیری اتفاق می‌افتند. سطوح لغزنده یا خیس، نور کم، کفش نامناسب، نبود نرده و وجود وسایل یا سیم‌های برق در مسیر رفت‌وآمد می‌توانند خطر سقوط را افزایش دهند. با ایجاد تغییرات ساده در محیط زندگی می‌توان این خطر را تا حد زیادی کاهش داد. تأمین نور مناسب در اتاق‌ها و مسیرهای رفت‌وآمد، جمع کردن وسایل و سیم‌ها از کف، چیدن مناسب مبلمان برای ایجاد مسیر مشخص، نصب نرده در دو طرف راه‌پله، مرتب کردن فرش‌های جمع‌شده و استفاده از دستگیره‌های کمکی در حمام از جمله این اقدام‌ها هستند. استفاده از کفپوش لاستیکی یا نوارهای ضدلغزش نیز می‌تواند لغزندگی کف حمام را کاهش دهد.

🔥 اگر پوکی استخوان تشخیص داده شود آیا همیشه به درمان دارویی نیاز است؟

هدف اصلی درمان، پیشگیری از شکستگی، کاهش سرعت از دست رفتن تراکم استخوان و افزایش قدرت استخوان‌هاست. هیچ‌یک از درمان‌ها به تنهایی کامل نیستند؛ اما تشخیص زودهنگام و درمان به موقع می‌تواند خطر شکستگی‌های بعدی را کاهش دهد. اگر خطر پوکی استخوان و شکستگی بالا نباشد، الزاماً درمان دارویی مورد نیاز نیست و تمرکز بیشتر بر کنترل عوامل خطر، تغذیه مناسب، فعالیت بدنی و جلوگیری از زمین خوردن خواهد بود. در افرادی که خطر شکستگی بالاست، پزشک ممکن است درمان دارویی را در نظر بگیرد.

🔥 مهم‌ترین داروهای مورد استفاده در درمان پوکی استخوان کدام‌اند و چه نکاتی درباره آنها باید مورد توجه باشد؟

بیس فسفونات‌ها از داروهای رایج درمان پوکی استخوان هستند و داروهایی مانند آلترونت سدیم، ریزدرونا، ایباندرونا و زولدرونا در این گروه قرار می‌گیرند. داروهای دیگری مانند رالوکسیفن، کلسی‌تونین در موارد محدود و با تشخیص پزشک و دونوسوماب نیز برای کاهش از دست رفتن استخوان و افزایش قدرت آن استفاده می‌شوند. برخی داروها مانند تری‌پاراتیدها به تشکیل استخوان کمک می‌کنند و هورمون درمانی پس از یائسگی نیز در شرایط خاص می‌تواند برای پیشگیری از کاهش پوکی استخوان و شکستگی مورد توجه قرار گیرد. هر درمان باید با توجه به شرایط فرد و تشخیص پزشک انتخاب



افزایش سن، یکی از عوامل اصلی است و بیشتر افراد مبتلا به پوکی استخوان، بالای ۵۰ سال سن دارند؛ در زنان کاهش سریع استروژن در دوران یائسگی و در مردان کاهش تدریجی هورمون‌های جنسی با افزایش سن می‌تواند به تحلیل استخوان منجر شود

شود.

🔥 اگر قرار باشد یک پیام برای حفظ سلامت استخوان‌ها به مخاطبان بدهید، مهم‌ترین نکته چیست؟

پوکی استخوان، نوعی بیماری است که ممکن است مدت‌ها بدون علامت مشخص پیش برود و نخستین نشانه آن شکستگی ناشی از یک ضربه خفیف باشد. به همین دلیل نباید سلامت استخوان‌ها را تا زمان بروز مشکل جدی به تعویق انداخت. شناخت عوامل خطر، تغذیه مناسب، فعالیت بدنی منظم، اصلاح سبک زندگی، ترک سیگار، پیشگیری از زمین خوردن و مراجعه به پزشک در صورت وجود عوامل خطر می‌تواند نقش مهمی در حفظ سلامت استخوان‌ها داشته باشد. تشخیص زودهنگام و پیگیری پزشکی نیز فرصت مناسبی برای پیشگیری از شکستگی و حفظ کیفیت زندگی فراهم می‌کند.



چهارستون بدن را با تغذیه مناسب در پاییز حفظ کنیم

سوخت‌تندرستی



مشعل | در فصل رنگارنگ پاییز که هوا بلامتکلیف است و تقابل زیادی میان گرمای خورشید، باد سرد و ابر پاییزی وجود دارد، بدن ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند مراقبت است؛ بخصوص استخوان‌ها که در طول سال بار زندگی را به دوش کشیده‌اند، حال در روزهای پاییزی دوست دارند با طعم‌های اصیل و گرم تغذیه شوند تا در روزهای سرد پیش رو، محکم و استوار بمانند. مواد غذایی همچون سبزیجات برگ سبز تیره، کدو حلوائی، بادام و گردو، کنجد، حبوبات، گوشت و بسیاری محصولات پاییزی که سوختی هستند برای استواری. در این گزارش بنا داریم شما را با دستور پخت چند غذای گرم و پاییزی برای داشتن استخوان‌های محکم آشنا کنیم.

برای اینکه اسکلت بدنی ما همیشه محکم و سرپا و از گزند پوکی استخوان در امان بماند، به رعایت باید‌ها و نباید‌های خوراکی نیاز داریم. پرهیز از مصرف زیاد نمک در غذاها و تنقلات شور که دفع ادراری کلسیم را افزایش می‌دهد، پرهیز از مصرف نامتعادل غذاهای فست فودی، همچنین پرهیز از قهوه، چای و نوشیدنی‌های کافئین‌دار در دوز بالا از نباید‌ها و استفاده از رژیم غذایی سرشار از پروتئین همچون حبوبات، ویتامین دی (ماهی‌ها و زرده تخم مرغ) و مواد حاوی کلسیم (لبنیات، بادام، کنجد و تخم‌کتان) در کنار فعالیت بدنی و ورزشی ازجمله باید‌هاست. در حقیقت، برای پرهیز از اشکال در ساختار اسکلتی بدن، به چند عنصر حیاتی نیاز داریم که سفره پاییزی و روزانه‌مان می‌تواند سرشار از آنها باشد.

خورشت فسنجان

در فرهنگ ما، پاییز با بوی گردوی تازه گره خورده است. گردو سرشار از امگا ۳ و مواد معدنی است که به حفظ تراکم استخوان‌ها کمک می‌کند. طرز تهیه: ۲ عدد پیاز رنده شده را تفت دهید، ۱ پیمانه پرگردوی چرخ شده را اضافه کنید و چند دقیقه‌ای تفت دهید تا به روغن بیفتد. سپس کمی آب سرد اضافه کنید تا گردو، روغن پس بدهد. سپس تکه‌های مرغ مزه دار شده و زردچوبه را بیفزایید و اجازه دهید روی حرارت ملایم و با شعله‌پخش‌کن آرام‌پز و غلیظ شود. در پایان پخت، رب انار و زعفران را اضافه کنید.



سوپ کدو حلوائی

کدو حلوائی، این نگین درخشان و نارنجی‌رنگ پاییز، سرشار از ویتامین‌ها و آنتی‌اکسیدان‌هایی است که در کنار بادام درختی، پناهگاهی امن برای استحکام استخوان‌های ما می‌سازد. طرز تهیه: یک عدد پیاز را با کمی روغن زیتون تفت دهید و تکه‌های کدو حلوائی و ادویه‌ها شامل زردچوبه، نمک، فلفل سیاه و جوز هندی را به آن اضافه کنید. ۲ پیمانه آب مرغ یا آب جوش را افزوده و بگذارید کدوها کاملاً بپزند. سپس سوپ را در مخلوط‌کن یک‌دست و پودر بادام را به آن اضافه کنید تا روی شعله ملایم جابیفند.



کتلت عدس و کنجد

عدس و کنجد دست به دست هم می‌دهند تا یک وعده غذایی کاملاً گیاهی، پرانرژی و دوستدار استخوان بسازند. طرز تهیه: عدس پخته شده و سیب‌زمینی له شده را در یک کاسه بزرگ با هم مخلوط کنید. پیاز رنده شده، کنجد، آرد نخودچی و ادویه‌ها را به مخلوط اضافه کنید و خوب ورز دهید تا خمیر یک‌دست و منسجمی به دست آید. از مواد به اندازه یک گردو بردارید، به شکل کتلت فرم دهید و در تابه با کمی روغن زیتون دو طرف آن را سرخ کنید تا طلایی شوند. نکته طلایی اینکه نوشیدن یک لیوان دوغ کم نمک یا ماست غنی شده در کنار این غذاها می‌تواند به سلامت گوارش و جذب بهتر کلسیم کمک کند.



فرنی کنجد و شیره انگور

هیچ چیز به اندازه یک کاسه فرنی داغ با عطر هل و گلاب نمی‌تواند دل‌تنگی‌های یک روز پاییزی را التیام ببخشد؛ به خصوص اگر با کنجد و شیره غنی تر شود. طرز تهیه: ۲ قاشق غذاخوری آرد برنج را در ۲ پیمانه شیر تازه حل کنید، روی حرارت ملایم قرار دهید و مرتب هم بزنید تا غلیظ شود. در اواخر پخت، گلاب، پودر هل و کنجد بوداده (یا رنده) را اضافه کنید. فرنی را در ظرف‌های سفالی بریزید و روی آن را با شیره انگور و پودر بادام تزیین کنید.



سالاد کلم بروکلی

این سالاد علاوه بر طعم فوق‌العاده، منبعی غنی از کلسیم گیاهی و چربی‌های مفید است که به جذب مواد مغذی کمک می‌کند. طرز تهیه: کلم بروکلی را به گلابرگ‌های کوچک تقسیم و به مدت دو دقیقه در آب جوش نیم‌پز کنید و سریع در آب یخ بیندازید تا رنگ سبز درخشانش حفظ شود. در یک ظرف بزرگ، بروکلی، بادام خرد شده، پنیر و کشمش را با هم ترکیب کنید. سپس سس سالاد را که شامل روغن زیتون ۲ قاشق غذاخوری، آب‌لیموترش تازه، نمک و فلفل سیاه به مقدار لازم است، روی سالاد بریزید. یک یادآوری صمیمانه: مراقبت از استخوان‌ها فقط یک رژیم غذایی نیست؛ یک نامه عاشقانه به آینده خودمان است. در این روزهای هزاررنگ پاییزی، با گنجاندن این مواد و غذاها گرم در بشقاب‌های روزمره، هدیه‌ای از جنس سلامت و زندگی به استخوان‌هایمان می‌بخشیم.

طراوت و سلامتی را در روزهای سرد به سفره خانواده هدیه دهید

طعم سبزی تازه از گلدان های پاییزی



مشعل | پاییز شاید فصل ریزش برگ های زرد و نارنجی درختان باشد؛ اما پاشیدن چند دانه در یک گلدان کوچک، می تواند آغاز فصلی باشد که حس زیبایی از زندگی، امید و تازگی به وجود آورد؛ فصل کاشتن، صبرکردن و امید داشتن. آنجا که کوچک ترین جوانه سبزی های دوست داشتنی همچون ریحان، گشنیز، جعفری، شاهی، تره و بسیاری دیگر که در گلدان های کوچک کنار سالن یا بالکن آپارتمان نقلی از خاک سر بیرون زده، به ما یاد می دهد که حتی در روزهای سرد و گرفته پاییز نیز می توان طبیعت را در گوشه ای از خانه نظاره کرد. در این گزارش، می آموزیم که چگونه فرصت های طلایی را در روزهای سرد پاییزی از دست ندهیم.



سبزی های پاییزی

در فصل پاییز، سبزی هایی که هوای خنک را بهتر تحمل می کنند، انتخاب مناسب تری هستند. جعفری یکی از گزینه های مناسب برای کاشت پاییزی در گلدان است. با آنکه رشد نسبتاً آرامی دارد؛ اما اگر صبور باشیم، می توانیم مدت زیادی از برگ های تازه آن استفاده کنیم.

گشنیز نیز برای هوای خنک مناسب است و عطر خاص آن می تواند فضای آشپزخانه را دلپذیرتر کند.

شاهی انتخاب خوبی برای کسانی است که دوست دارند نتیجه کاشت خود را زودتر ببینند. دانه های آن کوچک هستند و در شرایط مناسب سریع جوانه می زنند.

تره و پیازچه نیز برای پرورش در گلدان مناسب هستند و به فضای بسیار بزرگی نیاز ندارند.

اسفناج از سبزی های سازگار با هوای خنک است و می تواند در یک گلدان نسبتاً عمیق، پرورش داده شود.

ترپچه نیز برای کسانی که تجربه زیادی در باغبانی ندارند، گزینه جذابی است؛ زیرا رشد آن سریع تر از بسیاری از سبزی های برگی است و دیدن ریشه های که به تدریج در خاک شکل می گیرد، لذت خاصی دارد.

شروع یک جوانه

برای شروع، بهتر است گلدانی را انتخاب کنیم که سوراخ هایی در کف آن وجود داشته باشد تا آب اضافی از خاک خارج شود؛ زیرا ماندن آب در خاک می تواند باعث پوسیدگی ریشه ها شود؛ البته خاک هم باید سبک، حاصل خیز و دارای زهکشی مناسب باشد که در این مورد مخلوطی از خاک باغچه، کمپوست و پرلیت (نوعی سنگ آتشفشانی) بهترین ترکیب برای کاشت سبزی هاست. کمپوست به عنوان

کود طبیعی عمل می کند و پرلیت نیز باعث بهبود زهکشی خاک می شود.

انتخاب بذر مناسب، سالم و مرغوب گام مهم دیگر در پرورش سبزی های پاییزی به شمار می رود. از این رو توصیه ما خرید بذرهای بسته بندی شده از فروشگاه های معتبر و مطمئن است؛ زیرا اطلاعات کامل درباره نوع گیاه، زمان کاشت و برداشت و نیازهای نوری آن روی بسته بندی نوشته شده است. گام مهم بعدی، کاشت بذرها در گلدان است. با این توضیح که نباید دانه ها را خیلی عمیق در خاک

نور، دما، آب و حرکت

بیشتر سبزی ها برای رشد مناسب، به نور کافی نیاز دارند. در آپارتمان بهتر است گلدان را در روشن ترین قسمت خانه، یعنی نزدیک پنجره ای پر نور قرار دهیم؛ نور کم می تواند باعث رشد ضعیف و کشیده شدن ساقه ها شود.

فراموش نکنیم که سرمای شدید یا قرار گرفتن گلدان در معرض باد سرد می تواند به گیاه آسیب بزند. بنابراین اگر هوای پاییزی یک باره خیلی سرد شد، گلدان را به مکانی روشن و دور از جریان هوای سرد منتقل کنید.

بعد از نور، یکی از مهم ترین نکات در نگهداری سبزی ها، آبیاری درست است؛ اما به طور معمول در روزهای خنک پاییز، تبخیر آب کمتر از تابستان صورت می گیرد. بنابراین ممکن است گیاه به آبیاری کمتری نیاز داشته باشد. مقدار دقیق آب به نوع گیاه، اندازه گلدان، دمای خانه و میزان نور بستگی دارد.

همچنین بهتر است از آبیاری بیش از حد خودداری کنیم. گاهی تصور ما بر آن است که هرچه بیشتر به گیاه آب بدهیم، بهتر رشد می کند، در حالی که ریشه ها نیز مانند خود گیاه به هوانیاز دارند.

صبر؛ مهم ترین بخش باغبانی

کاشت سبزی افزون بر لذت، به ما درس صبر می دهد. ممکن است روزهای اول، چند بار گلدان را نگاه کنیم و با خودمان بگوییم «پس چرا هنوز چیزی سبز نشده؟» اما ناگهان در یک صبح پاییزی، چشمانمان به جوانه ای کوچک می افتد که زیباترین بخش ماجرا را به نمایش می گذارد؛ اینکه در گوشه ای از یک آپارتمان، میان انبوهی از آهن و گچ و سیمان، می توانیم شاهد تکه ای از طبیعت سبز و زیبا باشیم.

بعد از رشد مناسب، باید سبزی های برگی را به تدریج برداشت کرد؛ البته بهتر است در برداشت، به گیاه فرصت ادامه رشد بدهیم و همه برگ ها را یک باره جدا نکنیم. برای این کار باید حتماً از قیچی یا چاقوی تیز و تمیز استفاده کنیم.



مشعل | اگر فرزند دانش آموز دارید، باید بدانید که اتاقش، فقط جایی برای خوابیدن یا گذاشتن کتاب نیست؛ بلکه بخشی از دنیای اوست؛ جایی که صبح ها با عجله آماده رفتن به مدرسه می شود، بعدازظهرها پشت میزش می نشیند تا تکلیفش را انجام دهد و شب ها هم با خیال فردایی تازه به خواب می رود. به همین دلیل، چیدمان این اتاق می تواند بیش از آنچه فکر می کنید، بر تمرکز، آرامش و حتی انگیزه او برای درس خواندن تاثیر بگذارد؛ فضایی که هم برای درس خواندن آماده باشد و هم برای نفس کشیدن و رویاپردازی؛ البته قرار نیست برای آماده کردن یک اتاق ایده آل، هزینه زیادی بپردازید یا همه وسایل را از نو بخرید؛ فقط باید کمی خلاقیت به خرج بدهید تا اتاقی متناسب با نیازهای او بچینید. در این گزارش یادآوری می کنیم که چگونه می توان اتاق فرزند را چیدمان کرد تا شلوغی و وسایل اضافی، حواسش را پرت نکند.

چیدمان مناسب اتاق دانش آموز،
ترفندی برای تبدیل یک فضای
ساده به پناهگاه یادگیری است

سکوی تمرکز

گوشه ای دنج برای مطالعه

مهم ترین وسیله اتاق دانش آموز، میزی برای مطالعه است؛ فرقی نمی کند که این میز، مخصوص مطالعه باشد یا کاربری دیگری داشته باشد؛ بلکه مهم آن است که در گوشه ای دنج قرار بگیرد تا هنگام درس خواندن، رفت و آمد اهالی خانواده تمرکز او را به هم نزند، ضمن اینکه اگر نزدیک پنجره باشد، استفاده از نور روز می تواند فضای مطالعه را دلنشین تر کند؛ به این شرط که منظره بیرون حواس دانش آموز را پرت نکند و مجبور نشود هر چند دقیقه یک بار چشم از کتاب بردارد.

استفاده از چراغ مطالعه با نور سفید یا مهتابی هم بهترین گزینه برای ساعات غروب یا شب است؛ زیرا این رنگ، شبیه نور روز است و به مغز سیگنال بیداری و تمرکز می دهد. نور زرد یا گرم بیشتر برای فضاهای استراحت مناسب است و ممکن است هنگام مطالعه باعث خواب آلودگی شود.

در این میان، ارتفاع میز و صندلی هم اهمیت زیادی دارد. صندلی باید راحت باشد و کودک هنگام نشستن مجبور نباشد بیش از حد خم شود. روی میز را هم تا حد امکان خلوت نگه دارید. چند وسیله ضروری، دفتر و کتاب های مورد نیاز کافی است؛ میز شلوغ، گاهی ذهن را هم شلوغ می کند. همچنین میز مطالعه نباید رو به تلویزیون، تخت خواب و اسباب بازی ها باشد. فراموش نکنید که در این روزها، یکی از بهترین کارها برای تمرکز بیشتر، کنار گذاشتن تلفن همراه و دیگر عوامل حواس پرتی است. پس بهتر است با نرمی و آرامش درباره زمان استفاده از تلفن همراه با دانش آموز به توافق برسید تا هنگام درس خواندن، تلفن روی میز مطالعه اش نباشد.

همچنین اگر فضای اتاقش اجازه می دهد، یک گوشه کوچک را به نقاشی، گوش دادن موسیقی یا سرگرمی مورد علاقه او اختصاص دهید. یک صندلی راحت، چند کتاب داستان یا حتی یک گلدان کوچک می تواند همین گوشه ساده را به محبوب ترین قسمت اتاق تبدیل کند. او باید بفهمد که اتاقش فقط محل انجام تکالیف و شنیدن جمله «برو درس بخوان» نیست؛ بلکه جایی است که می تواند خسته باشد، فکر کند، کتاب بخواند، گریه کند، بخندد و دوباره شروع کند.

رنگ های هوشیارکننده ذهن

رنگ اتاق، حال و هوای آن را می سازد. به طور معمول، برای اتاق دانش آموز رنگ های روشن و آرام مانند کرم و سفید گرم که زمینه ای مناسب برای نظم، آرامش و شفافیت ذهنی هستند، سبز ملایم که از نظر بصری فشار کمتری به چشم وارد می کند، آبی روشن که باعث افزایش تمرکز و کاهش اضطراب می شود یا رنگ های خنثی انتخاب های مناسبی هستند؛ البته قرار نیست اتاق بی روح و یکنواخت باشد. می توان با چند قاب، کوسن، پرده یا وسایل تزئینی مورد علاقه کودک، رنگ و شخصیت بیشتری به فضا داد.

بهتر است در انتخاب رنگ، سلیقه خود کودک را هم جدی بگیرید. او قرار است ساعت های زیادی را در این اتاق بگذراند؛ پس طبیعی است که نظرش درباره فضای شخصی خودش مهم باشد.

استفاده نکردن از کاغذ دیواری یا برچسب های شلوغ، به شدت توصیه می شود؛ مواردی که تمرکز ذهن را از بین می برند.

نظم آری، وسواس نه

قفسه کتاب، فایل، جعبه های کوچک برای لوازم التحریر و یک جای مشخص برای کیف مدرسه، به مرتب ماندن اتاق کمک می کنند. وقتی هر وسیله ای جای خودش را داشته باشد، پیدا کردن آن هم آسان تر می شود؛ اما این نظم نباید بهانه ای برای تذکرها ی دائمی و وسواس باشد.

قرار نیست هر روز با جمله «اتاق را مرتب کن!» شروع و تمام شود. بهتر است کودک به تدریج یاد بگیرد که مسئولیت نظم اتاقش را برعهده دارد، اما اگر گاهی چند کتاب روی میز بماند یا لباسی روی صندلی باشد، دنیا به آخر نمی رسد. اجازه بدهید بخشی از سلیقه و شخصیت فرزند در اتاقش دیده شود تا ارتباط عاطفی بیشتری با آن پیدا کند. پس به دلیل چسباندن یک عکس یا حتی یک یادداشت کوتاه از دوست صمیمی اش به دیوار، عصبانی نشوید و فضا را برای او متشنج نکنید. شاید سال ها بعد، فرزندان رنگ دیوار اتاق یا مدل میز مطالعه و یا شلوغی اتاق را به یاد بیاورد؛ اما به طور حتم حس آرامشی را که در آن اتاق تجربه کرده، فراموش نخواهد کرد.

هم نفس با شعله‌های بلند



بزنند، خواهند گفت: این چرخ‌دنده‌ها و لوله‌ها فقط آهن و فولاد نیست؛ حاصل شب‌بیداری‌ها و فداکاری‌هاست.

از بازسازی تا حذف فلر

مظفری بزرگ‌ترین افتخار سال‌های فعالیتش را نقش حیاتی بید بلند در مقاطع بحرانی می‌داند؛ از بازسازی واحدهای پالایش پس از جنگ تحمیلی تا حفظ تولید در شرایط دشوار اقتصادی و تحریم‌ها. امروز نیز تولید مایعات گازی حاصل از استحصال واحدهای شیرین‌سازی و حرکت به سوی حذف فلر سوزی، نمادی از پیشرفت فنی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی این مجموعه است.

او باور دارد انرژی و امید کارکنان، حتی در شیفت‌های ۲۴ ساعته، از همین حس‌انگیزی و تعلق سازمانی سرچشمه می‌گیرد؛ از اینکه می‌دانند تلاششان در آسایش میلیون‌ها خانواده ایرانی نقش مستقیم دارد.

شریک خاموش تعهد

حضور در شیفت‌ها و ایام تعطیل، بی‌تردید از زمان در کنار خانواده بودن می‌کاهد، اما مظفری می‌گوید: خانواده‌اش اهمیت این مسئولیت را درک کرده‌اند. حضور در پالایشگاه به ویژه در تعطیلات، تضمین امنیت انرژی خانواده‌های ایرانی است؛ تعهدی فراتر از مرزهای خانه.

آرزوی او، کاهش حوادث کاری، بهره‌وری بیشتر پالایشگاه و زمانی مؤثرتر در کنار عزیزانش است؛ آرزویی که بسیاری از کارکنان صنعت نفت با او مشترک هستند. او به همکاران مجموعه‌های گاز و نفت کشور تاکید می‌کند: هرچند در جغرافیای این سرزمین پراکنده‌ایم، اما یک رگ حیاتی مشترک داریم؛ عهدی با شعله مقدس گاز و تعهد به تولید ایمن و پایدار.

وقتی از او می‌پرسیم کارکنان بید بلند در آینده درباره امروز چه خواهند گفت، پاسخ می‌دهد: شاید از تعهد و استقامتی بگویند که در بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها و جنگ نشان دادیم؛ از اینکه چراغ تولید را خاموش نگذاشتیم.

مشعل | در دل صنعت نفت مردانی ایستاده‌اند که زندگی را با شعله‌های بلند مشعل و صدای مداوم تپش خطوط انتقال معنا می‌کنند. قدرت‌اله مظفری، از کارکنان با سابقه پالایشگاه گاز بید بلند، یکی از همان چهره‌هایی است که میان لوله‌ها و برج‌های پالایش زندگی می‌کند؛ با لبخندی از امید و نگاه به فردایی روشن‌تر برای مردم ایران.

قدرت‌اله مظفری، متولد سال ۱۳۵۶، دارای مدرک فوق‌لیسانس مهندسی شیمی و پدر دو فرزند است. او با ۲۳ سال سابقه کار عملیاتی در واحد بهره‌برداری، امروز به عنوان سرپرست واحد پالایش و نم‌زدایی گاز در شرکت پالایش گاز بید بلند فعالیت می‌کند؛ مجموعه‌ای که نامش با قدمت و استقامت در صنعت نفت ایران پیوند خورده است.

در فضای صنعتی پالایشگاه، همدلی میان همکاران و تلاش مشترک برای پایداری تولید، رنگ و بوی خود را پیدا می‌کند.

شیفت‌ها در ایام تعطیل برای کارکنان صنعت نفت معنایی متفاوت دارد. وقتی بسیاری در کنار خانواده هستند، اینجا صدای توربین‌ها و جریان گاز، پیام‌آور تداوم زندگی در خانه‌های مردم است.

مظفری معتقد است: آنچه این روزها دلش را گرم نگه می‌دارد، حس مسئولیت و آگاهی از نقش حیاتی پالایشگاه در تأمین پایدار انرژی کشور است. احساسی که به گفته او، فراتر از یک وظیفه اداری، «نوعی تعهد ملی» است و برای او این تعهد نمادی است از مشعل‌های بلند و سوزان پالایشگاه؛ نشانی از دست‌های تلاشگر کارکنانی که رو به آسمان، برای آبادانی این سرزمین می‌سوزند و می‌سازند.

ریشه بید بلند در صنعت نفت

مظفری بید بلند را به درختی کهنسال تشبیه می‌کند؛ چناری باتنه‌ای قطور و ریشه‌هایی عمیق در تاریخ این سرزمین. درختی که سال‌ها سختی دیده، اما هر بهار، سبزتر از پیش جوانه زده است.

نسل‌های پیشین کارکنان، به باور او، اگر امروز در میان خطوط و برج‌ها قدم



مجله تصویری کارکنان صنعت نفت ایران

با مشعل آنلاین به خانواده بزرگ صنعت نفت پیوندید

t.me/mashalonline



ble.ir/mashalonline



www.aparat.com/Mashalonline



[MashaLonline](https://www.instagram.com/MashaLonline)



ایران شکووی پایان
عکس: مجتبی محمد قالی

